



مرکز تحقیقات اسلامی

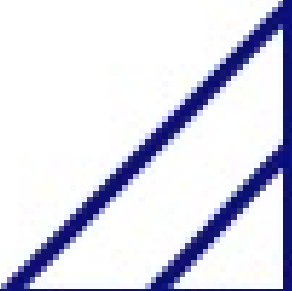
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جنگ و جهاد در قرآن

نویسنده:

واحد تحقیقات پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی
فقیه در سپاه

ناشر چاپی:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	جنگ و جهاد در قرآن
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	مقدمه
۱۱	فصل اول کلیات
۱۱	اشاره
۱۱	معنای لغوی و اصطلاحی جهاد
۱۲	اقسام جهاد
۱۲	اشاره
۱۲	جهاد اکبر و جهاد اصغر
۱۲	چرا جهاد اکبر؟
۱۳	هشدار
۱۳	اقسام جهاد اصغر
۱۴	فضیلت جهاد فرهنگی
۱۵	اقسام جهاد نظامی
۱۶	تبیین جهاد ابتدایی
۲۰	تشریح جهاد نظامی
۲۰	اشاره
۲۰	وضعیت مسلمانان در مکه (دوران جهاد فرهنگی و تحمّل)
۲۱	مدینه قبل از بدر
۲۳	فلسفه و اهداف جهاد
۲۳	اشاره
۲۳	۱- دفاع از کیان اسلام و مسلمانان

۲۳	۲- مقابله با ظلم و فساد
۲۴	۳- حفظ پایگاه‌های خداپرستی و توحید
۲۴	۴- دفاع از مظلومان و مستضعفان (مؤمن و غیرمؤمن)
۲۵	جهاد و آزادی عقیده
۲۷	پیشینه جهاد و قتال در حرکت انبیا
۲۸	اهمیت و فضیلت جهاد اصغر
۳۰	فصل دوم دشمن شناسی
۳۰	اشاره
۳۰	دشمن درونی
۳۰	الف- نفس اماره:
۳۰	ب- شیطان (ابلیس):
۳۱	دشمن بیرونی
۳۱	اشاره
۳۱	الف- دشمن داخلی:
۳۴	ب- دشمن خارجی:
۳۸	تبیین و توضیح
۳۸	اشاره
۳۸	۱- دشمنی مشرکان:
۳۹	۲- اهل کتاب
۴۱	فصل سوم دشمن ستیزی
۴۱	اشاره
۴۳	ستیز تا کجا؟
۴۴	جهاد تا حاکمیت کامل اسلام و محو کامل شرک
۴۸	فصل چهارم ویژگی‌های مجاهدان

۴۸ اشاره
۴۸ ویژگی‌های عمومی
۵۱ ویژگی‌های فرماندهان
۵۱ اشاره
۵۳ ویژگی‌های فرمانده از نگاه حضرت علی (ع)
۵۳ ویژگی‌های فرمانبران
۵۷ فصل پنجم عوامل پیروزی و شکست
۵۷ عوامل پیروزی
۵۷ اشاره
۵۷ الف- عوامل مادی
۵۷ ب- عوامل معنوی
۶۱ امدادهای غیبی در جنگ
۶۱ اشاره
۶۳ فلسفه امدادهای غیبی
۶۳ قانونمندی امدادهای غیبی
۶۵ عوامل شکست
۶۵ اشاره
۶۵ ۱- عدم بینش صحیح
۶۵ ۲- تفرقه
۶۶ ۳- نافرمانی
۶۶ ۴- عجب و غرور
۶۷ فصل ششم مقام و منزلت مجاهد و شهید
۶۷ اشاره
۶۷ مقام مجاهدان

۶۹	پاداش مجاهدان
۷۰	منزلت جانباز و شهید
۷۰	مقام شهدا
۷۲	پاداش شهدا
۷۳	فصل هفتم نقش زنان در جهاد و دفاع
۷۳	اشاره
۷۳	الف- شرکت مستقیم
۷۳	اشاره
۷۴	۱- رزم شجاعانه:
۷۴	۲- پرستاری از مجروحان:
۷۴	ب- شرکت غیر مستقیم
۷۵	اشاره
۷۵	۱- رزمنده پروری و تشویق شوهران و فرزندان به شرکت در جهاد
۷۶	۲- ایجاد آرامش روانی برای رزمندگان نسبت به اداره زندگی و تربیت فرزندان
۷۶	۳- استقبال از شهادت جوانان
۷۷	۴- پرستاری و امدادگری
۷۷	۵- کمک‌های مالی و تدارکاتی
۷۷	۶- فعالیت‌های تبلیغاتی
۷۸	فصل هشتم وظایف مردم در پشت جبهه
۷۸	اشاره
۷۸	الف- پشتیبانی معنوی و فرهنگی از رزمندگان
۷۸	۱- تجلیل و تأیید رزمندگان و ایثارگران
۷۸	۲- تجلیل از شهدا، جانبازان و مجروحان
۷۹	۳- رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان

- ب- مقابله با توطئه‌های دشمن و ستون پنجم ۷۹
- اشاره ۷۹
- ۱- پرهیز از تفرقه ۸۰
- ۲- حفظ امنیت داخلی ۸۰
- ۳- مقابله با جنگ روانی دشمن ۸۱
- ج- پشتیبانی مالی و تدارکاتی از جبهه ۸۱
- فهرست منابع ۸۳
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۸۴

جنگ و جهاد در قرآن

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: جنگ و جهاد در قرآن / واحد آموزش - ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
 مشخصات نشر: [تهران]: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰.
 مشخصات ظاهری: ۹۰ ص.
 فروست: از قرآن پیام‌زیم؛ شماره ۱.
 یادداشت: چاپ مکرر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰. (بدون فروست).
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
 موضوع: جنگ -- جنبه‌های قرآنی
 موضوع: جهاد در قرآن
 شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
 شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. ستاد مرکزی. واحد آموزش
 رده بندی کنگره: BP104/ج88 ج88 الف ۱۳۶۰
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۴۳۹۶۲

مقدمه

دین اسلام برای نجات بشریت از منجلا ب جهل، شرک، خرافه، گمراهی و رساندن او به مقام خلافت و انسان کامل آمده است. در طول هزار و چهارصد سال که از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌گذرد، مسلمانان متعهد توانسته‌اند این هدف متعالی را در هر زمان کم و بیش جامه تحقق ببوشانند. آنان با تلاش و جهاد همه جانبه خویش، ابتدا به شکست دشمن درون، همت گمارده، سپس برای نابود ساختن دشمنان بیرونی به جهاد فرهنگی و نظامی روی آورده‌اند. در عصر حاضر حفاظت از اسلام و انتشار و ترویج آیین توحیدی و حیاتبخش آن به عهده ما گذاشته شده است. حال برای اینکه در انجام این وظیفه سنگین موفق باشیم باید بر گستره آگاهی و اطلاعات خود در زمینه دشمن شناسی بیفزاییم و دشمنان اسلام و انسانیت را در چهره‌های گوناگونشان بشناسیم و پس از آن به تقویت روحیه دشمن ستیزی همت گماریم و در هر دو میدان جهاد اصغر و اکبر با بینش کامل و عزمی راسخ قدم نهیم و پنجه در پنجه دشمنان انداخته، به حول و قوه الهی آنها را منکوب نماییم و خارهای سر راه پیشرفت اسلام را بزدا کنیم. دوره‌های بسیج فرصت مناسبی برای رشد یافتن و تعالی است چه از لحاظ فکری و چه از نظر گرایش؛ و برای تحقق این مهم متن حاضر تدوین شده است. در این کتاب مباحثی همچون مفهوم جهاد،

جهاد در قرآن، ص: ۱۴

اهمیت و اهداف آن، دشمن شناسی، دشمن ستیزی، ویژگی‌های مجاهدان، عوامل پیروزی و شکست و ... مورد بحث قرار گرفته است. امید است در تقویت بنیه اعتقادی، بینش صحیح دینی و گرایش مذهبی متعلمان مفید و مؤثر واقع شود.

مرکز تحقیقات اسلامی

معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی جهاد در قرآن، ص: ۱۵

فصل اول کلیات

اشاره

در این فصل، مسائل کلی جهاد نظیر اقسام جهاد، اهمیت جهاد، فلسفه و اهداف جهاد را مورد بررسی قرار خواهیم داد؛ اما پیش از ورود به این مباحث لازم است معنای لغوی و اصطلاحی جهاد مورد بررسی قرار گیرد.

معنای لغوی و اصطلاحی جهاد

واژه «جهاد» از ریشه «جَهَدَ یا جُهِدَ» به معنای مشقت و زحمت و همچنین به معنای توان و طاقت است و «جهاد» و «مجاهده» یعنی به کار بستن توان در دفع دشمن. «۱» البته این کوشش به صورت‌های مختلف انجام می‌گیرد، زیرا حمله و هجوم دشمن به شیوه‌های مختلف است و اما لفظ «قتال» فقط به معنای مقابله نظامی و درگیری با دشمن است.

جهاد علاوه بر معنای لغوی، اصطلاحی شایع در فرهنگ اسلامی است و در تعریف آن چنین گفته‌اند:

«الْجِهَادُ شَرْعًا بَدْلُ النَّفْسِ وَالْمَالِ وَالْوُسْعِ فِي اعْلَاءِ كَلِمَةِ الْأِسْلَامِ وَأَقَامَةِ شَعَائِرِ الْإِيمَانِ» «۲»

معنای شرعی و اصطلاحی جهاد عبارت است از نثار جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و بر پا داشتن شعارهای ایمان.

(۱) - مفردات، راغب اصفهانی، ص ۱۰۱؛ البته این واژه به معنای کوشش و زحمت زیاد برای تحقق بخشیدن هدف هم آمده است. مثلاً «وَأَنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي..» یعنی اگر سعی و کوشش کردند تا تو بر من شرک بورزی...». (عنکبوت (۲۹)، آیه ۸).

(۲) - جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳.

جهاد در قرآن، ص: ۱۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیان تعریف اصطلاحی جهاد می‌فرماید:

هر چیزی که هم تلاش باشد و هم در مقابله با دشمن باشد، جهاد است. بعضی ممکن است یک کاری انجام دهند، زحمت هم بکشند، بگویند ما داریم جهاد می‌کنیم، نه، جهاد یک شقش این است که در مقابله با دشمن باشد. «۱» بنابراین در معنای اصطلاحی جهاد دو عامل مهم لحاظ شده است:

اول این که اقدامی باشد همراه با تلاش، کوشش و تحمل سختی. دوم اینکه اقدامی باشد برای مقابله با دشمن و دفع هجوم‌های گوناگون او.

به نظر می‌رسد در اصطلاح جهاد، قید سومی هم لحاظ شده که عبارت است از قید «فی سبیل الله»؛ یعنی اینکه این تلاش و کوشش برای مقابله با دشمن، به قصد و نیت امتثال امر، کسب رضای خدا و شکست دشمن خدا باشد و اگر در این مقابله، کسب رضای خدا لحاظ نشده باشد، اطلاق واژه جهاد بر آن صحیح نیست ولی در معنای قتال که مقابله نظامی با دشمن است، قید «فی سبیل الله» نیامده است. از این رو در قرآن وقتی سخن از جهاد و مجاهده آمده یا به صورت مطلق است:

«لَكِنَّ الرِّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ...» «۲»

ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جانهایشان جهاد کردند.

و یا اگر قید «فی سبیل الله» آمده، قید توضیحی است اما قتال ممکن است مقابله نظامی با دشمن جهت کسب رضای خدا باشد و یا با جبهه حق و در راه شیطان و طاغوت:

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ» (۳)
 مؤمنان در راه خدا و کافران در راه طاغوت جنگ و مبارزه می‌کنند.

(۱) - سخنرانی معظم له تحت عنوان «عبرت‌های عاشورا».

(۲) - توبه (۹)، آیه ۸۸.

(۳) - نساء (۴)، آیه ۷۶.

جهاد در قرآن، ص: ۱۷

بنابراین معنای اصطلاحی جهاد عبارت است از: به کار گرفتن سعی و توان برای مقابله با دشمن، به نیت کسب رضای خدا و امتثال امر او.

اقسام جهاد

اشاره

تقسیم بندی جهاد به چند اعتبار صورت می‌گیرد، گاهی تقسیم بندی به اعتبار «دشمن» است و گاهی به اعتبار «نوع هجوم» و گاهی به اعتبار «ارزش و اهمیت» که این تقسیم بندی‌ها خود به شرح زیر است:

جهاد اکبر و جهاد اصغر

دشمن انسان یا درونی است و یا بیرونی، دشمن درونی عبارت است از شیطان که وجودش نامرئی بوده و در نفس انسان وسوسه می‌کند و با یاری گرفتن از قوای نفسانی بر قوای رحمانی و عقلانی می‌تازد و با شکست دادن آنها، انسان را به بردگی و بندگی می‌گیرد. جهاد با شیطان و قوای نفسانی را «جهاد نفس» یا «جهاد اکبر» نامیده‌اند. در مقابل، دشمن بیرونی است؛ یعنی شیطان‌های انسان نمایی که سد کننده راه خدایند و تجاوزگر به حقوق انسانها؛ جهاد در مقابل اینان را «جهاد اصغر» گویند.

چرا جهاد اکبر؟

اصطلاح «جهاد اکبر» را برای «جهاد با نفس» شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله به کار بردند. ایشان خطاب به گروهی از رزمندگان که فاتحانه از میدان مبارزه با دشمن خارجی باز می‌گشتند، فرمود:

«مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضُوا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ»

آفرین به قومی که جهاد کوچک‌تر را انجام دادند و جهاد بزرگ‌تر هنوز بر عهده آنان باقی است.

رزمندگان پرسیدند: ای رسول خدا؛ جهاد اکبر چیست؟

جهاد در قرآن، ص: ۱۸

پیامبر فرمود: جِهَادُ النَّفْسِ (۱) (مبارزه با نفس شیطانی).

یک مجاهد قبل از اینکه وارد میدان جهاد اصغر شود، باید به جهاد اکبر بپردازد.

جهاد اصغر یک جهاد موقتی است و تا زمانی که دشمن خارجی سرکوب نشده، ادامه دارد و با منکوب شدن دشمن خارجی تمام

می‌شود، ولی جهاد اکبر یک جهاد دائمی و لحظه به لحظه است و در این میدان، دشمن لحظه‌ای غافل نشده انسان را به حال خود نمی‌گذارد.

انسان با ایمان آوردن و انجام اعمال صالح وارد میدان مبارزه با بزرگترین دشمن خود، یعنی شیطان و نفس اماره شده است و تا زمانی که در این میدان باشد و بر ایمان خویش پای فشرده و بدان پایبند بماند مجاهد بوده و مرگش شهادت است.

«منهال قصاب» به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي الشَّهَادَةَ»؛ از خدا بخواه که شهادت روزیم کند.

امام فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ شَهِيدٌ» وَقَرَأَ «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (۲)

به راستی که مؤمن شهید است. و بعد این آیه را تلاوت فرمود: «کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند، در نزد پروردگارشان

صدیقان و شهیدان می‌باشند.» (۳)

هشدار

مجاهدانی که شاهد عرصه نبرد بوده و توفیق شهادت را نصیب خود کردند، اینان جهاد اکبر و جهاد اصغر خویش را با فوز عظیم شهادت به پایان بردند و کارنامه خویش را به مهر درخشان شهادت ختم کردند، اما مجاهدانی که سرافراز از میدان جهاد اصغر بیرون آمدند باید بدانند که بر کارنامه خویش سطرهایی از افتخار و عظمت نگاشته‌اند اما

(۱) - وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲۲.

(۲) - حدید (۵۷)، آیه ۱۹.

(۳) - المیزان، ج ۱۹، ص ۱۶۹.

جهاد در قرآن، ص: ۱۹

باید این افتخار را پاس بدارند و از گزند دستبرد دشمن غدار و حيله‌گر در کمين نشسته، حفظ کنند و بدانند اگر لحظه‌ای غافل شوند، سرمایه گرانبایشان به تاراج رفته و چه بسا خدای ناخواسته با مهر مردودی و شقاوت پرونده اعمالشان ختم گردد. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه ۷۴ سوره نساء: «آن کس که در راه خدا قتال کند پس کشته شود یا پیروز گردد، به زودی پاداش عظیمی نصیبش خواهیم کرد» می‌نویسد:

آیه فوق بیان می‌کند که دو عاقبت نیکو و پسندیده در انتظار مجاهد مسلمان است، شهادت یا پیروزی بر دشمن؛ و از آن رو که فرار در قاموس مسلمان مجاهد نیست، شق سوم یعنی فرار را ذکر نکرده است. در بین این دو عاقبت نیکو، اول شهادت را نام برد؛ زیرا مجاهد مسلمان به مجرد شهادت به وعده نیکوی الهی می‌رسد و هیچ چیز نمی‌تواند بین او و لقای پروردگار و نعمت‌های چشم روشن کن بهشت برزخی و پس از آن بهشت جاوید مانع گردد و برای او پس از شهادت دیگر خوف و خطری نیست؛ ولیکن مجاهد پیروز گرچه ثواب جهاد و فتح در نامه عملش ثبت شده و استحقاق پاداش یافته است ولی این استحقاق همیشه در خطر حبط و نابودی است. ممکن است با مرتکب شدن بعضی گناهان بزرگ این استحقاق را از دست بدهد. پس او تا آخر عمر باید این استحقاق را مراعات کرده و حفظ کند تا بعد از مرگش به پاداش برسد. (۱)

اقسام جهاد اصغر

از آنجا که هجوم دشمن به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد، به طور طبیعی شیوه‌های جهاد اصغر نیز مختلف است از جمله:

- جهاد فرهنگی برای رفع و محو سلطه فرهنگی دشمن یا مقابله با هجوم فرهنگی دشمن.
- جهاد نظامی و درگیری و رویارویی در صحنه جنگ با دشمن.
- جهاد مالی و تأمین هزینه مبارزه با دشمن و

(۱)- المیزان، ج ۴، ص ۴۱۹.

جهاد در قرآن، ص: ۲۰

فضیلت جهاد فرهنگی

زیربنا و شالوده شخصیت فرد و جامعه، مسائل فرهنگی و اعتقادی است. اعتقادات و فرهنگ صحیح به مثابه درختی است که اخلاق و اعمال پاک به بار می‌آورد و زمینه شکوفایی فرد و جامعه را فراهم می‌سازد، و اعتقادات و فرهنگ غیراصولی، مانند درخت خبیثی است که میوه ناپاکش اخلاق و رفتار پلید و حیوانی است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«الْم تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْمَلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (۱)

مگر ندیدی که خدا چگونه مثالی زد که کلمه طیبه به مانند درخت پاکیزه‌ای است که ریشه‌اش در زمین ثابت و شاخه آن در آسمان است. همیشه به اذن پروردگارش میوه خود را می‌دهد و خدا این مثل‌ها را برای مردم می‌زند شاید متذکر شوند؛ و کلمه خبیث به مانند درخت ناپاکی است که از زمین کنده شده و قرار و ثباتی ندارد.

به بیان علامه طباطبایی منظور از «کلمه طیبه» اعتقادات ناب و صحیحی است که اصل و اساس آنها توحید می‌باشد. عقاید حقی که ریشه در نهاد و فطرت بشر دارد و ثابت و تغییر ناپذیر می‌باشد و شاخه‌های آن معارف فرعی و اخلاق پسندیده و اعمال صالح است که پیوسته از آن اصل ظاهر می‌شود و منظور از کلمه خبیثه، شرک به خداست که بی‌ریشه بوده و اصل و حقیقتی ندارد. میوه این درخت بی‌ریشه جز حنظل اخلاق زشت و اعمال ناپسند نمی‌باشد. (۲)

جهاد فرهنگی یعنی سعی و تلاش برای تبیین، تفهیم و ترویج عقاید صحیح و ابطال

(۱)- ابراهیم (۱۴)، آیات ۲۴-۲۶.

(۲)- المیزان، ج ۱۲، ص ۵۰-۵۲.

جهاد در قرآن، ص: ۲۱

عقاید باطل در جامعه. در جامعه جاهلی که اساس آن جهل و خرافه است، عقاید ناصحیح و جاهلانه، اخلاق زشت و اعمال قبیح بار آورده و افراد را فساد احاطه کرده است. چنین جامعه‌ای تا زمینه‌های فلاح و رستگاری را در خود ایجاد نکند، به رشد و سعادت نمی‌رسد؛ و ایجاد زمینه‌های صلاح به این امر وابسته است که مصلحان با روشنگری و مجاهدت علمی و فرهنگی زیربنای جاهلانه و خرافی اعتقادی را از بین برده و آب حیات توحید و فرهنگ صحیح را به جامعه برسانند. در این صورت عنایت خداوند نیز شامل شده نگون‌بختی و سیه روزی رخت بر می‌بندد و سعادت و خوشبختی چهره می‌نماید.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (۱)

خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.

بنابراین جهاد فرهنگی مقدم بر جهاد نظامی است. لذا باید ابتدا با فرهنگ جاهلی مبارزه کرد و با ارائه فرهنگ ناب الهی و اسلامی،

آن را به قهقرا فرستاد و نیز علیه کسانی که آگاهانه بر فرهنگ جاهلی پای می‌فشردند و نمی‌گذارند آب حیاتبخش فرهنگ ناب الهی جانهای تشنه را سیراب کند، جنگید و آنان را از میان برداشت البته جهاد فرهنگی یک جهاد مستمر است و حفظ و ماندگاری احکام الهی به آن بستگی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز رسالتش قبل از اینکه به او و پیروانش اجازه دفاع و جهاد نظامی داده شود، مأمور به جهاد فرهنگی شد؛ قرآن به عنوان کتاب جهاد فرهنگی بر قلب مبارک ایشان نازل شد تا با تبیین و تبلیغ آن فرهنگ حاکم را منهدم سازد: «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (۲)

و به وسیله قرآن با آنان مبارزه کن، مبارزه بزرگی!

(۱) - رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

(۲) - فرقان (۲۵)، آیه ۵۲.

جهاد در قرآن، ص: ۲۲

یعنی با تلاوت آیات قرآن و بیان حقایق قرآن حجت را بر آنان تمام کن و پایه‌های متزلزل اعتقاد پوشالی آنان را ویران نما و بر آن ویرانه، بنیان اعتقاد توحیدی را استوار و محکم بنا کن. این آیه از آیات مکی است و منظور از دستور جهاد در آن قتال نیست؛ مخصوصاً که وسیله آن را قرآن شمرده است.

فضیلت این جهاد از جهاد نظامی نیز بیشتر و والاتر است؛ چون مجاهدان فرهنگی هستند که مجاهدان نظامی را می‌پروراند. این مجاهدان، فقیهان و دانشمندان الهی‌اند که با تبیین و تبلیغ عقاید، اخلاق و احکام توحیدی سایر مجاهدان را تربیت می‌کنند؛ از این روست که ارزش مجاهدان این صحنه بسی والاتر و بالاتر از مجاهدان دیگر صحنه‌ها و از جمله مجاهدان نظامی است که خود برتر از دیگر مجاهدان هستند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام نقل شده که:

«إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوَضِعَتِ الْمَوَازِينُ فَتَوَزَنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ» (۱)

در روز قیامت، خداوند عزوجل همه مردم را در یک جا جمع می‌کند، میزان‌ها نصب می‌گردد و خون شهیدان با مداد علما سنجیده می‌شود، پس مداد عالمان بر خون شهیدان برتری می‌یابد.

اقسام جهاد نظامی

جهاد نظامی خود به دو قسم است:

الف- جهاد دفاعی: جهاد دفاعی عبارت است از دفاع مسلمانان از جان، مال، ناموس، سرزمین و کیان اسلامی در برابر هجوم دشمنان. دفاع یکی از مسائل بدیهی است که مورد قبول فطرت، عقل، غریزه و شرع می‌باشد و هیچ موجود زنده‌ای در دفاع از هستی و آنچه به او تعلق دارد، تردیدی به خود روا نمی‌دارد.

مسلمانان- چه به صورت فردی و چه گروهی- همانند دیگران حق دارند که از کیان

(۱) - بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴.

جهاد در قرآن، ص: ۲۳

اسلام، حکومت اسلامی و موجودیت خویش در هر شرایطی دفاع کنند و اعتراض به چنین حقی از سوی هر کس که مطرح شود، بسیار ابلهانه و نابخردانه است، اما اینکه چگونه باید دفاع کنیم، مسأله‌ای است که قرآن و فقه اسلامی به آن پرداخته و جزئیات آن را به روشنی بیان داشته است.

ب- جهاد ابتدایی: اگر مسلمانان نه برای دفع هجوم ظاهری دشمن، بلکه برای از بین بردن حاکمیت جهل، شرک و خرافه و گسترده شدن دامنه توحید و رساندن آب حیات دین به جوامع مرده انسانی، متوسل به شمشیر شوند، این جهاد ابتدایی است. همان طور که توضیح خواهیم داد، روح جهاد ابتدایی همان جهاد دفاعی است و در این مبارزه جهادگران از حیات انسانی و حاکمیت توحید دفاع می‌کنند.

در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که بر جهاد ابتدایی صراحت دارد؛ از آن جمله می‌توان به آیه زیر اشاره کرد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً...» (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«امْرُؤٌ اِنْ اِقَاتَلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ فَمَنْ قَالَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ فَقَدْ عَصِمَ مِنْ مَالِهِ وَنَفْسِهِ» (۲)

من مأمورم که با مردم (مشرکان) بجنگم تا «لا اله الا الله» بگویند، پس کسی که آن را بر زبان جاری سازد، مال و جانش در امان است.

فقهای اهل تشیع و تسنن نیز اصل تشریح جهاد ابتدایی را پذیرفته‌اند و در ذیل آن

(۱) - توبه (۹)، آیه ۱۲۳.

(۲) - جهاد، آیه الله حسین نوری، ص ۳۱۷، به نقل از صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۸.

جهاد در قرآن، ص: ۲۴

مباحثی نظیر استثنای برخی از زمان‌ها و مکان‌ها در جهاد، تعیین حداقل مقدار واجب آن، لزوم دعوت به اسلام پیش از جهاد، مشروط بودن آن به اذن امام معصوم یا امام عادل و لزوم انتخاب کفار نزدیک‌تر برای جهاد را ذکر کرده‌اند. (۱)

طرح این مباحث تأکیدی بر وجود حکم جهاد ابتدایی در اسلام است؛ زیرا در جهاد دفاعی، استثنا مفهومی ندارد و تعیین زمان و مکان آن، در حقیقت به عملکرد دشمن بستگی دارد. از سوی دیگر، اذن امام معصوم علیه السلام نیز در جهاد دفاعی شرط نیست. مفسران نیز در کتب تفسیری خویش، ذیل آیات جهاد، به چگونگی تشریح جهاد ابتدایی و اهداف آن پرداخته‌اند.

تبیین جهاد ابتدایی

بیشتر مستشرقین، اسلام را دین زور و شمشیر معرّفی نموده و حکم جهاد ابتدایی و جنگ‌های متعدد پیامبر صلی الله علیه و آله را دلیل بر ادعای خویش قلمداد کرده‌اند. برای روشن شدن بطلان این مدّعا باید هم مفهوم جهاد ابتدایی معلوم شود و هم در مورد جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله تحقیق و بررسی به عمل آید. در مورد دوم به گواهی تاریخ، همه جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله دفاعی بوده است و اصولاً پیامبر صلی الله علیه و آله در تمام دوران حکومت خود در مدینه فرصت و امکانات لازم برای جهاد ابتدایی را به دست نیاورد.

البته مفهوم جهاد ابتدایی این نیست که مسلمانان ابتدا به ساکن شمشیر در دست گرفته و با سپاه به اطراف حمله کرده و مردم را به

اسلام آوردن و یا جنگ مخیر کرده و در صورت استنکاف آنان از قبول اسلام با شمشیر گردن‌هایشان را بزنند. این روش کسانی است که حرف حساب و معقول نداشته برای قبولاندن حرف باطل خود چاره‌ای جز توسل به زور ندارند؛ اما اسلام تعالیمی را ارائه کرده که مطابق با فطرت، میل قلبی، باطنی و طبیعی بشر است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان آگاه وظیفه دارند این تعالیم را با بیانی کافی و روشن برای بشر

(۱) - ر. ک. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۱-۱۰ و ۴۹ و ۵۱ و ۸۱؛ شرح لمعه، ج ۱، ص ۲۵۷-۲۵۸، قطع رحلی؛ المغنی، ج ۱۰، ص ۳۶۷-۳۸۵؛ المبسوط، سرخسی، ج ۱۰، ص ۳۰.

جهاد در قرآن، ص: ۲۵

تبیین کنند و طبیعی است که انسان‌های سالم و سعادت طلب و حقیقو با شنیدن و دریافت این پیام زنده کننده، با آغوش باز آن را خواهند پذیرفت و بدان گردن خواهند نهاد؛ اما همیشه و در همه جوامع افرادی هستند که بندگی هوای نفس را پذیرفته و هم و غم آنان بهره‌گیری ظالمانه از انسان‌ها است و پیام راستین پیامبران خواب خوش آنان را آشفته می‌سازد. برخورد این ظالمان با دعوت پیامبران به دو گونه است:

اول آن که با جمع آوری همه توان خویش برای خاموش کردن دعوت انبیا و سرکوب دعوت کنندگان هجوم می‌آورند که در این صورت مقابله با آنان واجب و ضروری است.

دوم آن که در مقابل دعوت انبیاء، موانع ایجاد می‌کنند و با تهدید، ارعاب، شبهه پراکنی و تبلیغات انحرافی مانع ایمان آوردن و آزاد گذاشتن محرومان و مظلومان می‌گردند و در صورتی که گروهی از آن مستضعفان ایمان آورند آنان را با شکنجه و آزار به ترک دین حق و بازگشت به اعتقادات جاهلانه جامعه وادار کرده و یا نابودشان می‌سازند. در این صورت آیا بر مسلمانان لازم نیست در صورت داشتن قدرت لازم برای نجات این مستضعفان اقدام کنند و این ظالمان گمراه پیشه را نابود سازند؟ و مگر جهاد ابتدایی غیر از این است؟

انکار چنین وظیفه‌ای جز انکار انسانیت و انکار وظیفه انسانی نیست و این حکم الهی، حکمی فطری و از افتخارات اسلام است.

علامه طباطبایی (ره) در تبیین جهاد ابتدایی می‌نویسد:

فطرت حکم می‌کند به اینکه مبنای قوانین فردی و اجتماعی باید توحید باشد و دفاع از توحید و نشر و حفظ آن حق مشروع انسانی است و باید این حق را به هر وسیله ممکن به دست آورد. البته اسلام برای به دست آوردن این حق فطری طریق اعتدال را پیموده است. در ابتدا فقط وظیفه دعوت بود و صبر و تحمل آزارها و اذیت‌های دشمنان برای خدا؛ در مرحله بعد علاوه بر دعوت، دفاع از موجودیت اسلام و مسلمانان و اموال و حرمت آنان هم لازم شد و در مرحله آخر جنگ ابتدایی برای دفاع از حق انسانی و کلمه توحید واجب گردید. البته هیچ گاه و در هیچ مرحله‌ای اجازه جنگ داده نشده مگر بعد از آنکه با دعوت رسا و حکیمانه، حجت بر کفار

جهاد در قرآن، ص: ۲۶

تمام شده باشد. (۱)

کسانی که اصل جهاد ابتدایی را در اسلام پذیرفته‌اند، برای آن، دو مصداق ذکر کرده‌اند: جهاد ابتدایی آزادی‌بخش و جهاد برای برطرف ساختن موانع تبلیغ و دعوت به توحید؛ که در اینجا به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

۱- جهاد آزادی‌بخش: این جهاد در مواردی است که عده‌ای از انسان‌ها اعم از مسلمان یا غیر مسلمان، مظلوم واقع شده و قدرت دفاع از خویش را نداشته باشند. در چنین مواردی مسلمانان وظیفه دارند به دفاع از این گروه پردازند و اگر با داشتن توانایی ساکت

بنشینند، به ظالم کمک کرده و مرتکب گناه شده‌اند.

قرآن کریم با صراحت و جدیت از این جهاد، که در حقیقت همان دفاع از مظلوم است، طرفداری نموده و سستی کنندگان در این امر را سرزنش کرده است:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (۲)

چرا در راه خدا، و (برای احقاق حق) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر! و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یابری برای ما تعیین فرما!

هر چند شأن نزول این آیه در مورد مسلمانانی است که در مکه باقی مانده بودند و آزار و اذیت مشرکان را تحمل می‌کردند ولی می‌دانیم که شأن نزول، مخصّص آیه نیست و حکم آیه، کلی و همیشگی است.

سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قبل از بعثت و پس از آن، و سخنان امامان معصوم علیهم السلام در مورد حمایت از مظلومان به قدری فراوان و گویا است که ما را از بسط سخن بی‌نیاز

(۱) - المیزان، ج ۲، ص ۶۷-۶۸.

(۲) - نساء (۴)، آیه ۷۵.

جهاد در قرآن، ص: ۲۷

می‌کند؛ در این زمینه به نقل یک حدیث اکتفا می‌کنیم:

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (۱)

کسی که بشنود مردی (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) مسلمانان را به کمک می‌طلبد و به یاری‌اش نشتابد، مسلمان نیست.

شهید مطهری در مورد لزوم این قسم از جهاد چنین می‌نویسد:

ممکن است طرف با ما نخواهد بجنگد ولی مرتکب ظلم فاحش نسبت به یک عده افراد انسان‌ها شده است و ما قدرت داریم آن انسان‌های دیگر را که تحت تجاوز قرار گرفته‌اند، نجات دهیم؛ اگر نجات ندهیم در واقع به ظلم این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده‌ایم؛ یا در جایی که هستیم کسی به ما تجاوز نکرده ولی از مردم دیگر که ممکن است مسلمان باشند و ممکن است مسلمان نباشند... انواع ظلم‌ها نسبت به آنها مرتکب شده‌اند ولی فعلاً به ما کاری ندارند؛ آیا برای ما جایز است که به کمک این مظلومان مسلمان بشتابیم برای نجات دادن آنها؟ بله این هم جایز است بلکه واجب است. (۲)

۲- جهاد برای رفع موانع دعوت: قسم دوم از جهاد ابتدایی، جهاد برای برطرف نمودن موانع از سر راه تبلیغ و دعوت به سوی دین خداست. در این جا برای روشن شدن فلسفه این قسم و اینکه اساس این جهاد نیز بر دفاع از حق بنا شده، ابتدا به توضیح نکته‌ای می‌پردازیم.

حقوقی که در جامعه وجود دارد، بر سه قسم است:

الف- حقوق فردی: مانند حق مالکیت و حق انتخاب شغل.

ب- حقوق اجتماعی: که مربوط به گروهی از انسان‌هاست که با هم جامعه واحدی را

(۱) - الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

(۲) - جهاد، شهید مطهری، ص ۲۷.

جهاد در قرآن، ص: ۲۸

تشکیل داده و با هم زندگی می‌کنند؛ مانند حق دفاع از استقلال و تمامیت ارضی، زبان، فرهنگ، آداب و رسوم و ...

ج- حقوقی که مربوط به نوع انسانی است و مخصوص افراد یا گروه‌ها یا جامعه خاصی نمی‌شود؛ از این حقوق به حقوق انسانی یا بشر تعبیر می‌شود به عنوان مثال، آزادی انسان یکی از این حقوق است. این مطلب امروزه در جهان مورد قبول واقع شده و اگر در گوشه‌ای از جهان حق آزادی عده‌ای سلب شود، گروه‌ها و ملیت‌های فراوانی در نقاط دیگر دنیا از آن عده حمایت می‌کنند و برای دفاع از حقوق آنان اعتراض و اقدام می‌کنند. «۱» نیز هیچ کس افراد را به خاطر دفاع از آزادی دیگران محکوم نکرده و بلکه کسانی را که در راه آزادی دیگران تلاش می‌کنند، و گاهی خود را در این مسیر به مخاطره می‌اندازند، تحسین می‌نمایند.

رسیدن به رشد و کمال انسانی و دریافت حقایق الهی و برنامه‌های دینی، از جمله حقوق اساسی همه انسان‌هاست؛ یعنی همه انسان‌ها حق دارند که با کمال آزادی، به دعوت الهی گوش فرا داده و با تعقل و سنجش، آن را انتخاب کنند؛ حال اگر فرد یا گروهی مانع رسیدن ندای حق به دیگر انسان‌ها شوند، در حقیقت حق آنها را سلب کرده‌اند؛ به همین دلیل، مسلمانان مجازند برای برخورداری مردم تحت ستم از حقوق حقیقی‌شان، با ستمگرانی که مانع آن شده‌اند بجنگند، تا انسان‌ها از حق طبیعی «انتخاب دین» بهره‌مند شوند. «۲»

قرآن مجید از این جهاد با عنوان «رفع فتنه» یاد کرده، می‌فرماید:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» «۳»

چنین جهادی نیازمند به درخواست و تظلم ملت‌های زیر ستم ندارد، بلکه تشخیص

(۱) - باید توجه داشت که برخی از دول جهانی و سازمان‌های بین‌المللی نیز به دروغ و برای به دست آوردن مطامع خود از این آزادی‌ها در ظاهر حمایت می‌کنند که آن مورد نظر ما نیست.

(۲) - ر. ک. المیزان، ج ۲؛ بحث اجتماعی، ص ۶۹-۷۱؛ جهاد، مرتضی مطهری، ص ۳۹-۴۴.

(۳) - بقره (۲)، آیه ۱۹۳.

جهاد در قرآن، ص: ۲۹

آن بنا بر مشهور نظر فقها، با امام معصوم علیه السلام است.

شهید مطهری در این باره می‌گوید:

آیا مظلوم اگر تقاضای کمک کرد بر ما جایز یا واجب است کمک دادن یا حتی اگر تقاضای کمک هم نکند بر ما جایز بلکه واجب است؟ نه اینجا لزومی ندارد تقاضای کمک بکند، ولی همین قدر که در واقع آن مظلوم، مظلوم باشد که این ظلم سد و مانعی برای سعادت او به وجود آورده است و نمی‌گذارد از دعوتی که سعادت آن مردم در آن دعوت است آگاه شوند و اگر بشنوند و آگاه شوند خواهند پذیرفت، اسلام می‌گوید این مانعی را که به صورت دولت در مقابل توده مردم وجود دارد می‌توانید بزنید و بردارید.

سپس استاد شهید به جنگ‌های صدر اسلام اشاره کرده، می‌فرماید:

بسیاری از جنگ‌هایی که در صدر اسلام واقع شد، تحت همین عنوان بود. مسلمین که می‌آمدند بجنگند، می‌گفتند: ما با توده‌های مردم جنگی نداریم، با حکومت‌ها می‌جنگیم. برای این که توده‌ها را از ذلت و بردگی این حکومت‌ها نجات دهیم. رستم فرخ زاد از

آن عرب مسلمان پرسید که هدفشان چیست؟ او گفت: «لِنُخْرِجَ الْعِبَادَ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ» هدفمان این است که بندگان خدا را، این مردمی که شما به لطائف الحیل و به زور در زیر یوغ بار بردگی و بندگی خودتان کشیده‌اید، از بندگی و بردگی شما خارج کنیم و بیرون بیاوریم و آزادشان کنیم و بنده خدای متعال و بنده خالقشان بکنیم نه بنده بشری مثل خودشان. «۱»

امام خمینی (ره) نیز در مورد این قسم از جهاد می‌فرماید:

انبیاء که جنگ می‌کردند با مخالفین توحید، مقصدشان این نبود که جنگ بکنند و طرف را از بین ببرند. مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند، دین حق را در عالم منتشر کنند؛ آنها مانع بودند. اینها می‌دیدند که این مانع را باید برداشت و به

(۱) - جهاد، ص ۲۸-۲۹.

جهاد در قرآن، ص: ۳۰

مقصد رسید. رسول اکرم (ص) مقصدشان این نبوده که مشرکین مکه را از بین ببرند و یا مشرکین جزیره‌العرب را از بین ببرند؛ مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند و حکومت، حکومت قرآن باشد؛ حکومت اسلام باشد. آنها چون مانع بودند از اینکه حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند، منتهی به جنگ می‌شد و معارضة، آنها معارضة می‌کردند با حکومت اسلامی، اینها مقابله می‌کردند. «۱»

تشریح جهاد نظامی

اشاره

برای تبیین این نکته که جهاد نظامی در اسلام چگونه و از چه زمانی تشریح شد، مناسب است این بحث را در دو بخش، وضعیت مسلمانان در مکه و در مدینه مورد بررسی قرار دهیم.

وضعیت مسلمانان در مکه (دوران جهاد فرهنگی و تحمّل)

بنابر نقل معتبر اهل بیت علیهم السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیست و هفتم رجب سال چهارم بعد از عام الفیل به رسالت برانگیخته شد. «۲» از ابتدای بعثت، به مدت سه سال دعوت مخفی بود و فقط افرادی مورد دعوت قرار می‌گرفتند که قبل از آن شناسایی شده و زمینه لازم در آنها، به وجود آمده بود. در این مدت پیامبر آشکارا به دعوت توحید و نفی شرک اقدام نکرد؛ چون می‌دانست که درافتادن با دیانت رسمی جامعه، به طور طبیعی با عکس‌العمل سردمداران جامعه، که نفع خود را در این اعتقادات خرافی می‌بینند، مواجه خواهد شد و چه بسا آنان این حرکت دینی را در نطفه خفه کنند. در این سه سال پیامبر کوشش و تلاش فوق‌العاده‌ای به خرج داد و توانست بیش از چهل نفر را به توحید و یکتاپرستی جذب کند.

دیانت جدید پس از سه سال، اینک یک جمع چهل نفری مؤمن و مدافع دارد و زمینه برای بروز و ظهور دعوت تقریباً مناسب است. پیامبر موظف می‌شود در اولین گام به سوی آشکار و عمومی کردن دعوت، خویشاوندانش را به پذیرش اسلام و ترک بت‌پرستی

(۱) - صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۴-۴۵.

(۲) - الصحیح من سیره النبی (ص)، جعفر مرتضی عاملی، ج ۱، ص ۱۹۳.

جهاد در قرآن، ص: ۳۱

فرا بخواند و مدت کمی بعد از آن دستور، دعوت عمومی و آشکار صادر گردید:

«فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (۱)

بدانچه مأموری قیام کن و از مشرکان روگردان باش.

اصول دعوت پیامبر به توحید مانند پرستش خدای یگانه قادر عالم، نفی بت‌های ساخته دست بشر، برابری و برادری انسان‌ها و ... موجب گرویدن گروه بسیاری به خصوص از افراد محروم و بندگان و ضعیفان به اسلام شد و منافع بزرگان قوم به شدت در خطر افتاد. آنان که فرهنگ جاهلی و پوшالی خود را در مصاف با فرهنگ توحیدی پیامبر شکست خورده و ناتوان می‌دیدند، با تمام توان و با استفاده از راه‌های گوناگون به مبارزه برخاستند. مسلمانان در این دوران در تنگنای سختی قرار داشتند و گاه و بیگاه از پیامبر می‌خواستند به آنان اجازه دفاع داده شود، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را به جهاد فرهنگی و نیز تحمل آزارها و اذیت‌ها تشویق می‌فرمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله دو جبهه فرهنگی و نظامی را بررسی کرد؛ از طرفی می‌دید که فرهنگ جاهلی دشمن به هیچ وجه تاب مقاومت در برابر فرهنگ ناب توحید را ندارد و با اولین هجوم بنیان آن در هم می‌ریزد و دشمن در این جبهه شکست می‌خورد و از طرف دیگر می‌دید که جبهه نظامی دشمن قوی است و امکانات فراوان دارد و مسلمانان اندک، ناتوان و بدون امکانات هستند؛ با توجه به این شرایط حضرت در آن مقطع تنها راه را جهاد در جبهه فرهنگ و تحمل آزار و اذیتها می‌دید. لذا توانست با تحمل و مقاومت بسیاری از نقشه‌های دشمن را منجر به شکست بنماید؛ از آن پس، با زیاد شدن تعداد مسلمانان، برخوردهای قهرآمیز قریش نیز شدیدتر می‌شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمان تاکتیک هجرت را از دو جهت مناسب یافت: از جهتی مسلمانان می‌توانستند با هجرت، از آزارها و شکنجه‌های قریش رهایی یابند و آزادانه به دین خود عمل کنند و از طرف دیگر، پیام فرهنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خارج از مکه راه می‌یافت. بدین سان روش جدیدی برای مقابله با دشمن پیش کشیده شد و آثار بسیار ارزشمند و فراگیری به جای گذاشت. شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و

(۱) - حجر (۱۵)، آیه ۹۴.

جهاد در قرآن، ص: ۳۲

مؤمنان مقاومتی که در مکه بودند، از ایام حج، برای رساندن پیام فرهنگی خویش نهایت استفاده را می‌بردند و علی‌رغم اقدامات مشرکان در هراساندن حاجیان و منع شدید آنان از برقراری ارتباط با پیامبر، در این مراسم پیام توحید به گوش تعدادی از حاجیان می‌رسید و آنان خبر این پیام را با خود به شهر و سرزمینشان می‌بردند و کنجکاوی گروهی را برای جویا شدن از محتوای این پیام بر می‌انگیختند. بدین سان بذر توحید در خارج از مکه پاشیده می‌شد. سال یازدهم بعثت در مدینه - بزرگ‌ترین شهر حجاز بعد از مکه که در آن زمان یثرب خوانده می‌شد - خبر پیام جدید گوش به گوش می‌گشت و سؤال‌ها پیرامون این دین در ذهن نقش می‌بست. گروهی که در مراسم حج آن سال پیامبر را دیده و به ایشان ایمان آورده بودند، پیام وی را برای مردم نقل می‌کردند و پیام ناب توحید قلب‌های مستعد اهل مدینه را تسخیر می‌کرد. در مراسم حج سال دوازدهم، تعدادی از مسلمانان مدینه با پیامبر بیعت کردند و نماینده رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه آمد و زمینه‌های گسترش دعوت را مهیا ساخت. در سال سیزدهم جمع نسبتاً زیادی - ۷۵ نفر - «۱» با حضرت بیعت کردند که او را در مدینه بپذیرند و تحت فرمان او از دین اسلام دفاع نمایند و مدتی بعد از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت کرد «۲» و اولین حکومت اسلامی را در آن شهر بنیان نهاد.

مدینه قبل از بدر

با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، اوضاع در آن شهر تغییر کرد. مسلمانان دیگر اقلیت ضعیفی نبودند. تعدادی از مسلمانان مکه

به مدینه هجرت کرده و بیشتر افراد دو قبیله بزرگ اوس و خزرج نیز به اسلام گرویده بودند. تعداد کمی نیز که به دین یهود گرویده بودند و یهودیانی نیز که در مدینه بودند با پیامبر عهد و پیمان صلح و یاری بستند و رسول خدا صلی الله علیه و آله همه آنان را تحت رهبری سیاسی خویش یکپارچه و متحد کرد. «۳»

(۱) - تاریخ پیامبر اسلام، آیتی، ص ۱۷۳.

(۲) - همان، ص ۱۶۴-۱۶۷؛ الصحيح من سیره النبی، ج ۲، ص ۱۹۰-۲۱۰.

(۳) - الصحيح، ج ۳، ص ۶۹-۷۴.

جهاد در قرآن، ص: ۳۳

قریش نیز با توجه به تغییر شرایط، خطر را جدی‌تر احساس کردند و چاره‌ای جز مقابله شدیدتر با مسلمانان نداشتند. مهاجران که در مکه ظلم و ستم قریش را تحمل می‌کردند و حالا- خانه و کاشانه خود را رها کرده و به مدینه پناه آورده بودند، همچنان بر تقاضای خود اصرار داشتند و از پیامبر می‌خواستند تا در مقابل قریش که آنان را مجبور به ترک دیار، خانه و کاشانه خویش کرده بود و هنوز هم تعدادی از هم‌کیشان آنان را در بند و شکنجه داشت، به آنان اجازه دفاع بدهد. در چنین اوضاع و

احوالی آیات سوره حج درباره دفاع نازل شد «۱» و تقاضای مهاجران مسلمان را پاسخ گفت: «۲»

«اذنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِنَاهِمُ ظُلْمُوا وَ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِيْنَ اُخْرِجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اَلَا اَنْ يَقُوْلُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ...»

به کسانی که با آنان جنگ می‌شود، اجازه (پیکار) داده شد؛ زیرا مورد ستم قرار گرفتند و خداوند بر یاری آنان تواناست. آن مؤمنانی که از دیار خویش به ناحق رانده شدند؛ فقط به این جهت که می‌گویند: پروردگار ما خداست.

با صدور اذن دفاع، رسول خدا صلی الله علیه و آله دست به تحرکات نظامی زد و گروه‌هایی از مهاجران را به مأموریت‌های نظامی فرستاد که در بعضی از مأموریت‌ها شخص ایشان فرماندهی را عهده دار بود و در بعضی، افرادی دیگر از جانب ایشان فرماندهی را به عهده می‌گرفتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله با اعزام این گروه‌های نظامی اهدافی را دنبال می‌کرد از جمله:

(۱) - حج (۲۲)، آیه ۳۹-۴۰؛ بنابر روایات این اولین آیه‌ای است که در مورد دفاع نازل شده است و به بیان علامه طباطبایی سیاق آیه نیز بر این مطلب گواهی می‌دهد چون هم صریحاً "در آن لفظ «اذن» آمده است و هم زمینه چینی برای این حکم و تهییج و تقویت روحی مسلمانان برای جهاد در آن هست و قرائن دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد این اولین آیه‌ای است که در موضوع جهاد و دفاع نازل شده است. (ر. ک. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۸۳).

(۲) - البته حکم آیه عمومی است و درباره هر گروهی از مسلمانان که مورد هجوم و ظلم قرار گیرند، صادق است و اختصاص به مهاجران ندارد ولی خطاب آیه به مهاجران است و شاید اینکه در بعضی روایات آمده که این آیه در شأن مهاجران نازل شده، منظور همان مورد نزول باشد و پیامبر هم در ابتدا فقط از مهاجران در اعزام سربازها استفاده می‌کرد. (ر. ک. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۹۵؛ الصحيح، ج ۳، ص ۱۳۷-۱۴۰).

جهاد در قرآن، ص: ۳۴

۱- کسب اطلاعات از قریش که دشمن سرسخت مسلمانان بودند.

۲- ایجاد جرأت بیشتر در مسلمانان تا به نیروی خود اطمینان یابند و بتوانند در درگیری‌های نظامی آینده با ثبات و اطمینان از کیان اسلام دفاع کنند.

۳- مقابله با غارتگرانی که گاه و بیگاه به اطراف مدینه می‌تاختند و اموالی را به غارت می‌بردند.

۴- بستن قرار دادها و پیمان‌های نظامی با قبایل اطراف مدینه و ایجاد سد دفاعی در مقابل هجوم قریش.

۵- هشدار به قریش مبنی بر اینکه دوران تحمل مسلمانان به سر آمده و چنانچه قریش بخواهند روش ظالمانه خود را ادامه دهند، با مقابله نظامی مسلمانان مواجه خواهند شد.

۶- ایجاد فشار اقتصادی بر قریش با ناامن ساختن مسیر کاروان‌های تجاری آنان، تا شاید در برخورد با مسلمانان تجدید نظر کنند و «۱»

سرانجام در رمضان سال دوم هجری مسلمانان برای حمله به کاروان تجاری قریش که از شام برمی‌گشت، از مدینه خارج شدند ولی به جای کاروان با مبارزان قریش روبه‌رو شدند و بعد از مشاهده و اعلام همراهی از جانب انصار، اولین جنگ بین مسلمانان و قریش در گرفت و مسلمانان اعم از مهاجر و انصار برای دفاع از دین خویش در مقابل هجوم دشمن قرار گرفتند و با یاری خدا، و پیروزی نصیب آنان گردید. «۲»

فلسفه و اهداف جهاد

اشاره

از اولین و مهم‌ترین سؤالاتی که به ذهن هر شخصی نسبت به امر جهاد خطور می‌کند، این است که هدف از تشریح حکم جهاد چیست؟ آیا اسلام نیز در پی کشورگشایی و تصاحب سرزمین‌ها است؟ آیا هدف جمع آوری غنایم است؟ آیا اهداف مادی است که مسلمانان را به سوی جهاد جذب می‌کند؟ و

(۱)- الصحیح، ج ۳، ص ۱۵۶-۱۵۷.

(۲)- همان، ص ۱۷۴.

جهاد در قرآن، ص: ۳۵

در پاسخ باید گفت: هیچ یک از موارد یاد شده اهداف جهاد نبوده و جهاد اسلامی مانند جنگ‌ها و لشکرکشی‌های ستمگران تاریخ نیست؛ بلکه آنچه سبب تشریح این حکم شده، از عوامل زیر است:

۱- دفاع از کیان اسلام و مسلمانان

هر موجود زنده‌ای اعم از، انسان و غیر انسان، دفاع در مقابل دشمن را حق طبیعی خود می‌داند و خالق جهان نیز وسایل دفاع و برخورداری از این حق را در همه موجودات به ودیعه نهاده است. حق فطری دفاع، حقی است که حتی زورمداران و ظالمان نیز برای صحیح نمایاندن عملکرد باطل خود به ناحق به آن متوسل می‌شوند. پس در اصل استفاده از این حق، جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست و اسلام نیز چنین حقی را در چهارچوب «جهاد» تشریح کرده است.

در اولین آیه‌ای که پیرامون جهاد و دفاع نازل شد «۱»، تصریح گردیده که به مسلمانان چون مورد ظلم قرار گرفته‌اند، اجازه دفاع داده می‌شود. آنان تا به امروز برای بقای خویش چاره‌ای جز تحمل و چشم‌پوشی از حق فطری دفاع نداشتند ولی امروز می‌توانند از این حق فطری استفاده کرده و در دفع و رفع ستم دشمنان بکوشند.

۲- مقابله با ظلم و فساد

راه مبارزه با فساد همیشه، انذار، موعظه و نصیحت نیست؛ بعضی مواقع حتی از داروی تلخ کاری ساخته نیست و طیب ناگزیر است به چاقوی جراحی دست برده، ماده فساد را ریشه کن کند. در جامعه نیز بعضی مواقع باید مجاهدان سلاح برگیرند و ماده سرطانی فساد را از ریشه برکنند.

«وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (۲)

اگر خداوند بعضی از مردم (مفسدان) را بوسیله بعضی دیگر (مجاهدان) دفع

(۱) - منظور آیه ۳۹ سوره حج است که در بحث گذشته ذکر کردیم.

(۲) - بقره (۲)، آیه ۲۵۱.

جهاد در قرآن، ص: ۳۶

نمی‌کرد، زمین فاسد می‌شد.

۳ - حفظ پایگاه‌های خداپرستی و توحید

«وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (۱)

اگر خداوند بعضی مردم (مهاجمان مشرک) را به وسیله بعضی دیگر (مجاهدان مؤمن) دفع نمی‌کرد، حتماً "صومعه‌ها، کنیسه‌ها، کلیساها و مساجدی که در آن خدا بسیار یاد می‌شود، ویران می‌گردید.

۴ - دفاع از مظلومان و مستضعفان (مؤمن و غیرمؤمن)

«وَمَا لَكُمْ لِاتِّقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ ...» (۲)

شما را چه می‌شود که در راه خدا برای نجات مستضعفان (مؤمن) جهاد نمی‌کنید، زنان، مردان و کودکانی که همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (۳)

هر کس بشنود که کسی (چه مؤمن و چه غیرمؤمن) فریاد می‌زند: ای مسلمانان (یاریم کنید) و وی را اجابت نکند، مسلمان نیست.

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی در تشریح اهداف جهاد اسلامی می‌فرماید:

مسأله جنگ در اسلام یکی از مسائل اساسی و اصولی است. جنگ حکومت اسلامی، جنگی برای کشورگشایی نیست، بلکه حکومت اسلامی در دو مورد و برای

(۱) - حج (۲۲)، آیه ۴۰.

(۲) - نساء (۴)، آیه ۷۵.

(۳) - الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

جهاد در قرآن، ص: ۳۷

دو منظور می‌جنگد، اول برای دفاع از حیثیت اسلام و حاکمیت قرآن، یعنی وقتی که بر اثر مجاهدت‌های پیاپی عناصر سلحشور و مسلمان، حکومت اسلامی برپا شد، اگر دشمنان بخواهند بر علیه این حکومت قیام بکنند و این گلی را که با خون شهیدان آبیاری شده است پژمرده و پرپر کنند، دست توانای حکومت اسلامی از آستین بیرون می‌آید و دست گلچین غارتگر را قطع می‌کند

مورد دوم، برای این است که اسلام و حقایق قرآن مانند خورشیدی که نورش را به همه جا می‌گستراند و می‌تاباند، بر همه ملت‌های مستضعف، اضعاء و نورافشانی می‌کند اگر ابرهای ظلمت طواغیت و جهانخواران بخواهند از اشاعه نور اسلام مانع بشوند، آن وقت است که دست قدرتمند اسلام باز از آستین بیرون خواهد آمد و جلوی موانع را خواهد گرفت. در هر دو مورد، اسلام برای معنویت شمشیر می‌کشد، از اصالت و از حقیقت دفاع می‌کند. «۱»

مرحوم کاشف الغطا در تشریح اهداف اسلام در جنگ می‌نویسد: وسایلی که اسلام برای اصلاح جامعه، محقق ساختن عدالت و از بین بردن ستم به کاربرده، منحصر در سه نوع است:

وسایل دعوت و ارشاد نظیر موعظه حسنه و دعوت به دلیل و برهان، دوم، وسایل مقاومت مسالمت آمیز و سلبی همچون متحد شدن در برابر ستمکاران، قطع رابطه و قهر و همکاری نکردن با دشمنان، و وسیله سوم قیام مسلحانه و جنگ است، و اسلام تا آنجا که توانسته از دو راه نخست به اهداف خود برسد، به راه سوم متوسل نشده؛ اما جایی که دست به شمشیر زده، تنها مواردی بوده است که دشمنان با آیات و براهین قانع نشده و پیوسته سنگ بر سر راه دعوت به حق انداخته‌اند. ایشان در ادامه می‌افزاید:

بنابر این، اگر اسلام را به حال خود گذاشته بودند، هرگز فرمان جنگی را صادر نمی‌کرد و این همه جنگ‌هایی که در اسلام واقع شد، همه‌اش به اسلام تحمیل شد. «۲»

(۱) - در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۳۵۵-۳۵۶.

(۲) - ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۲۶۰-۲۶۱ به نقل از «المثل الاعلی فی الاسلام لا فی بحمدون»، کاشف الغطا.

جهاد در قرآن، ص: ۳۸

نکته دیگری که در مورد لزوم تشریح حکم جهاد، باید گفت، این است که به راستی اگر دینی در همه ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، تربیتی و عبادی برای پیروان خود برنامه ارائه کرده باشد، ولی در مورد مسائل مربوط به جهاد و دفاع از آن جامعه برنامه نداشته باشد، آیا آن دین ناقص نیست؟ آیا برنامه نداشتن در این زمینه سبب از هم پاشیدن تمام ارگان‌های یک جامعه که با دشمنان فراوانی رو به روست، نمی‌گردد؟ و آیا نداشتن برنامه در این مورد، سبب تعطیلی برنامه‌های دیگر نمی‌گردد؟ و

از اینجا سستی دلیل برخی از مدعیان مسیحیت که بر وجود قانون جهاد در اسلام ایراد می‌گیرند، روشن می‌شود. همچنین تبیین می‌گردد که جهاد، سبب عزت یافتن جامعه اسلامی در برابر دیگر جوامع است؛ زیرا جامعه‌ای که توان دفاع از خود و مظلومان و توان تبلیغ آیین خود را نداشته باشد، جامعه‌ای مرده و بی‌تحرك است.

جهاد و آزادی عقیده

برخی از دشمنان اسلام که دیدی مغرضانه نسبت به احکام اسلام دارند؛ اسلام را دین شمشیر می‌دانند که عقاید خود را با زور شمشیر بر مردم تحمیل کرده است و گذشته از باور غلط خود، این امر را در جوامع بشری تبلیغ می‌کنند و حکم جهاد ابتدایی را در این جهت قلمداد می‌کنند.

با دقت در فلسفه جهاد، پوچی این پندار مشخص می‌گردد، زیرا در آغاز یادآور شدیم که اسلام هیچ‌گاه برای تحمیل عقیده به جنگی دست نزده و در آیین خویش نیز به صراحت این امر را نفی کرده است.

خداوند در قرآن در این زمینه چنین می‌فرماید:

«لا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (۱)

پذیرش دین اجباری نیست؛ (زیرا) راه راست از گمراهی ممتاز شده است.
و نیز می‌فرماید:

(۱) - بقره (۲)، آیه ۲۵۶.

جهاد در قرآن، ص: ۳۹

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (۱)

بگو این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کافر گردد!

اسلام اساس دعوت خود را بر حکمت و برهان و موعظه قرار داده و مخالفانش را به آوردن برهان و دلیل دعوت نموده است و جهاد، تنها برای رفع موانع تبلیغ دین الهی است. در شأن نزول آیه نفی اکراه آمده است که دو نفر از اهالی مدینه بر اثر تماس با تجار مسیحی به دین آنان گرویدند.

پدرشان، ابوالحسن این موضوع را به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داد (و می‌خواست آنان را به زور به مذهب اسلام برگرداند) در این هنگام، آیه مزبور نازل گردید و وی را از چنین عملی منع کرد. «۲» در نقل دیگری نیز آمده است که یکی از انصار می‌خواست غلامش را به زور و اکراه مسلمان کند، که آیه فوق نازل شد. «۳»

استاد شهید مرتضی مطهری با تشریح این مطلب که ایمان به هیچ وجه زوربردار نیست و نمی‌شود با اکراه آن را تحمیل کرد؛ زیرا انسان با فکر و عقل باید آن را بپذیرد و سپس دلش به آن گرایش یابد، خاطر نشان می‌سازد که در اسلام ایمان به اصول اعتقادات باید از راه تحقیق حاصل شود و اسلام تقلید در این زمینه را جایز نمی‌داند، تا چه رسد به اکراه، ایشان سپس جنگ و جهاد را تنها برای رفع موانع توحید ذکر می‌کند و می‌نویسد:

اگر مصلحت انسانیت ایجاب کند و اگر مصلحت توحید ایجاب کند، ما با قومی مشرک می‌توانیم بجنگیم نه به خاطر اینکه توحید را به آنها تحمیل کنیم و ایمان را به آنها تحمیل کنیم، چون توحید و ایمان تحمیل شدنی نیست. با مشرکین می‌توانیم بجنگیم به خاطر اینکه ریشه فساد را اساساً بکنیم. ریشه کن کردن مبدأ عقیده شرک با زور یک مطلب است و تحمیل عقیده توحید، مطلب دیگر. «۴»

(۱) - کهف (۱۸)، آیه ۲۹.

(۲) - مجمع البیان، ج ۱ و ۲، ص ۳۶۳.

(۳) - همان.

(۴) - جهاد، ص ۴۹.

جهاد در قرآن، ص: ۴۰

البته گفتنی است که اگر سخن از آزادی عقیده مطرح است در جایی است که واقعاً عقیده‌ای در کار باشد و اصل توحید را که نخستین و اساسی‌ترین اصول ادیان است، پذیرفته باشند، مانند اهل کتاب که حتی در جنگ‌های اسلامی نیز هیچ‌گاه آنان را به زور به گرویدن به اسلام وادار نکردند. بلکه آنان را بین پذیرش اسلام و دادن جزیه مخیر نمودند؛ اما در جایی که سخن از عقیده‌ای نیست، بلکه خرافه محض حاکم است، همانند افکار مشرکان در این جا دیگر آزادی عقیده مطرح نیست و چنین افرادی یا باید به دین حق روی آورند و یا باید وجودشان را که مزاحم بسط حق و حقیقت است از میان برداشت.

پیشینه جهاد و قتال در حرکت انبیا

قتال و دفاع به مقتضای طبع و فطرت بشر، از همان ابتدای خلقت بوده و تا پایان خلقت ادامه خواهد داشت. از آنجا که بشر یک موجود مادی است در فطرت او قوای شهوی و غضبی تعییبه شده و به مقتضای نفس حیوانی خویش استعلا طلب است. تا زمانی که تربیت نشده باشد، برای رسیدن به هواهای خویش از هیچ اقدامی از جمله جنگ و خونریزی دست نخواهد کشید از این رو ملائکه وقتی خبر خلقت انسان را شنیدند، سؤال کردند:

«أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» (۱)

آیا در زمین موجودی را (خلیفه) قرار می‌دهی که در آن فساد و خونریزی کند؟

خداوند برای تربیت بشر، پیامبران را فرستاد. با توجه به تقدّم جهاد فرهنگی، پیامبران سعی داشتند با تبلیغ، تبیین، موعظه، بشارت و تهدید انسانها را هدایت کرده و تربیت نمایند و تا ممکن است دست به شمشیر نزنند. از طرف دیگر، قتال و جهاد نظامی احتیاج به شرایط و مقدماتی داشت که برای همه آنان فراهم نیامد. با توجه به این دو مطلب است که در سیره بعضی پیامبران اقدام نظامی مشاهده نمی‌شود؛ با این وجود، بسیاری از آنان با دشمنان قتال کرده و رزم نموده‌اند. خداوند می‌فرماید:

(۱) - بقره (۲)، آیه ۳۰.

جهاد در قرآن، ص: ۴۱

«وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثْيُونًا كَثِيرًا وَهَوَّنُوا لِمَا آصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (۱)

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی در رکابشان (با دشمنان) قتال کردند و آنچه در میدان جهاد برای خدا، بدانان رسید آنان را به ضعف نینداخت و سست نشدند و خداوند مقاومت کنندگان را دوست دارد.

بنابر روایات، اولین کسی که در راه خدا جنگ کرد، حضرت ابراهیم علیه السلام بود و پیامبران قبل از ایشان موفق به انجام این واجب الهی نشدند و شرایط لازم برای آنان مهیا نشد.

«أَنَّ أَوَّلَ مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِبْرَاهِيمُ الْخَلِيلُ حَيْثُ اسْرَتِ الرُّومُ لُوطًا فَفَنَرَ إِبْرَاهِيمُ وَاسْتَنْقَذَهُ مِنْ أَيْدِيهِمْ» (۲)

نخستین کسی که در راه خدا جنگید، حضرت ابراهیم خلیل (ع) بود. آنگاه که رومیان لوط (ع) را به اسارت گرفتند، او حرکت کرد و (با آنان جنگید) و لوط را از دستشان نجات داد.

موسی علیه السلام بعد از آنکه بنی اسرائیل را از ظلم و ستم فرعونیان نجات داد، آنان را به وارد شدن به سرزمین مقدّس فلسطین دعوت کرد. ولی قوم او که از ساکنان قدرتمند و ستمگر فلسطین وحشت داشتند، اظهار سستی کردند و حاضر به همراهی و مبارزه نشدند و خداوند هم به کیفر این سستی، چهل سال آنان را در بیابان‌های سینا آواره نمود «۳» بعد از وفات حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل به فرماندهی جانشین وی - یوشع بن نون علیه السلام - با ساکنان فلسطین جهاد کردند و بر آنان پیروز شدند.

بعد از حضرت موسی علیه السلام در عهد ارمیای پیامبر علیه السلام، بنی اسرائیل مورد ستم و ظلم قبطیان به سرکردگی جالوت قرار گرفتند و به فرماندهی طالوت برای مبارزه با قبطیان قیام کردند که در آن جنگ، فتح و پیروزی نصیب آنان گردید. جالوت به دست حضرت داود علیه السلام - که در آن زمان جوانی بود - به قتل رسید.

(۱) - آل عمران (۳)، آیه ۱۴۶.

(۲) - بحار، ج ۱۲، ص ۱۰.

(۳) - ر. ک. مائده (۵)، آیات، ۲۱ - ۲۶.

جهاد در قرآن، ص: ۴۲

داود علیه السلام اولین پیامبر بنی اسرائیل بود که آنان را متحد ساخت و برای اقامه قسط و عدل حکومت تشکیل داد. سلیمان پیامبر علیه السلام، فرزند و جانشین داود علیه السلام، قدرتمندترین پادشاه بنی اسرائیل بود و در زمان او قدرت و سلطنت بنی اسرائیل در اوج شکوه و اقتدار بود. این پیامبر عظیم‌الشأن نیروی نظامی کافی رزم‌دیده و آماده برای جهاد داشت و وقتی فهمید که ملکه سبا در یمن حکومت می‌کند و پیرو کیش شرک و آفتاب‌پرستی است، او را به اسلام دعوت کرد و تهدید نمود که در صورت تسلیم نشدن، با سپاهی عظیم بر آن جا خواهد تاخت و آنان را ذلیل و خوار خواهد کرد. «۱»

اهمیت و فضیلت جهاد اصغر

همان طور که قبلاً ذکر شد در قرآن کریم نسبت به امر جهاد آیات زیادی وارد شده است به طوری که در کمتر موردی از فروع اسلامی به اندازه جهاد آیه نازل شده است.

برخی از آیات به طور مستقیم و با به کار بردن واژه‌های جهاد و قتال و برخی دیگر به طور غیر مستقیم و به منظور تشریح مسائل جانبی آن نازل شده است.

قرآن مجید برای نشان دادن اهمیت جهاد، آن را با خدمتگزاری به حجاج و تعمیر مسجدالحرام مقایسه کرده و به این ترتیب به فضیلت جهاد تصریح نموده است. «۲»

تمام آیاتی که به برتری جهادگران راه خدا اشاره دارد، نیز حاکی از اهمیت و فضیلت جهاد است. خداوند خود را خریدار جان و مال مؤمنان می‌داند که جهاد می‌کنند «۳» و آنان را محبوبان خویش خوانده و ثواب «۴» و اجر بزرگی به آنان وعده داده است. «۵» همچنین مجاهدان را رستگاران عالم معرفی نموده و رحمت و رضوان و بهشت خود را

(۱) - ر. ک. نمل (۲۷)، آیات ۲۰ - ۴۴.

(۲) - توبه (۹)، آیات ۱۹ - ۲۰.

(۳) - همان، آیه ۱۱۱.

(۴) - صف (۶۱)، آیه ۲.

(۵) - نساء (۴)، آیه ۷۴.

جهاد در قرآن، ص: ۴۳

مخصوص آنها دانسته است. «۱»

درباره اهمیت جهاد همین بس که قرآن از راه‌های گوناگون به آن دعوت فرموده است، نظیر توجه دادن به پاداش جهاد، با بیانی ملایم و آرام، با تحریک عواطف انسانی، با زبان امر و دستور، با توییح و سرزنش و تهدید و بیان مجازات ترک آن. «۲» سوگند قرآن به نفس زدن اسب‌های مجاهدان، جرقه‌های سم ستوران و گرد و غبار برخاسته از حرکت سریع آنان، همگی نشان دهنده عظمت جهاد است. «۳»

درباره اهمیت و فضیلت جهاد روایات فراوانی نیز نقل شده است:

ابوذر غفاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: کدام یک از اعمال نزد خداوند محبوب‌تر است؟ آن حضرت فرمود: ایمان به خدا و جهاد در راه او، سپس ابوذر سؤال کرد، کدامین جهاد از همه جهادها بهتر است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جهاد

کسی که اسبش پی شده و خورش در راه خدا ریخته شود. «۴»

حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر چنین می‌فرماید:

«الْحَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ ...» «۵»

همه خوبی‌ها در شمشیر و زیر سایه شمشیر است.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله لشکری را برای نبرد گسیل داشت که ابن رواحه نیز در آن حضور داشت. سپاه بامدادان به سوی منطقه مورد نظر عزیمت کرد ولی ابن رواحه ماند که نماز را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جا آورد. پس از نماز، پیامبر او را دید و فرمود: مگر در سپاه نبود؟ عرض کرد: بلی؛ دوست داشتم در نماز جماعت با شما حاضر شوم و سپس به مجاهدان پیوندم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

(۱) - توبه (۹)، آیات ۲۰ - ۲۱.

(۲) - ر. ک، (به ترتیب)، نساء (۴)، آیه ۷۴؛ بقره (۲)، آیه ۲۱۶؛ توبه (۹)، آیه ۱۳؛ بقره (۲)، آیه ۲۴۴؛ توبه (۹)، آیه ۸.

(۳) - عادیات (۱۰۰)، آیه ۱ - ۴.

(۴) - بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱.

(۵) - همان، ص ۹.

جهاد در قرآن، ص: ۴۴

«وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ انْفَقْتُ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا ادْرَكَتْ فَضْلَ غَدْوَتِهِمْ» «۱»

سوگند به خدایی که جان محمد در دست اوست، اگر آنچه را در زمین است انفاق کنی، فضیلت حرکت بامدادی آنان را نخواهی یافت!

امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه‌ای که اواخر عمر خود ایراد نمود، فرمود:

«إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَاءِهِ وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَ جُنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ» «۲»

جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی خواص دوستان خود گشوده، چنان که جهاد، لباس تقوا و زره محکم الهی و سپر قوی اوست.

از امام باقر علیه السلام نیز درباره اهمیت جهاد این گونه نقل شده است:

اصل اسلام، نماز و فرع آن زکات و قلّه و اوج عظمت آن، جهاد است. «۳»

علاوه بر آیات و روایاتی که بر اهمیت جهاد دلالت دارند، دقت در جایگاه جهاد اسلامی نسبت به سایر واجبات دینی، ما را به اهمیت و عظمت آن آگاه می‌سازد.

جهاد دفاعی سبب تأمین امنیت است که در سایه آن اقامه سایر واجبات و حدود الهی امکان پذیر می‌گردد.

رفع مانع از تبلیغ دین الهی، در جهاد ابتدایی، سبب گرایش عده‌ای از جامعه بشری به دین حق می‌شود. در سایه این گرایش و افزونی مسلمانان، امکان برقراری حکومت عدل الهی و اقامه احکام اسلامی در سطح گسترده ممکن می‌گردد. خلاصه اینکه در بسیاری از موارد، تبلیغ اصول دین و عمل به فروع دین، مدیون انجام این فریضه بزرگ الهی است که خود نشان دهنده عظمت آن نیز می‌باشد.

(۱) - سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۰.

(۲) - نهج البلاغه، خطبه ۲۷، صبحی صالح.

(۳) - بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۹۲.

جهاد در قرآن، ص: ۴۵

فصل دوم دشمن شناسی

اشاره

انسان دارای دشمن‌های مختلفی است. در وجود خود انسان، بعضی از قوای او دشمن انسانیت او هستند، و از آن جهت که اشرف مخلوقات است، مورد بغض و حسد بعضی دیگر از موجودات می‌باشد. نیز از آن جهت که مسلمان است مورد کینه و عداوت بعضی انسان‌های غیر مسلمان است که هم علیه شخص او هستند و هم علیه فکر، عقیده و مملکت او. شناخت این دشمنان، اولین لازمه مبارزه با آنان است.

دشمن درونی

الف - نفس اماره:

در وجود انسان دو دسته از قوای رحمانی و نفسانی تعبیه شده است «۱» و این دو قوا در درون و ضمیر انسان با هم جنگ دارند تا اینکه کدام غالب گردد و مملکت وجود را تحت سیطره خود بگیرد.

ب - شیطان (ابلیس):

خداوند عالم برای اجرای سنت امتحان به موجود شریر و گمراه کننده‌ای به نام ابلیس یا شیطان اجازه داده تا به درون و ضمیر انسان‌ها نفوذ کرده و آنها را وسوسه نماید و بدی‌ها را برایشان زیبا جلوه داده به ارتکاب زشتی‌ها دعوت کند تا معلوم شود که چه افرادی به اوامر و دستورات الهی پایبند مانده و با شیطان و نفس مبارزه می‌کنند و چه کسانی خداوند و دستورات او را به کناری نهاده، تسلیم شیطان و نفس می‌گردند تا در این میدان مبارزه، انسان‌های مؤمن تربیت شوند و رشد و تعالی بیابند و به مقام قرب الهی نائل شوند.

(۱) - به تعبیر روایات، لشکریان عقل و جهل، ر. ک: بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۱۰.

جهاد در قرآن، ص: ۴۶

شیطان و نفس دو دشمن خطرناک درونی‌اند که با فرماندهی شیطان و فرمانبری نفس و یاری قوای نفسانی علیه عقل و قوای رحمانی شورش کرده و در صورت توان مملکت وجود انسان را مسخر می‌نمایند و حیوانیت انسان را تشدید می‌کنند و او را به حدی از پستی و ذالت می‌رسانند که هیچ حیوانی نرسیده است. از آنجا این دو دشمن، «دشمن‌ترین دشمنان» نام گرفته‌اند که خانگی بوده، از راه‌های نادیدنی حمله می‌نمایند، شب و روز و وقت و بی وقت را نمی‌شناسند و راه‌های نفوذ و تسلط را به خوبی واقفند، جهاد و مبارزه با آن دو نیز «جهاد اکبر» خوانده شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اغدی عَدُوکَ نَفْسِکَ الَّتِی بَیْنَ جَنَّتِکَ» «۱»

دشمن‌ترین دشمن تو، نفس تو است که تمام وجودت را فرا گرفته است.

امام علی علیه السلام فرمود:

«لَا عَدُوَّ يُحَارِبُهُ اَعْدَى مِنْ اَبْلِيسَ» (۲)

انسان با دشمنی کینه‌توزتر از شیطان نمی‌جنگد.

مبارزه با نفس و شیطان مبارزه‌ای مستمر و دائمی است و تا آخرین لحظه عمر دوام دارد؛ در حالی که مبارزه‌های دیگر مقطعی است و با شکست یا تسلیم کامل دشمن پایان می‌پذیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به مجاهدانی که از میدان جهاد اصغر باز می‌گشتند، فرمود:

آفرین بر قومی که جهاد اصغر را تمام کردند ولی جهاد اکبر همچنان بر عهده آنان باقی است. (۳)

آنان از همان زمان که خود را شناختند، به میدان مبارزه با نفس و شیطان قدم گذاردند و رفتن آنان به میدان جهاد فی سبیل الله و استقامت آنان علامت پیروزی مقطعی آنان در جهاد اکبر بود. با شکست دشمن بیرونی، جهاد اصغر تمام شد ولی دشمن درونی

(۱) - میزان الحکمه، ج ۶، ص ۹۵.

(۲) - مستدرک الوسایل، ج ۵، ص ۳۴۰.

(۳) - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲۲.

جهاد در قرآن، ص: ۴۷

همچنان زخم دیده و شکست خورده در انتظار است و کمین گرفته تا لحظه‌ای مجاهد پیروز جبهه جهاد اصغر و اکبر غافل شود و بر او هجوم برد و همه افتخارات گذشته‌اش را نابود سازد و او را به اسارت بگیرد. بنابراین، باید در همه لحظه‌های زندگی هوشیار بود و از مبارزه با دشمن درونی غافل نشد و پیروزی‌های مقطعی را غایت ندانست و این جهاد مقدس را تا رسیدن به شهادت و یا پایان عمر ادامه داد.

دشمن بیرونی

اشاره

دشمنان بیرونی انسان‌هایی هستند که با موجودیت، اعتقاد یا روش ما مخالف بوده و برای نابود ساختن موجودیت ما و یا ایجاد انحراف در اعتقاد و روش ما سعی و تلاش می‌کنند. دشمن بیرونی را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف - دشمن داخلی:

منظور از دشمن داخلی افرادی هستند که عضو جامعه بوده و از درون جامعه به صورت آشکار یا پنهان برای براندازی و ضربه زدن به کیان جامعه اسلامی یا ایجاد انحراف در نظام سیاسی یا فرهنگ اعتقادی و اخلاقی مسلمانان تلاش و کوشش می‌کنند که عبارتند از:

۱- منافقان: آنان که خود را در صف اهل ایمان جازده ولی در باطن کافر بوده و بغض و کینه مسلمانان را در دل دارند، اینان همدست دشمن بوده و از پشت خنجر می‌زنند.

قرآن اینان را از دشمنان سر سخت شمرده و دستور مراقبت و سختگیری نسبت به این گونه افراد را صادر فرموده است. در سوره منافقون بعد از معرفی آنها می‌فرماید:

«هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ» (۱)

خدا بکشد آنان را، دشمن هستند، پس از آنان بر حذر باش!
و در سوره توبه می‌فرماید:

(۱) - منافقون (۶۳)، آیه ۴.

جهاد در قرآن، ص: ۴۸

«جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»

با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر!

علامه طباطبایی ذیل آیه مزبور می‌فرماید:

جهاد با منافقان به معنای قتال نیست، بلکه به معنای نثار نهایت کوشش و توان در مقابله با آنان از راههای مناسب است؛ بدین معنا که در صورت مصلحت از آنان کناره‌گیری، معاشرت و هم‌نشینی با آنان را ترک کند و یا آنان را نصیحت کند، یا اخراج و تبعیدشان کند و یا به برخوردهای دیگری که مصلحت اقتضا دارد، رو آورد. (۱)

منافقان همیشه بیشترین ضربه‌ها را به مسلمانان زده با توطئه‌های گوناگون خویش آب به آسیاب دشمن خارجی ریخته‌اند. مؤمنان باید منافق شناس بوده و حیل‌های آنان را شناخته با اقدام‌های متناسب و به موقع رشته‌های آنان را پنبه کنند و امیدشان را به یأس مبدل ساخته تا دست از نفاق برداشته ایمان آورند و یا به طور علنی در صف مخالفان و کافران جای بگیرند.

۲- شورشیان: کسانی که در جامعه اسلامی، علیه امام و حاکم عادل به توطئه چینی پردازند و یا اقدام مسلحانه کنند. در فقه اسلامی چنین کسانی را «باغی» می‌خوانند. (۲) البته تا زمانی که آنها اقدام مسلحانه نکرده‌اند، باید با استدلال و کلام متین و قوی به مبارزه با آنان شتافت و هرگاه دست به اسلحه بردند، باید علیه آنان جنگید و آنان را سرکوب کرد.

خوارج گروه شورشی علیه امام عادل بودند که در صفین از امام علی علیه السلام جدا شدند و به صف مخالفان امام پیوستند. تا زمانی که این گروه شورشی دست به اسلحه نبرده بودند، امام علیه السلام با آنان مدارا کرد و وقتی متوسل به سلاح شدند، امام علیه السلام نیز آنان را سرکوب کرد.

۳- مجرمان و مفسدان: کسانی که در جامعه اسلامی پرده‌داری کرده و به طور علنی

(۱) - المیزان، ج ۹، ص ۳۳۹.

(۲) - جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۲۲.

جهاد در قرآن، ص: ۴۹

به گناه دست می‌آیند و با عمل و کلام دیگران را به انحراف می‌کشانند و امنیت، عرض، مال و ناموس مسلمانان را تهدید می‌کنند، چنین کسانی دشمن بوده و باید آنان را با امر به معروف و نهی از منکر متنبه کرد و در صورت متنبه نشدن، حکومت اسلامی باید آنها را مجازات و تأدیب کند.

در سوره احزاب می‌فرماید:

«لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (۱)

اگر منافقان، افراد سست ایمان و شایعه پراکنان مدینه دست از کارهای زشت خویش برندارند، تو را علیه آنان می‌شورانیم در آن صورت جز مدتی کم در مجاورت تو نمانند.

و در سوره مائده می‌فرماید:

«أَمَّا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا...» (۲)

همانا جزای کسانی که با خدا و رسول ستیز می‌کنند و سعی در ایجاد فساد در زمین دارند این است که کشته شوند یا به دار آویخته گردند.

در روایات و تفاسیر از این محاربان و مفسدان به راهزنان و از بین برندگان امنیت عمومی تفسیر شده است. (۳)

«الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» به شهوترانان، چشم‌چرانها، تعرض کنندگان به نوامیس مسلمانان و فاسقان فاجر و «مُرْجِفُونَ» به شایعه پراکنان و ایجاد کنندگان جو ناامنی و رُعب تفسیر شده است. (۴)

(۱) - احزاب (۳۳)، آیه ۶۰.

(۲) - مائده (۵)، آیه ۳۳.

(۳) - المیزان، ج ۵، ص ۳۲۷ و ۳۳۱.

(۴) - تفسیر کنزالدقائق، ج ۱۰، ص ۴۴۴.

جهاد در قرآن، ص: ۵۰

جهاد در قرآن ۹۹

از جمله کسانی که در قرآن و روایات، دشمن خدا و مسلمانان شمرده شده‌اند افراد زیر می‌باشند:

۱- کسانی که با دشمنان اسلام دوستی صمیمی دارند؛ در ادامه بحث خواهد آمد که یهود و نصارا به خاطر حسادت، تکبر و تعصب به دشمنی با مسلمانان برخاسته‌اند و جبهه دشمنان خارجی را تشکیل داده‌اند. هر کسی از مسلمانان که با این دشمنان دوست باشد، از آنها شده و دشمن بقیه مسلمانان به شمار می‌رود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ» (۱)

ای مؤمنان از یهود و نصاری ولی، سرپرست و دوست صمیمی نگیرید، آنها اولیای یکدیگرند و هر کس ولایت آنها را بپذیرد، از آنهاست.

امام علی علیه السلام فرمود:

دشمنان تو سه نفرند: آن کس که دشمن توست، آن که دوست دشمن توست و آن که دشمن دوست توست. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:

دوست دشمن خدا، دشمن خداست. (۳)

۲- کسانی که از روش و فرهنگ دشمن پیروی می‌کنند و مبلغ فرهنگ آنها می‌باشند؛ امام علی علیه السلام فرمود: خداوند به یکی از پیامبرانش وحی کرد که به قومت بگو:

«لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ اَعْدَائِي وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ اَعْدَائِي وَلَا يَتَشَكَّلُوا مَشَاكِلَ اَعْدَائِي فَيَكُونُوا اَعْدَائِي كَمَا هُمْ اَعْدَائِي» (۴)

(۱) - مائده (۵)، آیه ۵۱.

(۲) - نهج البلاغه، حکمت ۲۹۵.

(۳) - مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۶.

(۴) - همان، ج ۱۱، ص ۱۱۹.

جهاد در قرآن، ص: ۵۱

در لباس، طعام، شکل و شیوه، مقلد دشمنان من نباشند، مثل آنان نخورند و نپوشند و زندگی نکنند که در آن صورت شما هم مانند آنان دشمن من می‌باشید.

۳- فاسقان فاجر: امام رضا علیه السلام در این باره فرمود:

«خُصَمَاءُ اللَّهِ وَاعْدَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ شُرَابُ الْخَمْرِ وَالزُّنَاءُ» (۱)

دشمنان خدا در زمینش، شرابخواران و زناکارانند.

در روایات نیز ظالم و دزد که امنیت جانی و مالی مسلمانان را از بین می‌برند، تجاوزگر و دشمن خدا معرفی شده‌اند. (۲)

با دقت در روایات مزبور روشن می‌شود افرادی که امنیت جامعه را برهم زده اشاعه فحشاء می‌نمایند، دشمن خدا و مسلمانان بوده و باید در صورت متنبه نشدن، ریشه کن شوند.

ب- دشمن خارجی:

از آنجا که جامعه اسلامی در پی تحقق بخشیدن به حاکمیت توحید و ارزش‌های اسلامی انسانی است، به طور طبیعی مورد بغض و کینه دشمنان انسانیت، توحید و ارزش‌ها قرار می‌گیرد که آنان عبارتند از:

۱- مشرکان: کسانی که حاکمیت جهل را پذیرفته و با تراشیدن خدایان دروغین در کنار حق تعالی، انسان‌ها را به وادی شرک، حیرانی، ضلالت و حیوانیت سوق می‌دهند، آنان از سرسخت‌ترین دشمنان مسلمانان می‌باشند. آنها منافع دنیایی خویش را در جهل و خرافه پرستی انسان‌ها می‌بینند و برای حفظ این منافع، تیغ دشمنی علیه هدایت یافتگان هدایتگر برکشیده‌اند.

فطرت انسان بر توحید و خداشناسی استوار است و شرک یعنی هلاک انسانیت و مرگ فطرت؛ پس شرک و مظاهر آن دشمن انسانیت بوده و مشرک یعنی کسی که

(۱)- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۵.

(۲)- همان، ج ۶، ص ۵۳۱ و ج ۱۶، ص ۲۰۰-۲۰۱.

جهاد در قرآن، ص: ۵۲

انسانیت خود را کشته و در صدد از بین بردن انسانیت دیگران است؛ بنابراین مشرکان از بدترین دشمنان موحدان می‌باشند. البته لازم است توجه شود که بسیاری از مشرکان به گمراهی خود توجه نداشته و با هشدار و تذکر متنبه شده به جبهه ایمان و توحید می‌آیند ولی سردمداران شرک، آگاهانه از مسیر انسانیت خارج شده‌اند و این گونه افراد دشمن انسانیت می‌باشند. آنان علاوه بر آن که خود حق را نمی‌پذیرند، با دسیسه، شبهه پراکنی، توطئه و هجوم نظامی مانع گسترش توحید هم می‌گردند و حکم قتال در مورد این گونه مشرکان است. بنابراین بر مسلمانان لازم است که با تبیین توحید و تبلیغ صحیح، مشرکان را هدایت کنند و با آن گروه از مشرکان که حق را نپذیرفته یا برای جلوگیری از رسیدن حیات توحیدی به دیگران تلاش می‌کنند، به مبارزه برخیزند و تا ریشه کن کردن شرک و چندگانه پرستی به این مبارزه الهی ادامه دهند.

۲- اهل کتاب: یهود، نصارا و دیگر پیروان ادیان آسمانی که خود را موحد می‌دانند ولی تحریف، جعل و خرافه در دیانت آنان نفوذ کرده و گمراهشان ساخته است. آنان نیز در اثر جهل، تعصب، دنیاگرایی و عوامل دیگر در مقابل مسلمانان موضع گرفته و نه تنها خود اسلام را نمی‌پذیرند که حتی نمی‌گذارند سخن حق مسلمانان به گوش جهانیان هم برسد و برای ریشه کن کردن مسلمانان و حکومت‌های اسلامی به هر توطئه‌ای دست می‌یازند.

در بین اهل کتاب یهودیان گوی سبقت در دشمنی با مسلمانانِ موحد را از دیگران ربوده‌اند و از این نظر در ردیف مشرکان معاند، بلکه جلوتر از آنهایند. قرآن می‌فرماید:

«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (۱)

هر آینه شدیدترین مردم در دشمنی با مؤمنان، یهود و مشرکان هستند.

یهود دارای ویژگی‌ها و پندارهایی است که شناختن آنها سبب آشکار شدن راز

(۱) - مائده (۵)، آیه ۸۲. ممکن است اینکه اول یهود ذکر شده و سپس مشرکان، دلالت و اشاره بر این داشته باشد که یهود از مشرکان هم در دشمنی شدیدترند.

جهاد در قرآن، ص: ۵۳

دشمنی و عداوت شدیدشان با مسلمانان موحد می‌گردد. اجمالی از این ویژگی‌ها و روحیات به شرح زیر است:

الف- تأکید بر خدای محسوس و دیدنی: اصولاً عامه یهودیان به خدای نامحسوس و نادیدنی ایمان نیاوردند و با وجود همه آیات و معجزات بی‌شماری که از موسای پیامبر علیه السلام مشاهده کردند، به پروردگارش ایمان نیاوردند. هنگامی که بعد از سال‌ها اسارت با اعجاز موسی علیه السلام از دریا گذشتند و غرق شدن فرعونیان را با چشم خود دیدند، به قومی برخوردند که خدایان و بت‌های مادی را سجده می‌کردند. با دیدن خدایان آنها، وقیحانه از موسی علیه السلام خواستند: «... اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمُ آلِهَةٌ...»؛ (۱) برای ما نیز مانند آنان خدایی محسوس قرار بده.

وقتی حضرت موسی علیه السلام به میعاد رفت و به امر خدا ده روز بیشتر توقف کرد، آنان گوساله طلایی سامری را به خدایی پذیرفتند، زیرا دلشان از محبت بت پرستی و گوساله پرستی سیراب شده بود. (۲) وقتی هم به میقات رفتند به صراحت گفتند:

«لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً» (۳)

(ای موسی) ما به تو ایمان نمی‌آوریم تا زمانی که خدا را آشکارا ببینیم.

همه این فرازها نشان از علاقه وصف ناشدنی آنان به خدای محسوس دارد. عشق و محبت به خدایی دیدنی مثل گوساله طلایی که تالاولی طلای آن چشم را خیره کند، دل آنها را سیراب کرده و واله و شیدا ساخته بود و هیچ‌گاه حاضر نبودند به خدایی غیر مادی و محیط بر جهان ماده و نادیدنی ایمان بیاورند.

ب- دنیا طلبی و دنیا خواهی زاید الوصف: یهود حرص و ولع بسیاری نسبت به دنیا و مطامع دنیایی دارد:

(۱) - اعراف (۷)، آیه ۱۳۸.

(۲) - بقره (۲)، آیه ۹۳.

(۳) - همان، آیه ۵۵.

جهاد در قرآن، ص: ۵۴

«وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوِهِ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ» (۱)

و آنها را حریص‌ترین مردم و حتی حریص‌تر از مشرکان بر دنیا خواهی یافت. هر یک از آنها دوست دارد که هزار سال عمر کند. همین علاقه بسیار، آنها را نسبت به جمع‌آوری مال، حریص و نسبت به بخشش آن، بخیل کرده و به حرام خواری و رباخواری کشانده است قرآن کریم در مورد این خصلت زشت یهود چنین می‌فرماید:

«فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أَحَلَّتْ لَهُمْ وَآخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْنُهُوا عَنْهُ وَأَكَلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» (۲)

به خاطر ظلم یهودیان و ربا خواری آنان با اینکه از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم به باطل، طیبانی که برای آنان حلال بود، بر آنان حرام کردیم.

همین دنیا طلبی، شهوت پرستی، مال دوستی، حرام خواری، بخل و خست آنان را به دشمنی با پیامبران و تکذیب و کشتن آنان وادار نمود؛ زیرا پیامبران الهی آنان را از این اعمال زشت باز می‌داشتند و مانع هواپرستی آنان می‌شدند:

«أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ» (۳)

هر گاه پیامبری با دستوراتی مخالف هوای نفس شما آمد، استکبار ورزیدید و گروهی را تکذیب کردید و گروهی را کشتید.

ج- جعل، تحریف و کتمان: یهودیان برای رسیدن به اهداف پلید و توجیه اقدامات ناصحیح خود در طول تاریخ به جعل، تحریف و کتمان متوسل شده‌اند، قرآن به

(۱) - بقره (۲)، آیه ۹۶.

(۲) - نساء (۴)، آیات ۱۶۰ - ۱۶۱.

(۳) - بقره (۲)، آیه ۸۷.

جهاد در قرآن، ص: ۵۵

مسلمانان آگاهی می‌دهد که به ایمان آوردن یهودیان امیدوار نباشید؛ زیرا اینان کتاب و کلام خدا را بعد از فهمیدن آن، تحریف می‌کنند. تورات را ورق ورق کرده و قسمت‌هایی از آن را که به نفعشان است یا برایشان ضرری ندارد آشکار می‌کنند و بقیه را پنهان می‌سازند. حقایق، پیشگویی‌ها و بشارت‌های تورات و پیامبران را کتمان می‌کنند و عامه یهود نیز با اینکه می‌دانند عالمانشان اهل فساد، خلاف، جعل و تحریف‌اند از آنان پیروی می‌کنند. (۱)

د- پندارهای باطل: درست است که در برهه‌ای از زمان، یهود به خاطر این که به موسی ایمان آوردند و در دوران اسارت فرعونیان بر تعالیم اجدادشان ابراهیم، اسحاق و یعقوب علیهم السلام استقامت ورزیدند، مورد عنایت خدا قرار گرفتند و خداوند آنان را به عنوان قوم برگزیده انتخاب کرد و وارث زمین ساخت و ...؛ ولی آنها به ملاک این عنایت خداوندی توجه نکردند و آن را تفسیر قومی و نژادی کردند و خود را به طور مطلق و در هر صورت قوم برتر پنداشتند و هنوز نیز این پندار باطل را در سر می‌پروراندند و نژاد یهود را نمونه انسان و انسان‌های نمونه دانسته و بقیه نژادها را پست‌تر از حدّ انسانیت می‌دانند و معتقدند که آنان برای خدمت به نژاد یهود آفریده شده‌اند و یهود در مقابل ظلم و ستم بر آنان به هیچ وجه بدهکار نمی‌گردد و مؤاخذه نمی‌شود. (۲)

ه- دشمنی با مبلغان توحید و عدالت و فضیلت: ویژگی‌هایی که بر شمردیم از یهود، قومی لجوج، طغیانگر، دنیا طلب و خشن ساخته است که در طول تاریخ، با پیامبران، مصلحان و موحدان در افتاده‌اند؛ زیرا آنان را سدی در برابر هوا و هوس خود دیده‌اند و این دشمنی و عداوت با وارثان پیامبران ادامه یافته است. از پیامبر در این باره نقل شده است که فرمود:

«هیچ فرد یهودی با مسلمانی خلوت نکرد، مگر اینکه تصمیم به قتل آن

(۱) - بقره (۲)، آیه ۷۵؛ انعام (۶)، آیه ۹۱؛ آل عمران (۳)، آیه ۷۱.

(۲) - ر. ک. آل عمران (۳): آیه ۷۵؛ مائده (۵)، آیه ۱۸؛ بقره (۲)، آیه ۸۰ و ۱۱۱؛ ردّ علی التوراه، ندره الیازجی، ص ۲۲؛ روح

المعانی، ج ۷، ص ۲.

جهاد در قرآن، ص: ۵۶

مسلمان گرفت. (۱)

دشمنی یهود با مسلمانان از صدر اسلام تا کنون باشدتی رو به تزاید ادامه یافته و کم بوده‌اند یهودیانی که در این مدت طولانی از عداوت و تعصب دست برداشته باشند و اسلام را پذیرفته باشند و امروزه نیز صهیونیستها و یهودیان نژادپرست و افراطی بزرگ‌ترین دشمن مسلمانان به شمار می‌روند.

نصارا و دیگر گروه‌های اهل کتاب نیز گرچه در دشمنی با مسلمانان به پایه یهود نمی‌رسند، ولی آنها نیز به خاطر پندارهای غلط، حسادت و دیگر عوامل، علم دشمنی با مسلمانان را برافراشته در طول تاریخ اسلام بارها و بارها با مسلمانان در افتاده‌اند. بر مسلمانان لازم است که در مرحله اول با تبلیغ و تبیین صحیح دین خود و تشریح مواضع جعل و خرافه در آن مذاهب، آنان را هدایت کرده و به جبهه ایمان رهنمون شوند و در صورتی که عناد و سرکشی آنان را به انکار، معاندت، توطئه و هجوم واداشت علیه آنان به مبارزه برخیزند و تا تسلیم شدن یا ایمان آوردن آنها به این مبارزه ادامه دهند.

۳- دشمنان دیگر جوامع اسلامی: در صدر اسلام فقط یک حکومت اسلامی وجود داشت و همه مسلمانان تحت لوای آن حکومت بودند و دشمنان در جبهه مخالف این حکومت قرار داشتند؛ ولی در قرنهای بعد به دلایل مختلف حکومت اسلامی از قالب وحدت بیرون شد و متعدد گشت و امروز کشورهای مختلفی وجود دارند که غالب مردم آنها مسلمان بوده و حکومت‌های این کشورها نیز داعیه اسلامی بودن دارند- گرچه میزان صداقت این ادعاها مورد بحث است- همچنان که اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی نیز وجود دارد. از آن جا که مسلمانان در حکم پیکر واحد می‌باشند و همگی برادرند، «۲» اگر گروهی از مسلمانان- چه یک کشور اسلامی و چه یک اقلیت مسلمان- مورد ظلم و ستم مشرکان و کافران قرار گرفت، بر دیگر مسلمانان واجب است در حد

(۱)- اطیب البیان، طیب، ج ۴، ص ۳۴۸.

(۲)- اَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اٰخُوَةٌ. (حجرات، آیه ۱۰)

جهاد در قرآن، ص: ۵۷

توان به کمک برادران مسلمان خود شتافته و آنان را یاری دهند همچنان که از امام علی علیه السلام نقل شد، دشمن دوست انسان، دشمن انسان است و مسلمانان برادران دینی، هستند و دشمن آنها دشمن ما هم هست. در حقیقت آنچه کینه و عداوت دشمنان را علیه مسلمانان برانگیخته، داعیه اسلام خواهی، حق طلبی و عدالت گستری مسلمانان است و اگر فعلاً با ما اعلام دشمنی نکردند و با گروه دیگری از مسلمانان سر عداوت دارند، از این جهت است که توان بیشتری ندارند. آنها با از میان برداشتن آن اقلیت مسلمان یا آن کشور مسلمان، به سراغ دیگری می‌روند و همین طور سرستیز را دنبال می‌کنند تا نوبت به ما برسد؛ پس نباید گمان کنیم که دشمنی آنان با گروه دیگری است و با ما عداوت ندارند لذا ما هم با آنها دشمنی نداشته باشیم! آنها با اسلام و تعالیم انسان ساز، عدالت گستر و ظلم ستیز آن دشمنی دارند نه با گروهی خاص از مسلمانان.

۴- مسلمانان تجاوزگر: گروهی از مسلمانان که برای منافع دنیوی و دشمنی‌های نشأت گرفته از انگیزه‌های غیر الهی، گروه دیگر را مورد تجاوز قرار داده‌اند، بر همه مسلمانان لازم است آنان را از تجاوز و سرکشی بازداشته و بین دو گروه متخاصم صلح و دوستی برقرار سازند و اگر گروه تجاوزگر حاضر به پذیرش صلح و دست کشیدن از تجاوز نشد، باید با آنها مبارزه کرد و آنها را به پذیرش صلح وادار نمود.

«وَأَنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ تِ فَاضِلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسَطُوا» (۱)

اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن که تعدی

می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد پس اگر باز گشت، میان آن دو را به عدالت سازش دهید.

(۱) - حجرات (۴۹)، آیه ۹.

جهاد در قرآن، ص: ۵۸

تبیین و توضیح

اشاره

در بحث دشمن شناسی، علاوه بر دسته‌بندی دشمنان، به عداوت و کینه آنان بخصوص یهود و مشرکان نسبت به مسلمانان نیز اشاره شد. به نظر می‌رسد نگاه تفصیلی به دشمنی مشرکان و اهل کتاب و کنکاش پیرامون آن، ما را در دشمن شناسی هوشیارتر و بیناتر می‌گرداند.

۱- دشمنی مشرکان:

مشرکان که اولین و از سرسخت‌ترین دشمنان مسلمانان می‌باشند، در حقیقت دشمن عقل، انسانیت، فضیلت و کرامتند. آنان بدون هیچ ادله عقلی و بینه روشنی برای خداوند شریک تراشیده و به جهالت و خرافه‌بافی خویش، دل خوش کرده‌اند و از توحید، یکتاپرستی و یکتاپرستان بیزارند و این بغض و کینه آنان را به هر اقدامی علیه مسلمانان مبلغ توحید وا می‌دارد.

«اشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا» (۱)

برای خداوند چیزهایی را که هیچ دلیل آشکاری بر (خدایی آنها) نازل نشده است شریک قرار داده‌اند.

«وَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ إِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» (۲)

و چون خدا به یگانگی یاد شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، متزجر می‌گردد و چون خدایان (دروغین) غیر از او یاد کردند، بناگاه شادمان گردند.

«إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَ لَوْ عَلَيَّ إِذْبَارِهِمْ نُفُورًا» (۳)

و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی، با نفرت از تو روی بر

(۱) - آل عمران (۳)، آیه ۱۵۱.

(۲) - زمر (۳۹)، آیه ۴۵.

(۳) - اسراء (۱۷)، آیه ۴۶.

جهاد در قرآن، ص: ۵۹

می‌گردانند!

«لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَ دُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ... إِذَا خَلَوْا عَصَوْا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ» (۱)

از هیچ شروفسادی در حق شما کوتاهی نمی‌کنند. آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنانشان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان پنهان می‌دارد بزرگتر است ...

چون خلوت می‌کنند از شدت خشم بر شما، سرانگشتان خود را می‌گزند.

«كَيْفَ وَانْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً» (۲)

چگونه (برای آنها رعایت عهد و پیمان لازم باشد؟) و حال آنکه اگر بر شما دست یابند، درباره شما نه خویشاوندی را مراعات می‌کنند و نه پیمان را!

«نَكَثُوا اِيْمَانَهُمْ وَ هُمُوْا بِاَخْرَاجِ الرَّسُوْلِ وَ هُمْ بَدُوْكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ» (۳)

قسم خود را شکستند و برای بیرون راندن رسول خدا همت کردند و آغازگر جنگ با شما بودند.

«وَلَا يَزَالُوْنَ يُقَاتِلُوْكُمْ حَتَّىٰ يَرْدُوْكُمْ عَنْ دِيْنِكُمْ اِنْ اِسْتَطَاعُوْا» (۴)

اگر بتوانند پیوسته با شما می‌جنگند تا اینکه شما را از دینتان برگردانند.

آیات دیگری نیز حاکی از این دشمنی سیری‌ناپذیر مشرکان با خداپرستان است و ثمره ناپاک شرک، جهل و خرافه‌پرستی نیز جز این نمی‌تواند باشد.

۲- اهل کتاب

از نگاه قرآن اهل کتاب را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف- اهل کتاب مؤمن: گروهی از اهل کتاب به تعالیم فطری و تعالیم آسمانی مطابق با فطرت و عقل پایبند بوده و در مقابل حق تسلیم می‌باشند و اگر حقیقت اسلام برایشان

(۱)- آل عمران (۳)، آیات ۱۱۸-۱۱۹.

(۲)- توبه (۹)، آیه ۸.

(۳)- همان، آیه ۱۳.

(۴)- بقره (۲)، آیه ۲۱۷.

جهاد در قرآن، ص: ۶۰

تبیین شود و جهالت آنان برطرف گردد، بدون شک بدان ایمان می‌آورند. خداوند در قرآن شریف از این گروه به خوبی یاد و تجلیل نموده است:

«... مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُوْنَ اٰیَاتِ اللّٰهِ اٰنَاءَ اللَّیْلِ وَ هُمْ یَسْجُدُوْنَ یُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَ الْیَوْمِ الْاٰخِرِ وَ یَأْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ یُسَارِعُوْنَ فِی الْخَیْرَاتِ وَ اَوْلٰئِكَ مِنَ الصّٰلِحِیْنَ» (۱)

از اهل کتاب گروهی هستند که (به حق و ایمان) قیام می‌کنند و پیوسته در اوقات شب آیات الهی را می‌خوانند و سجده می‌کنند، به خدا و روز قیامت ایمان می‌آورند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای خیر سرعت می‌گیرند. اینان از صالحان هستند.

«وَ اَنَّ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ یُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَ مَا اَنْزَلَ الْیَكْمَ وَ مَا اَنْزَلَ الْیَكْمَ وَ مَا اَنْزَلَ الْیَكْمَ لَلّٰهِ لَا یَشْتَرُوْنَ بِاٰیَاتِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِیْلًا...» (۲)

البته از اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و بدانچه به سوی شما نازل شده و به آنچه به سوی خودشان فرود آمده، ایمان دارند در حالی که در برابر خدا خاشعند و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی‌فروشند.

گروهی که اهل خود بزرگ‌بینی، حسادت، دنیاپرستی و رذایل اخلاقی نبوده بلکه فضایل اخلاقی در آنان نمود پیدا کرده است.

«وَ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ اِنْ تَاَمَّنْهُ بِقِنْطَارٍ یُّؤَدِّهِ الْیَكْمَ...» (۳)

کسانی از اهل کتاب هستند که اگر او را بر مال فراوانی امین شمردی، آن را به تو بر می‌گرداند.

«... لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بَانَ مِنْهُمْ قِيسِيْنَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى

(۱) - آل عمران (۳)، آیات ۱۱۳-۱۱۴.

(۲) - همان، آیه ۱۹۹.

(۳) - همان، آیه ۷۵.

جهاد در قرآن، ص: ۶۱

اعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَ مَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَ نَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ» (۱)

قطعا کسانی را که گفتند: ما نصرانی هستیم، نزدیک‌ترین مردم در دوستی به مؤمنان خواهی یافت؛ زیرا برخی از آنان دانشمندان و راهبانی هستند که تکبر نمی‌ورزند و چون آنچه را به سوی رسول خدا (ص) نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا ما ایمان آورده‌ایم پس ما را در زمره گواهان بنویس؛ و برای ما چه عذری است که به خدا و آنچه از حق به ما رسیده، ایمان نیاوریم و حال آنکه طمع داریم ما را در زمره شایستگان داخل گرداند.

این گروه از اهل کتاب که کم هم نیستند، نه تنها با مؤمنان و مسلمانان دشمنی ندارند، بلکه جویندگان حقیقتند و با آگاه شدن از تعالیم مرفقی و متعالی اسلام، عاشقانه آن را می‌پذیرند و در راه آن فداکاری می‌کنند و ما باید سعی و کوشش خود را در راه تبلیغ اسلام و رساندن پیام حیات بخش قرآن به این تشنگان حقیقت، به کار بندیم.

ب- مسالمت جوینان: گروه دیگری از اهل کتاب که گرچه بر دین خود پا فشاری دارند ولی طالب صلح و مسالمت بوده و علیه مسلمانان اقدامی نکرده و نمی‌کنند. بنابر تعلیم قرآن اینان نیز دشمن نبوده و باید با آنان روابط مسالمت آمیز و انسانی داشت.

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (۲)

خدا شما را از کسانی که در دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید؛ زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.

(۱) - مائده (۵)، آیات ۸۲-۸۴.

(۲) - ممتحنه (۶۰)، آیه ۸.

جهاد در قرآن، ص: ۶۲

ج- ستیزه جوینان: آن گروه از اهل کتاب هستند که دچار خودبینی، استکبار و عقاید باطل بوده و دشمنی آنان با مؤمنان و مسلمانان پایان ناپذیر است. بنابر بیان قرآن، یهود دشمن‌ترین گروه اهل کتاب نسبت به مسلمانان می‌باشند. (۱)

و شاید بتوان گفت که آنها در دشمنی گوی سبقت را از مشرکان هم ربودند و با اینکه اهل کتاب بودند و پیامبر را می‌شناختند، ولی ایمان نیاوردند و بیشترین ضربه‌ها را به مسلمانان وارد آوردند. علت دشمنی یهود و دیگر اهل کتاب را باید در استکبار، حسادت، غلو در دین و عقاید خرافی و باطل آنها دانست. قرآن عقاید باطل و خرافی اهل کتاب ستیزه جو را چنین یاد می‌کند:

«الْم تَرَى إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيُحْكَمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَ هُمْ مُعْرِضُونَ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَ غَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (۲)

آیا ندیدی آن کسانی را که بهره‌ای از کتاب داده شده‌اند، آن هنگام که به سوی کتاب خدا خوانده شوند تا میانشان حکم کند، گروهی از آنان به حال اعراض باز می‌گردند. این بدان سبب است که (به پندار خود) گفتند: «هرگز آتش جز چند روزی به ما نخواهد رسید» و افتراها و دروغهایشان این چنین آنان را در دینشان مغرور کرده است.

«وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ أَلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَاتُهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (۳)

گفتند: هرگز به بهشت در نیاید جز کسی که یهودی یا نصارا باشد، این آرزوهای واهی ایشان است، بگو اگر راست می‌گویید دلیل خود را بیاورید.

آنان خود را تنها دوستان و اولیای خداوند می‌دانستند (۴) و بلکه گروهی - بنی اسرائیل -

(۱) - مائده (۵)، آیه ۸۲.

(۲) - آل عمران (۳)، آیات ۲۳ - ۲۴.

(۳) - بقره (۲)، آیه ۱۱۱.

(۴) - جمعه (۶۲)، آیه ۶.

جهاد در قرآن، ص: ۶۳

تنها خود را انسانهای شایسته می‌پنداشتند و بقیه انسانها را در رتبه انسانی به حساب نمی‌آوردند.

«وَمِنْهُمْ مَنْ أَنْتَمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (۱)

و بعضی از اهل کتاب را اگر بر دیناری امین گردانی، آن را به تو برنگرداند مگر اینکه پیوسته (برای پس گرفتن آن) علیه وی قیام کنی، این خوی از آن روست که گفتند:

«در مورد کسانی که دین آسمانی ندارند. علیه ما راهی نیست» بر خدا دروغ می‌بندند در حالی که خود می‌دانند.

نمونه بارز این گروه از اهل کتاب، یهود بنی اسرائیل - صهیونیسم امروز - هستند که خود را بندگان برگزیده خدا دانسته و برای غیر بنی اسرائیل حقوق انسانی قائل نیستند.

این گروه از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز مظهر جنایتگری، فساد انگیزی و حق‌کشی بوده‌اند.

(۱) - آل عمران (۳) آیه ۷۵.

جهاد در قرآن، ص: ۶۵

فصل سوم دشمن ستیزی

اشاره

قرآن مجید ضمن معرفی دشمنان و افشای شدت بغض و کینه آنان، مسلمانان را نیز به دشمن ستیزی علیه آنان فرا می‌خواند. در مورد بزرگ‌ترین دشمن یعنی شیطان که با کمک نفس و نیروهای نفسانی انسان را گمراه ساخته به بندگی می‌گیرد، می‌فرماید:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» (۱)

به درستی که شیطان دشمن شماست. پس شما (نیز) او را دشمن بگیرید.

در آیات دیگر انسان را از همراهی، پیروی و گوش فرادادن به وسوسه‌های شیطان بر حذر داشته به ستیز دائمی با شیطان و نفس دعوت می‌کند.

در مورد بزرگ‌ترین دشمن داخلی یعنی منافقان نیز هشدارهای فراوان داده و با افشا کردن توطئه‌ها و برشمردن نشانه‌های منافقان، بصیرت مؤمنان را نسبت به این دشمن خطرناک بالا برده و کینه و نفرت از منافقان را در قلب آنها تشدید می‌کند.

«هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ» (۲)

آنان دشمنند، خدا بکشدشان! از آنان پرهیز داشته باش.

«جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (۳)

با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر!

(۱) - فاطر (۳۵)، آیه ۶.

(۲) - منافقون (۶۳)، آیه ۴.

(۳) - توبه (۹)، آیه ۷۳.

جهاد در قرآن، ص: ۶۶

«وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ» (۱)

هرگز بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مخوان و بر سر قبرش نایست!

نسبت به مجرمان و مفسدان نیز که بر گناه اصرار دارند و امنیت روحی و روانی جامعه را به خطر انداخته و زمینه‌سازان فساد و تباهی اند، به مؤمنان دستور می‌دهد که آنان را طرد کنند، تنبیه نمایند و با آنان ترشروی کنند تا آنان از رویه زشت خود دست بردارند.

(۲)

و اما نسبت به مشرکان و اهل کتاب ستیزه‌جو که دشمنان سرسخت خارجی هستند نیز دستور جهاد، قتال و ترک رابطه‌های دوستانه داده و بدین صورت روحیه دشمن‌ستیزی را در مؤمنان تقویت نموده است:

«وَلَا تُنَکِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ ... وَلَا تُنَکِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا» (۳)

با زنان مشرک ازدواج نکنید تا زمانی که ایمان بیاورند ... و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند زن ندهید.

«... لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ ...» (۴)

دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی نگیرید (به طوری) که با آنان اظهار دوستی کنید و حال آنکه به یقین به حقی که بر شما نازل شده، کافرند.

«لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ» (۵)

از غیر خودتان همراز مگیرید.

«لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً» (۶)

(مؤمنان مجاهد) از غیر خدا و رسول و مؤمنان، محرم اسرار نگرفتند.

(۱) - توبه (۹)، آیه ۸۴.

(۲) - ر. ک. آیات ۲، ۴، ۲۳ سوره نور و آیات و روایات دیگر.

(۳) - بقره (۲)، آیه ۲۲۱.

(۴) - ممتحنه (۶۰)، آیه ۱.

(۵) - آل عمران (۳)، آیه ۱۱۸.

(۶) - توبه (۹)، آیه ۱۶.

جهاد در قرآن، ص: ۶۷

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (۱)

ای مؤمنان مردمی را که خدا بر آنان غضب کرده، به دوستی مگیرید.

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (۲)

در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند مبارزه کنید.

«وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً» (۳)

همگی با مشرکان مبارزه کنید چنانکه آنان همگی با شما می‌جنگند.

در خاتمه این بحث لازم به تذکر است که تا زمانی که دشمنی و ستیزه جویی فردی، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، محرز نشده و به طور قطعی در زمره یک گروه از دشمنان قرار نگرفته است، نباید با او سر ستیز داشت، بلکه باید با مهربانی، احسان و مسالمت با او برخورد کرد و زمینه جذب و اصلاح او را مهیا ساخت و هر گاه ستیز و طغیان‌گری او قطعی و یقینی شد، باید مطابق با دستور اسلام با او برخورد کرد و روحیه دشمن ستیزی را در برخورد با او بروز داد.

«فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ» (۴)

هنگامی که برای ابراهیم (ع) روشن شد که او پدر خوانده‌اش (دشمن خداست، از او بیزارى جست).

«إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا» (۵)

هر گاه برای جهاد از خانه خارج می‌شوید، تحقیق و بررسی کنید (تا برایتان کافر بودن طرف مقابل قطعی شود). بنابراین باید با مسلمانانی که آگاهانه و علنی به گناه دست می‌یازند و امنیت روحی،

(۱) - ممتحنه (۶۰)، آیه ۱۳.

(۲) - بقره (۲)، آیه ۱۹۰.

(۳) - توبه (۹)، آیه ۳۶.

(۴) - همان، آیه ۱۱۴.

(۵) - نساء (۴)، آیه ۹۴.

جهاد در قرآن، ص: ۶۸

روانی و ناموسی جامعه را به خطر می‌اندازند و زمینه انحراف دیگران را مهیا می‌نمایند برخورد قهرآمیز مناسب داشت و در صورت اصرار، به کمک حکومت اسلامی آنان را تنبیه کرد و زمینه‌های فساد را از بین برد و با دشمنان اسلام اعم از مشرکان و اهل کتاب که بغض و کینه مسلمانان را در دل داشته و از هیچ اقدامی علیه مسلمانان فروگذار نمی‌کنند، ستیز کرد.

ستیز تا کجا؟

تا اینجا معلوم شد که مسلمانان باید مبلغ آزادی، کرامت، ایمان، اخلاق و انسانیت باشند و با کسانی که این ارزشهای متعالی را نمی‌پذیرند و سدّ راه تبلیغ می‌شوند و مانع رسیدن پیام حیاتبخش اسلام و پذیرفتن آن توسط تشنگان حقایق می‌گردند، مبارزه کنند

و باید این مبارزه را تا و رفع موانع ادامه دهند. برای تبیین بیشتر این مطلب نگاهی دوباره به دشمنان ضروری است. منظور از دشمنان در این بحث، دشمنان بیرونی است اعم از داخلی و خارجی. مبارزه با بعضی از دشمنان، مبارزه فرهنگی و منفی است که نمونه بارز آن مبارزه با منافقان است. باید توطئه‌های آنها را افشا کرد؛ آنها را طرد نمود و با هشیار کردن و آگاهی دادن به افراد جامعه منافقان را مایوس کرد. قتال و جنگ رو در رو و مواجهه با این گروه معمولاً پیش نمی‌آید، چون آنان هیچ‌گاه به طور آشکار و علنی علیه مسلمانان جبهه نمی‌گیرند.

مجرمان و مفسدان نیز باید متناسب با جرمشان تنبیه و مجازات گردند و مجازات اعدام سزاوار کسانی است که امنیت جامعه را به هم زده و در پی فساد جامعه هستند.

از بین دشمنان داخلی، تنها آشوبگران شورشی که علیه حکومت به مبارزه آشکار شمشیر کشیده‌اند، باید تا تسلیم شدن کامل آنها، با آنان جنگید. اما دشمنان خارجی در حقیقت سه گروهند:

۱- مسلمانان تجاوزگر: مبارزه با آنان تا تسلیم شدن کامل آنها و گردن نهادنشان به حکم دین و پذیرش صلح عادلانه و دادگراانه از طرف ایشان ضروری است.

۲- مشرکان: کسانی که به خدای یگانه و پیامبران آسمانی اعتقاد نداشته و دهری یا

جهاد در قرآن، ص: ۶۹

مشرکند، در صورتی که مانع تبلیغ و تبیین اسلام نباشند، باید با جهاد فرهنگی، آنان را به سوی هدایت سوق داد و مبانی فرهنگ شرک را نابود کرد و فرهنگ ناب اسلامی را در جامعه آنان گسترش داد و چنانچه در مقابل تعالیم اسلام و پیام حیاتبخش توحید، راه انکار، عناد و ستیز را در پیش گرفتند، باید با آنان جنگید و تا ریشه کن کردن شرک و چندگانه پرستی مبارزه را ادامه داد.

۳- اهل کتاب ستیزه‌جو: گروهی از اهل کتاب که بر خلاف تعالیم آسمانی و بشارتهای پیامبران پیشین، حاضر نیستند اسلام را به عنوان دین خاتم پذیرند و برای به شکست کشاندن اسلام به توطئه‌های مختلف دست می‌زنند و سد راه پیشرفت اسلام می‌گردند و برای ریشه کن کردن اسلام شمشیر می‌کشند؛ مبارزه با آنان نیز تا تسلیم شدن و پذیرفتن حاکمیت اسلام ادامه دارد و در صورتی که تسلیم گردند، در امان بوده می‌توانند بر دیانت خویش باقی بمانند و آزادانه مراسم دینی و عبادی خویش را به جا آورند.

جهاد تا حاکمیت کامل اسلام و محو کامل شرک

از آنچه تا به حال گذشت معلوم می‌شود که «توحید» اقتضای فطرت انسانی است و شرک نیز حاکمیت جهل، خرافه و خود خواهی است و حکم دفاع از فطرت توحیدی و مبارزه علیه شرک، حکمی فطری است که اسلام بر آن تأکید ورزیده است و قتال و دفاع در اسلام یا برای مبارزه با ظلم است و یا برای دفاع از فطرت توحیدی.

از طرف دیگر، اسلام دینی است که تمام معارف و احکام آن مطابق فطرت است و در تمام دستورهایش فطرت لحاظ شده و همه احکام و مقرراتش برای دفاع از آن و اعتلای آن است؛ همچنان که دیگر ادیان آسمانی در همین راستا و برای تحقق همین هدف تلاش نموده‌اند و بین ادیان آسمانی هیچ‌گونه منافات و تضادی وجود ندارد. «۱»

متأسفانه کتب آسمانی پیشین، از بین رفته و دستخوش جعل و تحریف گشته‌اند و

(۱)- البته بعضی از احکام در ادیان گوناگون به اقتضای شرایط زمانی وضع شده‌اند و در شرایط دیگر به طور طبیعی احکام دیگر لازم بوده و اختلاف شرایع یعنی همین اختلاف احکام، که لازمه رعایت اقتضای زمان است.

بسیاری از مطالب و برداشتهای بشری در قالب مقدّس دین ریخته شده و به جامعه بشری ارائه گردیده است. کتاب مقدّس تورات و انجیل که امروز در دست بشر است، به اعتراف معتقدان و عالمان خود این ادیان، دست نوشته بشر است و اصل این دو کتاب در گذر زمان و در اثر حوادث ناگوار از بین رفته است. با توجه به این که قسمتهایی از این دو کتاب، غیر آسمانی و از جانب غیر خداست، پس تعبّد در برابر کل این کتابها، یعنی تعبّد در برابر خدا و غیر خدا، یعنی شرک و چندگانه پرستی.

از طرف دیگر، کتاب‌های آسمانی تورات و انجیل حاوی بشارت ظهور رسول خاتم صلی الله علیه و آله بود و اهل کتاب در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله این بشارتها را می‌دیدند و به تطبیق آن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله متوجه بودند ولی در برابر هوای نفس خود تسلیم شده پیامبر موعود تورات و انجیل (حضرت محمد صلی الله علیه و آله) را انکار کردند و بدین صورت شرک عملی خویش را آشکار کردند، از این رو قرآن، اهل کتاب را مشرک می‌داند گرچه عنوان «مشرک» را برای آنان به کار نبرده است، در سوره نساء می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آوْتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ ... إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ» (۱)

ای کسانی که کتاب داده شده‌اید، بدانچه تصدیق کننده کتاب شماست ایمان آورید.

بدانید همانا خداوند از این که به او شرک ورزیده شود چشم‌پوشی و گذشت نمی‌کند.

بنابراین آیات، ایمان نیاوردن به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قرآن که مصدّق موسی و عیسی علیهما السلام و تورات و انجیل است، برابر با پیروی از نفس و خدا گرفتن نفس در کنار خدای جهان و شریک قرار دادن برای او «جلّ و علا» می‌باشد؛ و این شرکی است پنهان در زیر لفافه توحید و یکتاپرستی، در مقابل شرک مشرکان که واضح و آشکار است.

کسانی که آگاهانه و به عمد به خدا شرک می‌ورزند و در برابر پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی تسلیم نمی‌شوند، اینان فطرت خویش را کشته و علیه فطرت انسانی قیام کرده‌اند و ویروس خطرناک برای جامعه انسانی‌اند که باید نابود شوند. با توجه به

(۱) - نساء (۴)، آیات ۴۷ - ۴۸.

جهاد در قرآن، ص: ۷۱

این مطلب است که محققان از علمای اسلام، معتقدند که اسلام همچنان که ریشه کن کردن شرک آشکار را هدف خود قرار داده، مبارزه با شرک پنهان تا از بن برکندن آن را نیز هدف قرار داده و جنگ با کفار تا ریشه کن شدن هر نوع شرک و حاکمیت یافتن توحید کامل نیز وضع شده است. این عالمان به آیاتی از قرآن که وعده حاکمیت توحید مطلق و ریشه کن شدن مطلق شرک را داده، «۱» استناد می‌کنند و عمل به این حکم را در زمان ظهور امام غایب علیه السلام می‌دانند. آن امام بزرگوار (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وقتی ظهور کند به کمک یاران مخلص و فداکارش و از راه جدال نیکو و تبلیغ، معارف اسلامی را در جوامع انسانی تبیین می‌کند و با معاندان و سرکشان مجاهده و مبارزه می‌نماید و آنها را سرکوب می‌کند و توحید کامل را در سراسر جهان حاکم می‌گرداند. «۲»

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ خَلْفَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أَسَّيْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (۳)

خداوند به مؤمنان نیکوکار از شما وعده داده که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان طور که گذشتگان را قرار داد و دینی را که برایشان پسندیده، در زمین مستقر گرداند و خوف و هراسشان را به امنیت مبدل کند تا مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند.

ممکن است کسی این اقدام را خلاف آزادی عقیده بداند که نسبت به ردّ این توهم توضیح زیر لازم است:

اول اینکه اعتقاد امری قلبی و مخفی است و اسلام هم تفتیش عقاید را ممنوع شمرده و نیز اعلام نموده که شما قدرت تحمیل امری را بر قلبها ندارید و قلبها از حیظه قدرت شما خارج بوده و فقط تحت تسلط خداوند است. «۴» خداوند هم ایمان اجباری را

(۱) - صف (۶۱)، آیه ۹؛ انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵؛ نور (۲۴)، آیه ۵۵.

(۲) - ر. ک. المیزان، ج ۲، ص ۶۶-۶۷.

(۳) - نور (۲۴)، آیه ۵۵.

(۴) - ر. ک. المیزان، ج ۲، ص ۳۴۳.

جهاد در قرآن، ص: ۷۲

نخواست و گرنه می‌توانست همه قلبها را در برابر خویش خاضع و خاشع گرداند. «۱»

دوم اینکه بنای اسلام و امام اسلام یعنی حضرت حجت (عج) بر شکوفا ساختن فطرت توحیدی انسانها است. وقتی پیامبر در سال نهم هجری، بعد از ۲۲ سال تبلیغ، مأمور به اعلام جنگ با مشرکان جهت نابودی آنها یا پذیرش اسلام از سویشان شد موظف گردید که باز هم چهار ماه به آنان مهلت دهد تا در روش جاهلانه، استکباری و معاندانه خویش تجدید نظر کنند و به ندای فطرت خویش پاسخ گویند و بعد از اتمام مدت تعیین شده نیز اگر کسی از مشرکان امان می‌طلبید تا پیام اسلام را بشنود و در موضع خود نسبت به آن تجدید نظر کند، باز هم مسلمانان موظف بودند به وی امان بدهند و کلام خود را به وی تفهیم نمایند و او را به محل امن خود باز گردانند تا دور از جور و وحشت و در محیطی امن و آزاد تصمیم بگیرد.

«بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ... وَانْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَاجْزِهِ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ ابْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» «۲»

(این آیات) اعلام بی‌زاری است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به مشرکانی که با آنها پیمان بسته‌اید. پس (ای مشرکان) چهار ماه در زمین بگردید و بدانید که شما نمی‌توانید خدا را به ستوه آورید... و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پس پناهش ده تا کلام خدا را بشنود و سپس او را به مکان امنش برسان.

بنابراین اسلام نه تحمیل عقیده را ممکن می‌داند و نه خود در صدد آن است، بلکه سعی دارد از همه راه‌های ممکن، پیام حیات‌بخش خود را به گوش جان و فطرت انسان‌ها برساند. طبیعی است که همیشه گروه اندکی هستند که فطرت انسانی خویش را کشته و مغلوب نموده و حیوان‌های درنده‌خویی شده‌اند که وجودشان برای جامعه خطرناک است. آنان گمراهان و گمراه‌کنندگان هستند که چشم و گوش دیدن و شنیدن

(۱) - شعراء (۲۶)، آیه ۴.

(۲) - توبه (۹)، آیات ۱-۶.

جهاد در قرآن، ص: ۷۳

حق را ندارند و جز با نابود کردن آنها نمی‌توان جامعه را از شرشان در امان نگاه داشت.

سوم اینکه انسان‌ها غالباً حقیق و هدایت طلبند. اگر موانع هدایت را رفع کنیم و پیام حق را با بیان رسا به گوش آنان برسانیم و شبهه‌هایشان را به خوبی برطرف کنیم، فطرت آنان شکوفا شده و حجابها را کنار زده به وادی ایمان قدم خواهند نهاد. امام زمان (عج) هم از امکانات تبلیغی فراوانی برای تحقق این هدف کمک خواهد جست و با ارائه اصل کتاب‌های آسمانی و آشکار کردن تحریف‌ها و بدعت‌ها و با کمک حضرت مسیح علیه السلام، پیروان ادیان دیگر، به خصوص مسیحیت را که اکثریت دارند، به

اسلام جذب خواهد کرد. روایات فراوانی به این مطلب نظر دارند از جمله:

رسول خدا (ص) می‌فرماید: هنگام طلوع فجر، عیسی بن مریم (ع) (بر امام مهدی (عج) و یارانش) نازل می‌شود و در دستش حربه‌ای است، صلیب را می‌شکند، خوک را می‌کشد، دجال را هلاک می‌گرداند و ... «۱»

در روایت دیگری آمده که امام علیه السلام «تابوت سکینه» را که حاوی میراث خاندان موسی و هارون علیهما السلام است و برای یهودیان اطمینان آور می‌باشد «۲» از دریاچه طبریّه بیرون می‌آورد و یهودیان با دیدن آن تابوت آرامش می‌یابند و به حقانیت اسلام و امام زمان (عج) ایمان می‌آورند. «۳»

بنابر روایت دیگری آن بزرگوار تابوت سکینه را از غاری در انطاکیه و اسفار تورات را از کوهی در شام بیرون می‌آورد و به یهود عرضه می‌دارد و کثیری از یهود با دیدن آنها ایمان می‌آورند. «۴»

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «هر کس در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه تسلیم او می‌شود» «۵» فرمود:

(۱) - المهدی الموعود المنتظر، ج ۲، ص ۲۲۰.

(۲) - بقره (۲)، آیه ۲۴۸.

(۳) - المهدی، آیت الله صدر، ص ۳۰۶.

(۴) - همان

(۵) - آل عمران (۳)، آیه ۸۳.

جهاد در قرآن، ص: ۷۴

آیه یاد شده در شأن قائم ما نازل گردیده است. چون ایشان ظهور کند اسلام را بر یهودیان، مسیحیان، ستاره پرستان، بی‌دینان، مرتدان و کافران در شرق و غرب جهان عرضه می‌نماید. هر کس از روی تمایل و داوطلبانه اسلام را بپذیرد، او را به نماز، زکات و انجام دستوراتی که بر هر فرد مسلمان لازم است، مکلف می‌سازد و هر کس تن به پذیرش آیین اسلام ندهد، گردنش را می‌زند؛ به طوری که در سراسر جهان جز موحد و یکتاپرست کسی باقی نمی‌ماند. «۱»

البته طبیعی است که معرفی کامل اسلام و تبیین آن برای اهل کتاب در سراسر دنیا مدتی به طول می‌انجامد، در این مدت اهل کتابی که در حوزه حکومت امام علیه السلام زندگی می‌کنند، به دیانت خود عمل کرده و جزیه می‌دهند و ظاهراً روایاتی که دلالت بر وجود اهل کتاب در آن زمان دارد، ناظر به ابتدای حکومت امام علیه السلام است.

بعضی از بزرگان از آیات ۵۵ آل عمران و ۱۴ و ۶۴ مائده برداشت کرده‌اند که دین یهود و نصارا تا قیامت دوام دارد؛ از این رو، بین روایات دسته اول و روایات اخیر (که حاکی از نابودی یهود و نصارای منحرف است) تنافی دیده و فرموده‌اند:

چنان که ملاحظه فرمودید، احادیث دو دسته‌اند: دسته‌ای موافق قرآن (و حاکی از وجود جزیه دادن اهل کتاب در زمان حضرت ولی عصر (عج)) و دسته‌ای مخالف قرآن (و حاکی از اضمحلال یهود و نصارا در آخرالزمان و حاکمیت مطلق اسلام) لیکن بر اهل نظر پوشیده نیست که احادیث موافق قرآن بر احادیث مخالف مقدم هستند و آنها را از اعتبار ساقط می‌کنند.

بعد ادامه می‌دهد:

بنابراین یهود و نصارا در عصر دولت مهدی (عج) باقی خواهند ماند، لیکن از عقیده تثلیث و شرک دست بر می‌دارند و خدا پرست می‌شوند. «۲»

(۱) - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

(۲) - دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۳۹۴ - ۳۹۵.

جهاد در قرآن، ص: ۷۵

حقیقت دین یهود و دین نصارا، جدای از تحریف‌ها، چیزی جز اسلام نیست و اینانی که امروز به عنوان یهودی «عزیر» را پسر خدا می‌دانند و یا به عنوان نصارا قائل به تثلیث و الوهیت مسیح‌اند در حقیقت یهودی و مسیحی نیستند. در آخر الزمان، امام عصر (عج) تورات و انجیل واقعی را بر بشر عرضه می‌کند و با ارائه تابوت سکینه و با کمک گرفتن از حضرت مسیح علیه السلام یهودیان و مسیحیان را بر یهودیت و مسیحیت اصیل که جز اسلام نیست و اسلام مؤید و مصدق آنها و آنها هم مصدق و مبشر اسلام هستند، راهنمایی می‌کند و یهودیان و مسیحیان صادق و حق طلب با آگاه شدن نسبت به جعل و تحریف‌ها، تسلیم امام زمان می‌شوند. اینانند پیروان واقعی حضرت عیسی علیه السلام که در آیه ۵۵ سوره مائده وعده پیروزی بدانان داده شده است و عده معدودی هم که حاضر به تسلیم حق نیستند، از دم تیغ گذرانده می‌شوند و جهان از لوٹ شرک آشکار و پنهان پاک می‌گردد و خداوند به یگانگی پرستش می‌شود.

جهاد در قرآن، ص: ۷۷

فصل چهارم ویژگی‌های مجاهدان

اشاره

رزمنده مسلمان از دیدگاه قرآن، واجد ویژگی‌هایی است که او را از دیگران ممتاز می‌گرداند. در این فصل، این ویژگی‌ها را در سه بخش، ویژگی‌های عمومی، فرماندهان و فرمانبران بررسی می‌کنیم.

ویژگی‌های عمومی

قرآن مجید به رزمندگان که با جان و مال با دشمنان حق نبرد می‌کنند و آنان را می‌کشند و یا در این راه به شهادت می‌رسند، بشارت داده که خداوند خریدار جان و مال آنان است و به بهای آن، بهشت جاودان را می‌دهد. «۱» از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا این وعده قرآن یک وعده عمومی است و هر رزمنده‌ای را شامل می‌شود یا وعده‌ای است برای رزمندگان با ویژگی‌های مشخص؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

وقتی این آیه نازل شد، عده‌ای از اصحاب پیامبر (ص) همین سؤال را از آن حضرت کردند و ایشان جوابی به آنان نداد تا اینکه خداوند به دنبال آن، این آیه شریفه را نازل فرمود:

«التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (۲)

(۱) - توبه (۹)، آیه ۱۱۱.

(۲) - توبه (۹)، آیه ۱۱۲؛ توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (که مؤمنان حقیقی‌اند)، بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان.

جهاد در قرآن، ص: ۷۸

خداوند (با این آیه) صفات مؤمنانی را که جان و مالشان را (در قبال بهشت) خریدار است، آشکار ساخت. پس هر کس طالب

بهشت است، باید (با اتصاف) به این شرایط در راه خدا جهاد کند و گرنه از جمله کسانی خواهد بود که پیامبر (ص) در حق آنان فرمود: «خداوند این دین را به وسیله کسانی یاری می‌کند که خود، هیچ بهره‌ای از کوشش خویش ندارند.» (۱)

اینک با توجه به آیه مزبور و آیاتی از این قبیل به توضیح مختصر ویژگی‌های عمومی مجاهدان مسلمان می‌پردازیم:

۱- توبه: بازگشت به پیشگاه حق تعالی از هر چه غیر خدایی است؛ و طلب آمرزش پی در پی برای لغزشها، خطاها و ندانم‌کاری‌ها و سعی و کوشش در جبران وظایفی که از او فوت شده است.

۲- عبادت: تنها خداوند را معبود گرفتن و با همه وجود به عبادت و بندگی او رو آوردن و اطاعت محض از خدا و سر بر تافتن از غیر خدا.

۳- ستایش خدا: خداوند را با اسمای حسنی و اوصاف جمیلش خواندن و ستودن.

۴- آمد و شد به مساجد: رفتن به عبادتگاه‌ها و پرستش نمودن خداوند در آنها.

۵- خضوع و رکوع: در برابر اوامر الهی خاضع بودن و سر تسلیم فرود آوردن.

۶- سجده و اظهار ذلت: در پیشگاه حق پیشانی بندگی را بر خاک ساییدن و اظهار خاکساری کردن.

۷- امر به معروف: ایجاد زمینه و ترویج خوبی‌ها و آگاه نمودن بندگان ناآگاه خدا.

۸- نهی از منکر: از بین بردن زمینه و ریشه کن کردن بدی‌ها و باز داشتن از آنها.

۹- حفظ حدود الهی: جلوگیری از تعدی و تجاوز به حریم حق.

علامه طباطبایی (ره) شش ویژگی اول را خصوصیات فردی مجاهدان و دو ویژگی امر به معروف و نهی از منکر را خصوصیت جمعی آنان و حفاظت از حدود الهی را مشترکاً مربوط به خصوصیات فردی و جمعی مجاهدان می‌داند؛ یعنی هم در مورد

(۱) - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵.

جهاد در قرآن، ص: ۷۹

خویش و هم در مورد اجتماع توجه دارند که حدود الهی رعایت گردد. (۱)

۱۰- توکل و تضرع: مجاهدان مسلمان برای رضای خدا و ریشه کن کردن ظلم و شرک می‌جنگند و در این نبرد تنها تکیه گاهشان

خداست و به نصرت و یاری خدا باور دارند و معتقدند که خداوند از آنجا که مولای مؤمنان است، از یاوران دین خود دفاع

می‌کند. (۲) به همین جهت مجاهدان، بر خداوند توکل می‌کنند (۳) و با توجه به همین اعتقاد، در تمامی صحنه‌های زندگی و از

جمله در میدان‌های نبرد، خاضعانه و متواضعانه به خدا متوسل شده، قوت، قدرت، نصرت و غلبه را از او می‌خواهند:

«رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبَّتْ اَقْدَامُنَا وَ اَنْصُرْنَا عَلٰى الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ» (۴)

پروردگارا! پیمانانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز و قدمهای ما را ثابت بدار و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان!

۱۱- ترجیح آخرت بر دنیا: از دیگر ویژگی‌های رزمندگان اسلام، برگزیدن آخرت بر دنیاست. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِيْنَ يَشْرُوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ...» (۵)

کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا بیکار کنند!

این آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه تا زمانی که انسان در انتخاب دنیا و آخرت، سرای دنیا را برگزیند و به دنیا و آنچه در او هست

تعلق داشته باشد، نمی‌تواند در جرگه مجاهدان راه خدا قرار گیرد. البته روشن است که مراد از این سخن، دل‌کندن از دنیاست، نه

ترک ظاهری آن و ترک استفاده از وسایل مورد نیاز زندگی.

۱۲- تحمل سختی‌های مبارزه: از ویژگی‌های بارز مجاهدان، تحمل و بردباری

(۱) - با استفاده از المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶.

(۲) - حج (۲۲)، آیه ۳۸.

(۳) - ر. ک. آل عمران (۳)، آیه ۱۶۰.

(۴) - بقره (۲)، آیه ۲۵۰.

(۵) - نساء (۴)، آیه ۷۴.

جهاد در قرآن، ص: ۸۰

سرشار آنان در قبال سختی‌های جهاد است. در قرآن به تفصیل آمده است که طالوت برای امتحان نیروهایش به منظور تحمل سختی‌ها چنین اعلام داشت:

«... إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ» (۱)

خداوند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می‌کند؛ آنها (که به هنگام تشنگی) از آن بنوشند، از من نیستند؛ و آنها که از آن نخورند، از من هستند؛ مگر کسی که تنها کف دستی بردارد.

طالوت مطرح می‌کند که شما در مسیر جهاد به یک رود برخورد می‌کنید؛ گرچه سختی راه و سنگینی سلاح و گرمی آفتاب شما را سخت تشنه می‌کند، ولی باید مقاومت کنید. هر کس مقاومت نرزد و از آن بنوشد، تا سیراب شود، نمی‌تواند به عنوان یک مجاهد مطرح باشد و هر کس طعم آن آب را نچشد، این مجاهد واقعی و از یاوران من است؛ و اما طایفه سومی که نمی‌نوشند، بلکه با برداشتن کفی از آن آب، شدت تشنگی خود را از بین می‌برند، این‌ها گرچه مجاهد واقعی محسوب نمی‌شوند، اما مردود هم نیستند. (۲)

مجاهدان صدر اسلام نیز به شهادت تاریخ، صبر و تحمل ورزیده در بسیاری از موارد دشواری‌های نبرد را بر خود هموار می‌ساختند. یکی از بارزترین این گونه تحمل‌ها، در جنگ تبوک بود. زمان حرکت به سوی جبهه در این جنگ، فصل تابستان و شدت گرما بود و مسلمانان امکانات و تجهیزات کافی در اختیار نداشتند و بنا بر روایات، تعداد دشمن بسیار زیاد و قدرت و شوکت آنان فراوان بود. راه نیز بسیار طولانی و بیابان‌های وسیع و بدون آب و آبادی نیز زیاد بود ... با این وجود، مؤمنان مجاهد از انصار و مهاجر به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله بسیج شدند و با تحمل سخت‌ترین شرایط به سوی دشمن حرکت کردند. به همین سبب خداوند متعال رحمت خود را مشمول آنان گردانید و درباره ایشان فرمود:

(۱) - بقره (۲)، آیه ۲۴۹.

(۲) - با استفاده از المیزان، ج ۲، ص ۲۹۲.

جهاد در قرآن، ص: ۸۱

«لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ...» (۱)

بدون شک، خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار نمود، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند.

۱۳- شجاعت: از ویژگی‌های بارز رزمندگان اسلام، شجاعت کم نظیر یا بی نظیر آنان است. آنان صفات زشت بیم و هراس، تردید و دودلی، دلهره و اضطراب و سردرگمی و بی‌هدفی را از وجود خود دور کرده و به اطمینان، آرامش، پایداری و وقار و در یک کلمه به صلابت و شجاعت رسیده‌اند. آنها خدا را تنها منبع قدرت می‌دانند و به قدرت لایزال او تکیه دارند؛ از این رو به نیرو و

قدرتی زاید الوصف رسیده‌اند.

۱۴- تواضع در برابر مؤمنان و سرسختی در برابر کافران: مجاهدان در برابر یکدیگر متواضع و نرم‌خو هستند و در برابر کافران سخت و استوارند. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«... اذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ اِعْزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (۲)

در برابر مؤمنان، متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند.

این ویژگی همان ویژگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یاران اوست که قرآن در توصیف آنان فرموده است:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (۳)

محمد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.

(۱) - توبه (۹)، آیه ۱۱۷.

(۲) - مائده (۵)، آیه ۵۴.

(۳) - فتح (۴۸)، آیه ۲۹.

جهاد در قرآن، ص: ۸۲

مؤمنان باید در برابر یکدیگر با گذشت رفتار کنند؛ اما در برابر دشمنان باید به گونه‌ای رفتار کنند که نه تنها دشمنان نتوانند در آنها طمع کنند و از اخلاق نیکویشان سوء استفاده نمایند، بلکه حتی خشونت در آنان ببینند که دشمنان را به ترس و هراس وادارد و به تعبیر آیه شریفه:

«وَلْيُجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» (۱)

آنها باید در شما شدت و خشونت احساس کنند.

برخورد و راه رفتن متکبرانه که در برخورد با مؤمنان جایز نیست، در مواقع رویارویی با دشمنان جایز شمرده شده است؛ چنانکه وقتی یکی از سرداران اسلام به نام ابودجانه در برابر دشمن، متکبرانه قدم می‌زد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند چنین راه رفتنی را دشمن می‌دارد، مگر در این موقعیت.» (۲)

ویژگی‌های فرماندهان

اشاره

فرماندهان نظامی لشکر اسلام نه تنها باید در ویژگی‌های عمومی ذکر شده از دیگران برتر باشند، که حتی باید ویژگی‌های دیگری نیز داشته باشند، از جمله:

۱- دانش و توان کافی: به عهده گرفتن فرماندهی از دیدگاه رزمندگان اسلام، یک وظیفه است، نه یک مقام و منصب؛ و فرماندهی به کسی پیشنهاد می‌شود که علم، تدبیر و توان لازم برای تحمّل این مسؤولیت مهم را داشته باشد. البته برای هر مرحله از فرماندهی علم و تدبیر متناسب با آن مرحله لازم است. ولی در هر حال این یک ضابطه کلی است. وقتی پیامبر بنی‌اسرائیل، طالوت را برای فرماندهی تعیین کرد، گروهی ظاهربین و سست ایمان، صلاحیت طالوت را به خاطر نداشتن مال و مکنّت زیر سؤال بردند. پیامبرشان در جواب فرمود:

(۱) - توبه (۹)، آیه ۱۲۳.

(۲) - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۹.

جهاد در قرآن، ص: ۸۳

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (۱)

خدا او را بر شما برگزیده و دانش و توان بدنی او را وسعت بخشیده است.

این بسط علمی و جسمی همان توان جسمی و تدبیر نظامی است که باید به عنوان یک ویژگی در فرماندهان سپاه توحید وجود داشته باشد.

۲- پیشگامی در میدان: فرمانده مسلمان در تحمل سختی‌ها و مشکلات میدان نبرد پیشگام است. قرآن مجید شخص پیامبر را موظف

می‌کند که اگر موقعیتی پیش آمد، حتی یک تنه با دشمن بجنگد و دیگران را به این اقدام خداپسندانه تشویق و ترغیب نماید:

«فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ اللَّهُ لَّا تُنْفَسِكُ وَحَرِّصِ الْمُؤْمِنِينَ» (۲)

در راه خدا پیکار کن! تنها مسؤول وظیفه خود هستی! و مؤمنان را (بر این کار) تشویق کن.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

وقتی میدان نبرد گرم و شدید می‌شد و دو گروه با هم درمی‌آویختند، ما به رسول خدا (ص) پناه می‌بردیم و ایشان سپر ما بود و

هیچ کس از ما به دشمن نزدیک‌تر از ایشان نبود. (۳)

فرماندهان شجاع جبهه اسلام نیز این ویژگی را از پیامبر خویش به ارث برده خود پیشاپیش دیگر رزمندگان به استقبال خطر

می‌روند و سینه را در مقابل تیرهای دشمن سپر می‌کنند.

۳- رحمت و عطوفت: عطوفت، رحمت و محبت به زیردستان، ویژگی لازم فرماندهی است. در جبهه اسلام این ویژگی نیز در

فرماندهان بروز و ظهور دارد. فرمانده با داشتن این ویژگی در بین زیر دستان، محبوب است و آنان با میل و رغبت، دستورهایش را

اجرا می‌کنند. خداوند در ادامه آیات مربوط به جهاد به پیامبرش

(۱) - بقره (۲)، آیه ۲۴۷.

(۲) - نساء (۴)، آیه ۸۴.

(۳) - بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۲.

جهاد در قرآن، ص: ۸۴

می‌فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (۱)

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم (و مهربان) شدی؛ و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

۴- عفو و گذشت: افراد زیر دست ممکن است در اثر جهالت یا غفلت، مرتکب خطایی شوند؛ گر چه تذکر، توبیخ و تنبیه لازم

است ولی ویژگی عفو و گذشت از ضروریات فرماندهی است.

یک رزمنده شجاع را نباید به خاطر یک تخلف یا تخطی از خود راند و طرد نمود، بلکه باید بعد از تذکر لازم، چشم‌پوشی نمود و

به او میدان داد که توانایی‌هایش را به ظهور برساند. قرآن مجید به پیامبرش می‌فرماید:

«فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (۲)

پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن!

این آیه ناظر به تخلف رزمندگان اسلام در جنگ احد است. خداوند به پیامبرش به عنوان فرمانده نظامی خطاب می‌کند که از خطای آنان در گذر و برایشان طلب آمرزش کن و با مشورت طلبی از آنان، به آنها بها بده و از توانایی‌شان بهره‌گیر! فرمانده با طرف شور قرار دادن زیردستان، به خصوص بعد از عفو و گذشت از خطایشان، آنان را به فداکاری، مقاومت و جانبازی تشویق کرده و در پیروزیها و شکست سهمیم نموده و احساس تعهد و مسؤولیتشان را زیادتر می‌کند.

۵- قدرت تصمیم‌گیری: عزم و اراده تصمیم‌گیری به ویژه در میدان نبرد، باید به عهده فرمانده باشد.

(۱) - آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.

(۲) - همان.

جهاد در قرآن، ص: ۸۵

«فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» «۱»

اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن!

بنابراین، فرمانده باید از قدرت و توان تصمیم‌گیری بالایی برخوردار باشد تا در مواقع لازم، به خصوص در شرایط حساس و بحرانی، بهترین تصمیم را بگیرد، نه اینکه تردید و دو دلی باعث از دست رفتن فرصت و موقعیت مناسب شود.

ویژگی‌های فرمانده از نگاه حضرت علی (ع)

در عهدنامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر شرایطی برای فرمانده مشخص شده است که عبارتند از:

الف- فرمانده باید نسبت به خدا، پیامبر و امام، از همه خیر خواه تر باشد.

ب- قلبش پاکتر و سینه‌اش صافتر از همه باشد.

ج- بردبارتر از همه باشد.

د- دیر خشم باشد.

ه- نسبت به ضعیفان رئوف باشد.

و- نسبت به زورمندان (و طغیانگران) سختگیر و گردن فراز باشد.

ز- حوادث سخت و مشکل او را متزلزل نسازد.

ح- ضعف (نیرو و پشتیبانی) او را به زانو در نیاورد. «۲»

اینها از مهمترین ویژگی‌های لازم برای فرماندهان سپاه اسلام است و در طول تاریخ اسلام، فرماندهانی وجود داشته‌اند که واجد این صفات متعالی بوده‌اند. از جمله در دوران دفاع مقدس هشت ساله کشور نیز شاهد فرماندهان گرانقدری بودیم که ویژگی‌های مزبور در آنان نمود فراوانی داشت.

(۱) - آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.

(۲) - نهج البلاغه، نامه ۵۳.

جهاد در قرآن، ص: ۸۶

ویژگی‌های فرمانبران

رزمندگان تحت امر فرماندهان - علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های عمومی - وظایفی نیز نسبت به فرماندهان خود بر عهده دارند که ایفای آن وظایف مستلزم داشتن ویژگی‌های خاصی است. در این جا به تعدادی از آن ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- اطاعت و فرمانبری: از آن جا که در جبهه اسلام، فرماندهی کل در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام معصوم علیه السلام یا نایبان خاص یا عام ایشان می‌باشد، همه نیروهای تحت امر، اطاعت و فرمانبری از فرمانده را وظیفه شرعی خود دانسته و بدین سبب هیچ گونه کوتاهی روا نمی‌دارند. اینان اطاعت از فرماندهان را عبادت محسوب می‌کنند و به همین دلیل در فرمانبری بیشتر از هم سبقت می‌گیرند.

قرآن مجید، اطاعت از فرماندهی را از خصوصیات مؤمنان واقعی دانسته می‌فرماید:

«أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ...» (۱)

مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی اجازه او جایی نمی‌روند.

این آیه شریفه درباره جنگ نازل شده و منظور از «امر جامع» نیز جبهه و جنگ است. «۲» مؤمنان خالص در صدر اسلام به این ویژگی آراسته شده و اطاعت بی قید و شرط خود را نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله ابراز می‌کردند. سعد بن معاذ پس از نظرخواهی پیامبر صلی الله علیه و آله از اصحاب در مورد رویارویی با کفار در جنگ بدر، عرضه داشت: «ای پیامبر خدا، قسم به خدایی که تو را مبعوث نموده است، اگر به دریا وارد شوی ما نیز به همراه تو به آن

(۱) - نور (۲۴)، آیه ۶۲.

(۲) - برخی از مفسران، شأن نزول آن را جنگ اُحُد و برخی، جنگ احزاب ذکر کرده‌اند. (ر. ک. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۶۱-۵۶۲)

جهاد در قرآن، ص: ۸۷

وارد می‌شویم.» (۱)

نمونه دیگر از این مردان الهی، حجر بن عدی بود که به فرماندهاش، امیر مؤمنان علیه السلام عرض کرد:

ما فرزندان جنگیم. تجربه جنگی فراوان داریم و نیز قوم و عشیره‌ای داریم که همه گوش به فرمان شما هستند. اگر به شرق یا غرب بروی، در پی تو می‌آییم و در اجرای هر دستور شما آماده‌ایم. «۲»

هر چند در بین نیروهای نظامی غیرمسلمان نیز اطاعت از فرماندهی وجود دارد، اما تفاوت آن با نیروهای اسلام در این است که در ارتش اسلام، این عمل به قصد عبادت و اخلاص انجام می‌گیرد، در حالی که در آن ارتشها، چنین انگیزه و نیتی در کار نبوده و معمولاً انگیزه ملی یا شغلی و یا جبر حاکم آنها را مجبور به اطاعت از فرماندهی می‌کند.

۲- عشق به فرمانده: نیروهای مسلمان، علاوه بر اطاعت، نسبت به فرماندهان خود عشق می‌ورزند و ایشان را از صمیم دل دوست می‌دارند. در مسائل فردی و آن جا که وظیفه‌ای بر دوش این فرمانبران نیست، باز ایثار نموده و علاقه و محبتشان سبب می‌شود که صحنه‌های زیبایی از صفا و صمیمیت و عشق به فرمانده از خود بر جای گذارند. به عنوان نمونه:

هنگامی که لشکر اسلام به سوی منطقه تبوک پیش می‌رفت، ابوذر سه روز از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله عقب ماند و در این سه روز، کسی از وی خبر نداشت؛ تا اینکه روز سوم، هنگام ظهر، لشکریان اسلام، از دور مرد پیاده‌ای را دیدند که با قامتی خمیده و خسته، افتان و خیزان به سوی آنها می‌آید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این باید ابوذر باشد. حدس پیامبر درست بود. لحظاتی بعد ابوذر نمودار شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را سیراب کنید که تشنه است. ابوذر مشک خویش را که آب زلال و

گوارایی در آن بود خدمت پیامبر آورد تا از آن بنوشد. حضرت پرسید: تو که آب داشتی، چرا تشنه ماندی؟ ابوذر پاسخ داد: وقتی از شما عقب ماندم، در بیابان به سنگی رسیدم که آب خنک و گوارایی در آن گرد آمده بود،

(۱) - مغازی، واقدی، ج ۱، ص ۴۹.

(۲) - اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۵۷۲.

جهاد در قرآن، ص: ۸۸

آن را در مشک ریختم و با خود عهد کردم که از آن نوشم تا محبوبم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آن بنوشد. حضرت در حق او دعا کرد. «۱»

در صححه عاشورا نیز نمونه بارز آن، نخوردن آب و تحمل تشنگی حضرت ابوالفضل علیه السلام در کنار شط فرات بود، به طوری که با وجود دسترسی به آب و عطش فراوان به دلیل تشنگی امام و فرزندان آن حضرت از نوشیدن آب صرف نظر کرد.

نمونه دیگری از عشق به فرمانده در حماسه عاشورا، سخنان یاران آن حضرت در وفاداری نسبت به ایشان بود. آنان پس از شنیدن سخنان مقتدا و رهبر خویش که به ایشان اجازه رفتن از میدان کربلا را داد، سخنان پرشوری که حکایت از عمق وفاداریشان نسبت به حضرت داشت، بر زبان راندند. به عنوان مثال مسلم بن عوسجه در بخشی از سخنانش اظهار داشت:

به خدا سوگند! اگر بدانم که کشته می شوم، پس از آن زنده می شوم و سپس زنده سوزانده شده و (خاکستر) پراکنده می شود و این عمل هفتاد بار با من انجام شود، از تو جدا نخواهم شد، تا اینکه مرگ را در راه تو ملاقات کنم و چگونه این گونه عمل نکنم، در حالی که یک کشته شدن و سپس کرامت ابدی در پی آن است. «۲»

زهیر بن قین نیز برخاست و گفت:

به خدا قسم! دوست داشتم کشته می شدم سپس زنده شده، بار دیگر کشته می شدم تا هزار بار و خداوند با کشته شدن من، کشته شدن را از جان تو و جوانان اهل بیت تو دفع می کرد. «۳»

۳- نصیحت و خیرخواهی: فرمانبران ارتش اسلام، در حضور و غیبت فرماندهان خود، خیرخواه آنان هستند و هیچ گاه مطلبی را که به صلاح جبهه اسلام است، از فرمانده خود پنهان نمی کنند و اطلاعات و خبرهای خویش را در اختیار او می گذارند و از صمیم دل و تا آخرین لحظه برای تقویت جبهه خودی می کوشند.

(۱) - بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۲۱۵-۲۱۶.

(۲) - همان، ج ۴۴، ص ۳۹۳.

(۳) - همان.

جهاد در قرآن، ص: ۸۹

نمونه بارز این گونه افراد، سعد بن ربیع، از یاران با وفای پیامبر بود. او با اینکه در میدان جنگ احد با دوازده زخم بر روی زمین افتاده بود، دیگران را به جهاد در راه نشر آیین خدا ترغیب و تشویق می کرد. پس از خاموش شدن آتش جنگ، زید بن ثابت به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور شد تا از سعد خبری بیاورد. او سعد را در میان کشتگان یافت که هنوز رمقی در بدن داشت. بدو گفت: پیامبر مرا به جست و جوی تو مأمور کرده، سعد گفت:

سلام مرا به پیامبر صلی الله علیه و آله برسان و بگو: چند لحظه بیشتر از زندگی سعد باقی نمانده است و خداوند به تو ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بهترین پاداش را که سزاوار یک پیامبر است، بدهد؛ و به انصار و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سلام مرا

برسان و بگو: هر گاه به پیامبر صلی الله علیه و آله آسیبی برسد و شما زنده باشید، هرگز در پیشگاه خداوند معذور نخواهید بود. هنوز فرستاده پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار سعد دور نشده بود که روحش به ملکوت اعلی پرواز کرد. «۱»

در حماسه عاشورا نیز وقتی مسلم بن عوسجه با زخمهای فراوان بر زمین افتاده بود، حبیب بن مظاهر بر بالینش حاضر شد و اظهار علاقه نمود که اگر می‌توانست دلش می‌خواست به همه وصایای او عمل کند، مسلم گفت: تو را سفارش می‌کنم به (حمایت از) این شخص؛ و اشاره به امام حسین علیه السلام نمود. (سپس گفت): در رکاب او بجنگ، تا اینکه به شهادت برسی. «۲»

گفتنی است که گذشته از رزمندگان، خیرخواهی نسبت به فرماندهان سپاه اسلام وظیفه تمام افرادی است که به هر دلیل در جبهه حضور پیدا نمی‌کنند. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«لَيْسَ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» «۳»

بر ضعیفان و بیماران و آنها که وسیله‌ای برای انفاق (در راه جهاد) ندارند، ایرادی

(۱) - السیره النبویه، ابن هشام، ج ۲، ص ۹۵.

(۲) - بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۰.

(۳) - توبه (۹)، آیه ۹۱.

جهاد در قرآن، ص: ۹۰

نیست (که در میدان جنگ شرکت نجویند). هر گاه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند (و از آنچه در توان دارند، مضایقه نمایند)، بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است!

۴- فداکاری: از دیگر ویژگی‌های مجاهدان راه خدا، فداکاری نسبت به فرمانده و هم‌زمان خویش است. آنان به دلیل اخلاصی که بر اعمال و روحیاتشان حاکم است، از فداکاری و ایثار کوتاهی ننموده توفیق انجام آن را فیضی بزرگ می‌شمارند. سرگذشتهای فراوانی در این زمینه در تاریخ اسلام وجود دارد که حاکی از عظمت روحی و فداکاری والای رزمندگان اسلام می‌باشند.

در جنگ احد هنگامی که لشکر اسلام شکست خورد و گروهی پا به فرار گذاشتند، گروهی نیز با فداکاری تمام در صحنه مانده و با ایثار جان، از پیامبر صلی الله علیه و آله محافظت می‌کردند. حضرت علی علیه السلام در رأس این گروه بود که با وجود هفتاد زخم از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع می‌کرد. او به قدری در فداکاری پافشاری نمود که شمشیرش شکست و پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر خود «ذوالفقار» را به آن حضرت داد. «۱»

ابودجانه، افسر فداکار دیگری بود که پس از امیرمؤمنان علیه السلام از جان پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع می‌کرد و خود را سپر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد. تیرها بر او می‌نشست و او باز هم از وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله حراست می‌کرد. «۲»

فداکاری چند شهید تشنه لب در جنگ احد، که هر یک با وجود عطش فراوان سفارش می‌کردند که آب را به دیگری بدهند. از نمونه‌های فداکاری و ایثار فراوان رزمندگان اسلام در صدر اسلام به شمار می‌رود.

در روز عاشورا نیز عده‌ای از اصحاب فداکار امام حسین علیه السلام سینه خود را سپر تیرها قرار دادند تا اینکه حضرت بتواند نماز ظهر و عصر را به جماعت بخواند.

نمونه‌های ایثار و فداکاری رزمندگان اسلام در طول جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران نیز بسیار زیاد است و هر رزمنده نمونه‌های فراوانی از آن را در خاطر دارد.

(۱) - فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۷۵.

(۲) - همان، ص ۴۷۶.

جهاد در قرآن، ص: ۹۱

فصل پنجم عوامل پیروزی و شکست

عوامل پیروزی

اشاره

عوامل پیروزی در جنگ رامی توان به دو نوع مادی و معنوی تقسیم کرد.

الف - عوامل مادی

از عوامل مادی مؤثر در پیروزی یک نیروی نظامی را می‌توان آمادگی رزمی، امکانات و ادوات جنگی و تداوم آموزشهای رزمی و تخصصی دانست. در تهیه و تکمیل این موارد می‌توان از دستور قرآنی «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسِيْتَعْتُم مِّنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» بهره گرفت.

همچنین می‌توان بیقین دانست که قرآن با بیان این دستور، تدارک همه عوامل مادی در جنگ را در نظر داشته است. مسلمانان برای به دست آوردن عوامل مادی پیروزی و برای انجام وظیفه‌ای که بر دوش آنان است، از یک سو باید همه علوم و فنون جنگی را بیاموزند و ورزیدگی نظامی خویش را روز به روز افزایش دهند. از سوی دیگر، باید پیشرفته‌ترین سلاحها را نیز در حد وسع خویش تهیه کنند، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز چنین سیره‌ای داشت «۱» و خردمندان و کارشناسان امور نظامی نیز نظری جز این نخواهند داشت. همین طور نیروی انسانی کافی از ارکان نخستین جنگ است که هیچ گونه شبهه‌ای در تهیه و تربیت آنان وجود ندارد و متصدیان امور نظامی نیز بطور دقیق چه از لحاظ کمی و کیفی به این عوامل توجه دارند و برای پیشبرد و پیروزی از تمام عوامل مؤثر بهره می‌گیرند.

(۱) - ر. ک بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۶۹.

جهاد در قرآن، ص: ۹۲

ب - عوامل معنوی

آنچه در اینجا باید بیشتر به آن پرداخته شود، عوامل معنوی پیروزی است که با استعانت از خدا، به شرح آنها می‌پردازیم:

۱- فهم و بینش عمیق: رزمنده‌ای که با داشتن اعتقادات صحیح و اصولی به مصاف دشمن می‌رود، خداوند را تنها خالق جهان هستی می‌شناسد که بر همه موجودات و آشکار و نهان جهان خلقت احاطه دارد و خود را یاور مؤمنان و دشمن کافران معرفی کرده است. چنین شخصی، دنیا را منزلگه موقت و آخرت را سرای جاویدان می‌داند، شهادت را فوز عظیم و جهاد در راه خدا را عملی محبوب نزد حضرت حق تلقی می‌کند، پیروزی را در انحصار خدای متعال دانسته و نتیجه ظاهری جنگ اعم از پیروزی و شکست، او را به غرور و یأس نمی‌کشاند و از انجام وظیفه باز نمی‌دارد. انسانی با این تفکر، چون کوهی می‌گردد که در برابر حوادث و

ناملایمات جنگ، ثبات قدم را از دست نمی‌دهد و تا پایان کار در راه هدف، استقامت می‌ورزد. واضح است که چنین اشخاصی در مقایسه با افرادی که مرگ خود را در دنیا، بر باد رفتن همه هستی خود می‌دانند بسیار مقاومتر و در نتیجه به پیروزی نزدیکترند. قرآن مجید نیز علت شکست نیروهای کافر در برابر مؤمنان صابر را همین عدم درک صحیح آنان از مسائل مربوط به جهان خلقت می‌داند و می‌فرماید:

«... بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (۱)

(علت پیروزی مؤمنان بر کافران) به این سبب است که آنان (کافران) گروهی هستند که نمی‌فهمند!

با مقایسه صفات مؤمنان با صفات کافران می‌توان دریافت که عامل پیروزی مؤمنان بینش و فهم صحیح و عمیق از جهان هستی و واقعیت‌های آن است.

۲- صبر و پایداری: خداوند متعال ضمن دستوراتی که به مبارزان جنگ بدر می‌دهد، به دو دستور در زمینه صبر اشاره کرده می‌فرماید:

(۱) - انفال (۸)، آیه ۶۵.

جهاد در قرآن، ص: ۹۳

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاغْلِبُوا...» (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می‌شوید، ثابت قدم باشید.

و در آیه بعد نیز چنین توصیه می‌کند که «وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

«ثبات» از نظر لغوی معنایی وسیع‌تر از معنای «صبر» دارد. اما در این جا، منظور فرار نکردن از مقابل دشمن است، یعنی تأکید بر همان مطلبی که در آیه دیگر این سوره آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ» (۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد رو به رو می‌شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار ننمایید)!

علت پیروزی نیروی اندک مسلمانان بر نیروهای بسیار مشرکان و کفار نیز همین صبر مسلمانان عنوان شده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» (۳)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند.

البته صبری که در این جا عامل پیروزی قلمداد می‌شود همان صبری است که ناشی از بینش عمیق رزمندگان باشد و مراتب این پیروزی بستگی به مراتب ایمان و صبر دارد، چنانکه بعد از همین آیات، گوشزد می‌کند که به دلیل تنزل روحیه قوی رزمندگان، پیروزی یک بر ده مؤمنان بر کافران به پیروزی یک بر دو تنزل پیدا کرده است و علت این

(۱) - انفال (۸)، آیه ۴۵.

(۲) - همان، آیه ۱۵.

(۳) - همان، آیه ۶۵.

جهاد در قرآن، ص: ۹۴

امر را ضعف ایمان می‌داند که بدان دچار گشته‌اند «۱» و گرنه روز به روز بر جمعیت ظاهری لشکر اسلام افزوده می‌شد و با به دست آوردن غنایم، دارای تسلیحات بیشتری می‌شدند.

همراه بودن دو عنصر صبر و پیروزی یکی از سنتهای الهی است که در مورد اقوام گذشته نیز جاری بوده است؛ به طوری که پیروزی قوم بنی‌اسرائیل بر فرعونیان به خاطر صبر و استقامت آنان بوده است:

«وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا» «۲»

و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به خاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت.

و این سنت دائمی است که قرآن از زبان مؤمنان لشکر طالوت نقل می‌کند:

«قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» «۳»

آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروههای کوچکی که به فرمان خدا، بر گروههای عظیمی پیروز شدند» و خداوند با صابران است.

۳- یاد خدا: ذکر و یاد خدا دستور دیگری است که قرآن مجید به مؤمنان مجاهد در میدان جنگ توصیه نموده است تا جهت رستگاری خود ذکر خدا را همواره بر دل و زبان بگذرانند:

«... وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» «۴»

(۱) - انفال (۸)، آیه ۶۶.

(۲) - اعراف (۷)، آیه ۱۳۷.

(۳) - بقره (۲)، آیه ۲۴۹.

(۴) - انفال (۸)، آیه ۴۵.

جهاد در قرآن، ص: ۹۵

و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید!

ذکر خدا، مؤمنان را به قدرت بی‌نهایت الهی متوجه می‌گرداند و توجه به این منبع پایان ناپذیر، سبب تقویت روحیه و ثبات قدم بیشتر مؤمنان و در نتیجه پیروزی آنان می‌گردد.

ممکن است مراد از یاد خدا در میدان جنگ، به یاد آوردن معارف الهی باشد که با روح کمک طلبی یک مجاهد در میدان نبرد سازگار است. علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌نویسد:

«... منظور از «ادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا» این است که مؤمن متذکر آن معارفی باشد که مربوط به این شأن و این حالت است و آن این است که خدای تعالی معبود و پروردگار اوست و آن کسی است که مرگ و حیات به دست اوست و می‌تواند مؤمن را در این حال یاری کند و سرپرست اوست و چه سرپرست و یاور خوبی است. چنین کسی با این که پروردگارش وعده نصرت داده و فرموده: «انْ تَنْصِرُوا اللَّهَ يَنْصِرْكُمْ وَ يَثْبُتْ اَقْدَامَكُمْ» و می‌داند که خداوند اجر کسی را که عمل نیکی انجام دهد ضایع نمی‌کند، یقیناً به نصرت پروردگارش اطمینان داشته و می‌داند که سرانجام کارش به یکی از دو وجه است که هر دو نیک است، چون یا بر دشمن غلبه پیدا می‌کند که در این صورت رایت دین را بلند کرده و محیط را برای سعادت مند شدن خود و دیگران مساعد کرده است و یا کشته می‌شود که در این فرض به جوار اولیای مقرب درگاه پروردگارش شتافته است. این گونه معارف حقیقی است که مربوط به حالت یک نفر مجاهد است و سرانجامش را به سعادت واقعی و کرامت دائمی منتهی می‌کند.» «۱»

از دیگر نتایج مفید و مؤثر یاد خدا در جنگ، از یاد بردن مظاهر دنیا و جلوه‌های رنگارنگ آن است؛ مظاهری که سبب سست شدن

مبارزان در جنگ می‌شود.

۴- اطاعت از فرماندهی: قرآن مجید یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیروزی به هنگام جنگ را اطاعت از خدا و رسول معرفی کرده و بارها به این عامل مهم تأکید ورزیده

(۱)- ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۲۵.

جهاد در قرآن، ص: ۹۶

است «۱» و از مؤمنان مجاهد خواسته که گوش به فرامین الهی داشته باشند و از دستورات پیامبر گرامی اسلام که فرماندهی جنگ را نیز به عهده داشت، متابعت و پیروی نمایند.

اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که توجه کنیم که این دستور در طی یک سوره (انفال که درباره جنگ بدر نازل گشت) سه مرتبه تکرار شده است. «۲»

۵- اتحاد و وحدت کلمه: اتحاد و وحدت بین نیروهای نظامی، سبب تقویت روحیه آنها و هماهنگی بیشتر آنان می‌شود. این عوامل همچنین سبب ایجاد وحشت در بین دشمن خواهد گردید. یکدلی و صمیمیت بین نیروهای نظامی کار فرمانده را آسانتر نموده، موجب تسهیل در اجرای امور دشوار و سخت می‌گردد.

قرآن مجید در توصیف مجاهدان مؤمن به ویژگی انضباط و اتحاد آنان اشاره نموده آنان را چون بنیانی محکم در برابر دشمن دانسته است:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ» «۳»

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند، گویی بنایی آهنین هستند.

قرآن باز هم در همین زمینه آنان را از تفرقه و اختلاف بر حذر داشته می‌فرماید:

«وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» «۴»

و نزاع نکنید تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود.

کلمه ریح به طوری که گفته شده، به معنای عزت و دولت است؛ راغب اصفهانی نیز گفته که: کلمه «ریح» در آیه به معنای غلبه است «۵» و وجه این استعاره و تشبیه آن است که باد به هر چه بوزد آن را به حرکت درآورده و از جای می‌کند و با خود می‌برد؛ غلبه بر

(۱)- انفال (۸)، آیه ۴۶.

(۲)- همان، آیات ۱، ۲۰ و ۴۹.

(۳)- صف (۶۱)، آیه ۴.

(۴)- انفال (۸)، آیه ۴۶.

(۵)- مفردات، راغب اصفهانی، واژه «روح».

جهاد در قرآن، ص: ۹۷

دشمن نیز همین خاصیت را دارد. «۱»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تقویت اتحاد روحی بین رزمندگان، خواستار اتحاد ظاهری آنان نیز بود و آنان را از تفرقه برحذر میداشت: در یکی از سفرها، آن حضرت در بین راه منزل کرد. مسلمانان در درّه‌ها و شکاف کوهها پراکنده شدند. پیامبر

فرمود: «أَمَّا ذَلِكُمْ مِنَ الشَّيْطَانِ» این تفرقه و پراکندگی شما از شیطان است. (۲)

امدادهای غیبی در جنگ

اشاره

امداد به معنای یاری رسانی است و معنای این ترکیب، یاری رساندن پنهانی است که از سوی خدا صورت می‌گیرد و یکی از عوامل مهم در پیروزی مسلمانان محسوب می‌گردد.

در آیاتی از قرآن مجید، نمونه‌هایی از امدادهای غیبی الهی که در طول تاریخ، به ویژه تاریخ صدر اسلام متوجه مجاهدان شده، بیان گردیده است.

امدادهای الهی در شکل‌های گوناگون برای مجاهدان محقق شده و می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- ایجاد ترس در دل دشمن: کسانی که با صحنه و میدان نبرد آشنایی داشته باشند، می‌دانند که برخورداری جنگجویان از روحیه‌ای جسور و بی‌باک، یکی از مهمترین عوامل پیروزی است. خداوند به منظور یاری رساندن به مؤمنان، خود عامل تهوّر و بی‌باکی را از دست دشمنان گرفته، به جای آن ترس و رعب از قدرت مسلمانان را در دل آنان می‌افکند؛ آن طور که در جنگ‌های گوناگون صدر اسلام چنین بود. خداوند در آیات مربوط به اولین جنگ اسلام و کفر یعنی جنگ بدر می‌فرماید:

«سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ...» (۳)

(۱) - ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۲۴.

(۲) - سنن ابی داوود، ج ۳، ص ۴۱، البته گاهی پراکندگی خودش یک تاکتیک و لازم است که از محل بحث خارج می‌باشد.

(۳) - انفال (۸)، آیه ۱۲.

جهاد در قرآن، ص: ۹۸

به زودی ترس و هراس در دل‌های کافران می‌اندازم.

پیروزی مسلمانان به واسطه القای ترس در دل دشمنان به قدری زیاد و حائز اهمیت بود که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آن را، یکی از امتیازات الهی منحصر به خویشان می‌دانست و می‌فرمود:

«أَعْطِيْتُ خَمْسًا لَمْ يُعْطِهَا أَحَدٌ قَبْلِي ... وَ نَصِرْتُ بِالرُّعْبِ ...» (۱)

پنج چیز به من داده شده که به هیچ کس قبل از من داده نشده است ... (یکی از آنها اینکه) به وسیله رعب یاری شده‌ام.

۲- یاری فرشتگان: نوع دیگر امداد الهی، توسط فرشتگان انجام می‌گیرد؛ بدین معنا که خداوند ملائکه را برای امداد مسلمانان می‌فرستد تا با تقویت روحیه مؤمنان و زیاد نشان دادن آنان در چشم دشمنان، پیروزی آنان بر مشرکان را سرعت بخشند. قرآن مجید پیرامون این امداد غیبی در جنگ بدر می‌فرماید:

«إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ» (۲)

در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار از فرشتگان، که (از آسمان) فرود می‌آیند، یاری کند؟!»

۳- ایجاد آرامش در دل مجاهدان: از آنجا که عواملی چون ترس و تردید در هدف، موجب تضعیف و تخریب روحیه مجاهدان است، خداوند متعال نه تنها این عوامل را از دل رزمندگان خارج می‌سازد، بلکه سکینه و آرامش خویش را جایگزین آن می‌کند.

در جریان «صلح حدیبیه» مسلمانان در شرایط دشواری قرار داشتند که این شرایط موجب ایجاد تزلزل در دل‌های افراد سست ایمان می‌شد. از طرفی پیامبر صلی الله علیه و آله ورود به مسجد الحرام را بشارت داده بود که آنان وارد نشدند؛ و از طرف دیگر، مُحَرَّم به مناسک

(۱) - بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۸.

(۲) - آل عمران (۳)، آیه ۱۲۴.

جهاد در قرآن، ص: ۹۹

عمره شده بودند و دشمن مانع انجام مناسک آنان شد و مجبور شدند با ذبح قربانی از احرام خارج شوند. همچنین پذیرفتن پاره‌ای از مفاد صلحنامه برای آنان سنگین بود. این جا بود که خداوند، سکینه خویش را بر دل‌های آنان نازل کرد و فرمود:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ...» (۱)

او کسی است که آرامش را بر دل‌های مؤمنان نازل کرد.

سکینه از ماده سکون و به معنای آرامش و اطمینانی است که هر گونه شک و تردید و وحشت را از انسان می‌زداید و او را در طوفان حوادث ثابت قدم می‌دارد.

همچنین در جنگ حنین که بسیاری از مسلمانان پا به فرار گذاشتند، نزول سکینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان حقیقی از امدادهای الهی و در کنار دیگر امدادهای غیبی عنوان شده است:

«ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ...» (۲)

سپس خداوند سکینه خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.

۴- یاری با عوامل طبیعی: از آنجا که عملکرد همه چیز از جمله عوامل طبیعی، به دست قدرت مطلقه الهی است، خداوند در برخی مواقع این عوامل را به نفع مسلمانان و علیه کفار به کار می‌گیرد. برای مثال، در جنگ بدر با فرو فرستادن باران برای مسلمانان و

خواب آرام بخش، موجب تقویت مادی و معنوی و طهارت جسمی آنان شد. قرآن در این باره می‌فرماید:

«إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمْنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مِائًا لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ» (۳)

و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را

(۱) - فتح (۴۸)، آیه ۴.

(۲) - توبه (۹)، آیه ۲۶. البته برخی از مفسران، نزول سکینه در جنگ حنین را مختص کسانی می‌دانند که با پیامبر (ص) استقامت کردند. (مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۲۸)

(۳) - انفال (۸)، آیه ۱۱.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۰

جهاد در قرآن ۱۳۵

فرا گرفت؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دل‌هایتان را محکم، و گام‌ها را با آن استوار دارد!

در جنگ حزاب نیز یکی از عوامل پیروزی، طوفانی بود که به سوی دشمن وزیدن گرفت:

«فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ...» (۱)

ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم.

فلسفه امدادهای غیبی

۱- بشارت و تشویق مجاهدان.

۲- ایجاد اطمینان خاطر و تقویت روحیه مجاهدان. قرآن مجید درباره موارد مزبور می‌فرماید:

«وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ...» (۲)

اینها (امدادهای غیبی) را خداوند فقط برای بشارت و برای اطمینان خاطر شما قرار داده است.

۳- انهدام و شکست دشمن. قرآن در این مورد نیز می‌فرماید:

«لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ» (۳)

(این وعده را که خدا به شما داده)، برای این است که قسمتی از پیکر لشکر کافران را قطع کند؛ یا آنها را با ذلت برگرداند، تا مأیوس و ناامید (به وطن خود) باز گردند.

۴- افزودن به ایمان مؤمنان.

«... لِيُزِدُوا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ» (۴)

(۱) - احزاب (۳۳)، آیه ۹.

(۲) - آل عمران (۳)، آیه ۱۲۶.

(۳) - همان، آیه ۱۲۷.

(۴) - فتح (۴۸)، آیه ۴.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۱

تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند.

قانونمندی امدادهای غیبی

نزول امدادهای غیبی از طرف پروردگار جهانیان همچون دیگر سنن الهی، تابع شرایط و ضوابط خاصی است که قابل تخلف نیست؛ بدین معنا که این امدادها، ویژه گروه خاص و یا مسلمانان صدر اسلام نبوده است، بلکه هر گروه از مؤمنان که شرایط آن را در خود به وجود آورند، استحقاق دریافت آن را خواهند یافت.

آیاتی از قرآن مجید این قانونمندی را به صورت کلی مورد اشاره قرار داده است. به عنوان نمونه، یاری دین الهی را سبب یاری مؤمنان معرفی کرده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر (آیین) خدا را یاری کنید، (خدا) شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد!

و در آیه دیگر همین معنا را با تأکید بیشتر آورده است:

«... وَلِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (۲)

و خداوند حتماً کسانی را که یاری او کنند (و از آیین او دفاع نمایند) یاری می‌کند.

گاهی نیز توکل را شرط حمایت و کفایت خداوند از مؤمنان دانسته است:

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...» (۳)

و هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می‌کند.

این توکل می‌تواند مربوط به فرد یا اجتماع باشد؛ به طوری که اگر همه مجاهدانی که در راه خدا جهاد می‌کنند، بر او توکل نمایند، از راههای عادی و غیبی مورد عنایت الهی

(۱) - محمد (۴۷)، آیه ۷.

(۲) - حج (۲۲)، آیه ۴۰.

(۳) - طلاق (۶۵)، آیه ۳.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۲

قرار می‌گیرند و بدین وسیله آنان را از شر دشمنان در امان نگه می‌دارد.

در بعضی از آیات نیز به صراحت نقش عوامل دیگری را در قانونمندی امدادهای الهی یادآور می‌شود. برای مثال در آیه ۱۲۵ سوره آل‌عمران، صبر و تقوا را شرط نزول امدادهای الهی ذکر کرده است.

از آیه دیگری نیز بر می‌آید که دعا و استغاثه در درگاه خداوند نیز سبب نزول امدادهای غیبی می‌گردد:

«اذ تَسْتَعِينُونَ رَبُّكُمْ فَأَسْتَجِبْ لَكُمْ انى مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنْ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ» (۱)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که (از شدت ناراحتی در میدان بدر) از پروردگارتان کمک می‌خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت و (گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم.

در تفسیر این آیه آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از وقوع درگیری در جنگ بدر به درگاه الهی استغاثه فراوانی کرد؛ جمع مسلمانان نیز به راز و نیاز پرداختند. (۲)

حضرت علی علیه السلام، ضمن تشویق لشکریانش به جهاد، به مسأله امدادهای الهی اشاره نموده رمز آن را چنین بیان می‌دارد:

«وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) ... فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا انزَلَ بَعْدُ وَنَا الْكِبْتَ وَانزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ...» (۳)

در رکاب پیامبر خدا بودیم ... هنگامی که خداوند راستی و اخلاص ما را دید، خواری و ذلت را بر دشمنان ما نازل ساخت و نصرت و پیروزی را به ما عنایت کرد.

تعبیر به «صدق» در این عبارت می‌تواند حاکی از ایمان، پایداری، توکل، صبر و همه صفات شایسته و شرایط لازم برای مجاهدان راه خدا باشد. اگر مجاهدان، با صداقت باشند، مورد تکریم الهی قرار می‌گیرند و اگر در امر دینشان سست شوند و صداقت در

(۱) - انفال (۸)، آیه ۹.

(۲) - ر. ک. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۲۱.

(۳) - نهج البلاغه، خطبه ۵۵.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۳

گفتار و راستی در رفتار را از دست بدهند، نباید انتظار امدادهای غیبی را داشته باشند، چنانکه حضرت در جای دیگر هشدار داده می‌فرماید:

و این را مسلم بدانید که اگر جز اسلام به چیزی پناه برید، کافران با شما پیکار خواهند کرد و دیگر از نصرت جبرائیل و میکائیل و

مهاجران و انصار خبری نخواهد بود و تنها شما می‌مانید و شمشیرها؛ تا آن که خداوند در کارت‌ان داوری کند. «۱» از مجموع آیات و روایات یاد شده برمی‌آید، که اخلاص در نیت و عملکرد صحیح و اصولی مؤمنان راه خدا، زمینه نزول امدادهای غیبی را فراهم می‌آورد و روشن است که هر چه این علل و زمینه‌ها قوی‌تر و آماده‌تر باشد، کمکهای غیبی نیز وسیع‌تر و کارآمدتر خواهد بود؛ چنانکه ملت مسلمان و انقلابی ایران نیز در طول مبارزات، دوران انقلاب و دوران دفاع مقدس به طور مکرر مشمول این قانون الهی و الطاف ربوبی گشته و از امدادهای پیدا و پنهان او برخوردار شده‌اند.

عوامل شکست

اشاره

از قرآن مجید به دست می‌آید که عوامل شکست، ریشه در اعمال و رفتار خود انسانها دارد. «ما اصابك مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ ما اصابك مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ» «۲» آنچه نیکی به تو می‌رسد، از طرف خداست؛ و آنچه بدی به تو می‌رسد، از سوی خود توست. مراد از حسنه و سیئه در آیه فوق، پیروزی و شکست است و آیه در صدد پاسخگویی به کسانی است که شکست را به غیر خود نسبت داده و منشأ آن را در جای دیگر جست‌وجو می‌کنند. «۳»

(۱) - نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

(۲) - نساء (۴)، آیه ۷۹.

(۳) - ر. ک. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۰ - ۲۱.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۴

بنابراین، بر مجاهدان مسلمان لازم است که پس از هر شکست و ناکامی به ارزیابی عملکرد خویش بپردازند و با به دست آوردن نقاط ضعف و نارساییهای خویش، به جبران آن همت گمارند، نه اینکه با نسبت دادن شکست به خدا یا دیگران از اصلاح عیوب خویش غافل شده و باز از همان طریق دچار ضربه و شکست شوند.

عوامل شکست نیز در دو بُعد مادی و معنوی، قابل بررسی است. از عوامل مادی شکست همانند عوامل مادی پیروزی در بخش نظامی بحث می‌شود. در این جا به مهمترین عوامل معنوی شکست اشاره می‌کنیم:

۱- عدم بینش صحیح

نداشتن شناخت صحیح و اصولی از مبدأ قدرت در جهان هستی و عدم توکل بر آن منبع لایزال، سبب تزلزل در روحیه و اضطراب نفس و ... می‌شود. همچنین زمانی که انسان مخیر است از بین دنیا و آخرت، یکی را انتخاب کند، در تردید و دودلی باقی می‌ماند و در نتیجه باعث می‌شود تا تصمیمات سست و بی‌پایه‌ای اتخاذ کند؛ از سوی دیگر، پس از پیروزی‌های ظاهری نیز نداشتن بینش صحیح سبب غرور و عجب می‌گردد و پیروزی را به شکست تبدیل کرده و یا بهره‌برداری صحیح از آن را به انحراف می‌کشاند و نمی‌گذارد نتایجی که باید بر آن پیروزی مترتب گردد، نصیب مبارزان شود.

۲- تفرقه

قرآن مجید، مجاهدان را از تفرقه و اختلاف نهی کرده است. به طوری که وجود تفرقه را باعث از بین رفتن قدرت و شوکت نیروهای رزمنده می‌داند. «۱»

امیرمؤمنان، علی علیه السلام، نیز بیان می‌دارد که شکست از آن کسانی است که از اتحاد و یاری یکدیگر دست برداشته‌اند. «غَلِبَ وَاللَّهِ الْمَتَّخِذُونَ» «۲»

(۱) - انفال (۸)، آیه ۴۶.

(۲) - نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۵

سوگند به خدا، مغلوبند کسانی که (برای جلوگیری از پیشروی دشمن) با یکدیگر همراهی نکردند.

۳- نافرمانی

همان گونه که اطاعت و پیروی از فرماندهی در جنگ از عوامل پیروزی محسوب می‌شود، تمرد و نافرمانی از دستور رهبران و فرماندهان جنگ نیز سبب شکست نیروهای رزمنده می‌گردد.

از امام علی علیه السلام چنین نقل شده است:

«أَفَةُ الْجُنْدِ مُخَالَفَةُ الْقَادَةِ» «۱»

آفت لشکر، مخالفت با فرمانده است.

بیشترین گلایه و شکایت حضرت علی علیه السلام از لشکریانش، عدم فرمانبرداری آنان است. به همین دلیل، آن حضرت آرزو می‌کرد که ده نفر از لشکر خود را با یک نفر از نیروهای فرمانبر لشکر معاویه معاوضه کند؛ «۲» زیرا آنان در میسر باطل خود فرمانبردار، ولی اینان در عین حق بودنشان متمرد بودند.

۴- عجب و غرور

شیوع مفاسد اخلاقی در بین نیروهای رزمنده نیز سبب تضعیف قوای معنوی و در نتیجه شکست آنان می‌گردد. یکی از این مفاسد که نقش بارزی دارد و قرآن مجید نیز به آن تصریح نموده، عجب و غرور است.

عجب و غرور سبب می‌شود که انسان از دیدن واقعیت‌ها محروم گردد و گمان می‌کند که همه شرایط و عوامل در اختیار او و به نفع اوست. انسان مغرور و خود پسند از دقت در جوانب گوناگون یک مسأله غافل شده همین امر سبب وارد آمدن ضربه به اعمال او می‌گردد. همچنین عجب باعث می‌شود تا شخص به جای تکیه بر خدا، بر خود تکیه کند

(۱) - میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۱۱.

(۲) - همان، ج ۲، ص ۸۷.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۶

و با از دست دادن تکیه گاه محکمی چون پروردگار، سقوط و انحطاط برای او حتمی و اجتناب‌ناپذیر شود.

واقعه جنگ حنین شاهدهی بر این مدعاست؛ مسلمانان با دیدن لشکریان زیاد خود، دچار غرور شدند و پیروزی نهایی را از آن خود دیدند. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ» (۱)

خداوند شما را در جاهای متعدد از جمله روز (جنگ) حنین یاری کرد؛ در آن هنگام که فزونی افرادتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به کارت‌تان نیامد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد؛ سپس پشت (به دشمن) کرده فرار نمودید! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از پیروزی‌های جنگ بدر، فتح مکه و ... سر بر سجده شکر می‌سایید و با این عمل خویش، علاوه بر شکر به درگاه الهی، در عمل نیز به رزمندگان اسلام می‌آمोخت که از عجب و غرور بپرهیزند و پیروزی‌ها را از ناحیه خداوند بدانند.

(۱) - توبه (۹)، آیه ۲۵.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۷

فصل ششم مقام و منزلت مجاهد و شهید

اشاره

در فرهنگ اسلامی «مجاهدان راه خدا» مقام و منزلت ویژه‌ای دارند که آنان را از سایر مؤمنان ممتاز می‌گرداند. در این فصل ضمن برشمردن گوشه‌ای از فضایل به پاداش آنان نیز اشاره خواهیم کرد.

مقام مجاهدان

۱- قرآن مجید، مجاهدان را به لقب «مؤمنان حقیقی» مفتخر نموده و این لقب، بیانگر عظمت مقام آنان در درگاه الهی است:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُ وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ...» (۱)

و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند.

۲- برخی از آیات نیز با صراحت به برتری مجاهدان بر قاعدین (کسانی که از انجام جهاد خودداری کرده‌اند) پرداخته و فضیلت آنان را یادآوری کرده است:

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرِ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

(۱) - انفال (۸)، آیه ۷۴.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۸

دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (۱)

(هرگز) افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند بر نشستگان از جهاد برتری مهمی بخشیده؛ و به همه وعده پاداش نیک داده؛ و مجاهدان را با پاداش عظیمی بر نشستگان برتری بخشیده است. درجاتی از ناحیه خود و آموزش و رحمت (نصیب آنان می‌گردد)؛ و (اگر لغزشهایی داشته‌اند) خداوند آمرزنده و مهربان است.

در آیه‌ای دیگر ضمن مقایسه جهادگران راه خدا با ساقیان حرم الهی و تعمیرکنندگان آن، مقام آنان را بسیار بالاتر دانسته و فرموده است: این دو گروه هرگز با هم مساوی نیستند. «۲»

۳- قرآن مجید، مجاهدانی را که همچون بنیانی محکم و استوار در راه خدا می‌جنگند، محبوبان پروردگار عالم معرفی کرده است. «۳»

۴- یکی دیگر از افتخارات این گروه آن است که مجریان اراده الهی‌اند و خداوند به دست آنان دشمنان خویش را به هلاکت و نابودی می‌رساند:

«قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ» «۴»

با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می‌کند؛ و آنان را رسوا می‌سازد؛ و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می‌بخشد.

۵- مجاهدان به مقامی رسیده‌اند که خواسته‌هایشان در درگاه الهی پذیرفته می‌شود امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

(۱)- نساء (۴)، آیات ۹۵-۹۶.

(۲)- توبه (۹)، آیه ۱۹.

(۳)- ر. ک. صف (۶۱)، آیه ۴.

(۴)- توبه (۹)، آیه ۱۴.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۹

«ثَلَاثَةٌ دَعَوْتُهُمْ مُّسْتَجَابَةٌ أَحَدُهُمُ الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ» «۱»

سه دسته‌اند که دعایشان مستجاب می‌گردد، یکی از آنها، مجاهد در راه خداست.

۶- مجاهدان، در بهشت نیز از مقام و موقعیتی خاص برخوردارند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دری از درهای بهشت را مخصوص آنان دانسته، می‌فرماید:

یکی از درهای بهشت به نام مجاهدان موسوم است که به روی آنان باز است و از آن وارد می‌شوند، درحالی که شمشیرهایشان را حمایل کرده‌اند و همه مردمی که در صحنه محشر گرد آمده‌اند و فرشتگان بر آنها آفرین می‌گویند. «۲»

مجاهدان همان‌گونه که در این دنیا پیشتازند، در سرای دیگر و در مهمانخانه الهی نیز پیشگامند؛ همان حضرت فرمود:

«الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قُودًا أَهْلِ الْجَنَّةِ» «۳»

مجاهدان راه خدا، پیشگامان اهل بهشتند.

امام خمینی قدس سره نیز با اشاره به خطبه ۲۷ نهج البلاغه که جهاد را دری از درهای بهشت می‌نامد که برای اولیای خاص الهی باز شده است، در مورد فضیلت مجاهدان می‌نویسد:

این فضیلت بزرگ در بین فضایل بی‌شماری که برای مجاهدین فی سبیل الله نقل شده بیشتر جلب توجه می‌کند. این واژه‌ها با همان معنای عرفی خود- نه اسرار الهی و عرفانی که دست ما از آنها کوتاه است- بی‌شک گفتار و نوشتار بشر عادی از بیان آنها عاجز است. این مدال الهی بر بازوان مجاهدان، چون خورشید در نزد صاحبان اسرار غیبی و ملکوتی می‌درخشد؛ مگر این جلوه همان خلعت نیست که ابراهیم خلیل الرحمن را مفتخر کرد؟ و بارقه‌ای از مقام حبیب الهی نیست که در تارک افضل موجودات می‌درخشد؟ و مگر نازله مقام ولی الهی نیست از امیر المؤمنین تا خاتم الاولیاء که به

(۱) - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۳.

(۲) - همان، ج ۱۱، ص ۵.

(۳) - همان، ص ۱۸.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۰

آن اولیاء الله مشرف شده؟ اگر هست - که هست - با چه بیان می‌توان حول آن گردید و با کدام چشم بشری می‌شود این جلوه را دید؟ پس بهتر اینکه من قاصر با تقدیم السَّلام عَلَیْكُمْ یا خَاصَّةً اَوْلِیَاءِ اللّهِ دم فرو بندم؛ و این کرامت بزرگ، برای مجاهدان فی سبیل الله است، چه شهید یا پیروز شوند یا نشوند «۱»

پاداش مجاهدان

۱- هدایت ویژه: مجاهدان مؤمن از هدایتی ویژه بهره‌مند می‌گردند که شامل دیگران نمی‌شود و گویا این اولین پاداش آنان به خاطر مجاهدتشان در راه خدا می‌باشد.

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» «۲»

و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، بدون شک، به راه‌های خود هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.

۲- آموزش گناهان: بخشیده شدن گناهان پاداش دیگری است که خداوند به مجاهدان عنایت کرده و در این باره با تأکید بیان می‌دارد که:

«لَا كُفْرَانَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» «۳»

به یقین گناهانشان را می‌بخشم!

۳- نعمت‌های بی‌پایان اخروی: خداوند متعال بهشت را به مجاهدان راه خودش ارزانی داشته، می‌فرماید:

«اعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا» «۴»

خداوند برای آنها باغهایی [بهشت فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود.

(۱) - روزنامه اطلاعات، (۵ / ۱۰ / ۶۱).

(۲) - عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹.

(۳) - آل عمران (۳)، آیه ۱۹۵.

(۴) - توبه (۹)، آیه ۸۹.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۱

در برخی از آیات نیز پاداش اخروی مجاهدان، به «رِزْقٍ حَسَنٍ» «۱» و «اَجْرٍ عَظِيمٍ» «۲» تعبیر شده است.

۴- رحمت و رضوان الهی: اعلام رضایت الهی از بندگان مجاهدش از بزرگ‌ترین پاداش‌هایی است که نصیب مجاهدان می‌گردد.

«يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» «۳»

پروردگارش آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش) و باغهایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند.

دقت در این نکته شایان توجه است که خداوند در مقام پاداش دادن به مجاهدان با فضل خویش رفتار نموده و به آنان چنین وعده داده است:

«وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۴)

و هیچ مال کوچک یا بزرگی را (در این راه) انفاق نمی‌کنند، و هیچ سرزمینی را (در رفت و بازگشت از جهاد) نمی‌پیمایند، مگر اینکه برای آنها نوشته می‌شود: تا خداوند آن را به‌عنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد.

در تفسیر فراز آخر این آیه دو گونه ابراز نظر شده است:

اول آنکه، این گونه اعمال مجاهدان (یعنی جهادشان) بهترین اعمال دوران حیات ایشان شناخته شده و خداوند، پاداش آنان را متناسب با آن می‌دهد.

دوم اینکه، پاداش بهتر و بالاتر از اعمالشان داده می‌شود و خداوند آنها را به بهتر از آن چیزی که انجام داده‌اند، پاداش می‌دهد.

(۱) - حج (۲۲)، آیه ۵۸.

(۲) - نساء (۴)، آیه ۷۴.

(۳) - توبه (۹)، آیه ۲۱.

(۴) - همان، آیه ۱۲۱.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۲

منزلت جانباز شهید

مجروحان و جانبازان جهاد نیز علاوه بر اینکه به مقام و پاداش مجاهدان راه خدا نائل می‌شوند در برخی از احادیث، مورد تجلیل جداگانه قرار گرفته‌اند. از این روایات، ضمن درک پاداش این گروه، عظمت مقامشان نیز روشن می‌شود؛ در اینجا دو حدیث به‌عنوان نمونه نقل می‌کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

کسی که در راه خدا زخم بردارد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که در پیکر او همان زخم با رنگ خون و بوی مشک آشکار است. (۱)

و در حدیث دیگر فرمود:

جبرئیل به من خبری داد که چشمم بدان روشن و دلم شاد شد؛ گفت: ای محمد! هر کس از امت تو در راه خدا جهاد کند و در این راه قطره آبی از آسمان بر او اصابت کند و یا به سر درد مبتلا شود، هر یک در روز قیامت (به رزم‌آوری او) شهادت می‌دهند. (۲)

بدیهی است که وقتی سردرد و خیس شدن در میدان جهاد چنین باشد، جراحت و نقص عضو به‌مراتب بالاتر خواهد بود.

مقام شهدا

شهدا علاوه بر اینکه مقام مجاهدان را دارا هستند، خود نیز دارای مقاماتی بس بزرگند و ما از درک مقام آنان عاجزیم. در بزرگی مقام آنان همین بس که امیر مؤمنان علیه السلام از خداوند طلب منزلت آنان را داشته و می‌فرماید:

«نَسَأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ مَعَايِشَةَ السُّعْدَاءِ وَ مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ» (۳)

(۱) - سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۸۴.

(۲) - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۷.

(۳) - نهج البلاغه، خطبه ۲۳.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۳

مرتبه‌های شهیدان و زندگی خوشبختان و همراهی پیامبران را از خداوند درخواست می‌کنیم.

در اینجا با استفاده از آیات و روایات به بیان گوشه‌ای از مقامات آنان می‌پردازیم:

۱- مرتبه بودن با پیامبران، صدیقان و صالحان: قرآن مجید در مقام بیان کسانی که به آنان نعمت داده شده شهدا را در ردیف پیامبران و صدیقین نام می‌برد:

«فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ» (۱)

آنان هم‌نشین کسانی خواهند بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده است، از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان.

۲- فاتح قله نیکی‌ها: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«فَوْقَ كُلِّ بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ» (۲)

بالا‌تر از هر نیکی، نیکی دیگری است تا اینکه مرد در راه خدا کشته شود، وقتی که در راه خدا کشته شد، بالاتر از آن نیکی‌ای وجود ندارد.

۳- ورود با عظمت به صحنه قیامت: شهیدان به سبب بلندی مقامشان وقتی وارد صحرای محشر می‌گردند همه حاضران، حتی پیامبران به آنان احترام می‌گذارند.

امیرمؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

«فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْأَنْبِيَاءُ عَلَى طَرِيقِهِمْ لَتَرَجَّلُوا لَهُمْ مِمَّا يَرَوْنَ مِنْ بَهَائِهِمْ...» (۳)

به آنکه جانم در دست اوست سوگند! اگر پیامبران هم بر سر راه آنان (شهیدان)

(۱) - نساء (۴)، آیه ۶۹.

(۲) - بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰.

(۳) - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۲.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۴

باشند، از شکوه و جلال آنان، سر پا می‌ایستند.

۴- شفاعت: شهدا در زمره کسانی هستند که در روز قیامت شفاعت می‌کنند و شفاعتشان مورد پذیرش در گاه الهی واقع می‌شود. در ادامه حدیث پیش آمده است:

«وَيَسْفَعُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَجِيرَتِهِ، حَتَّىٰ إِنَّ الْجَارَيْنِ يَخْتَصِمَانِ إِيهُمَا أَقْرَبُ»

یک نفر از شهدا، در مورد هفتاد هزار نفر از خاندان و همسایگانش شفاعت می‌کند؛ تا جایی که همسایگان در این که کدام یک به وی نزدیک‌ترند، با هم گفتگو می‌کنند.

چنان‌که یاد شد، پی بردن به مقام و منزلت شهیدان از عهده خاک‌نشینان بر نمی‌آید، امام خمینی قدس سره مقام آنان را مافوق تصور دانسته، در این باره می‌فرماید:

شهادت در راه خداوند چیزی نیست که بتوان آن را با سنجش‌های بشری و انگیزه‌های عادی ارزیابی کرد و شهید در راه حق و هدف الهی را نتوان با دیدگاه امکانی به مقام والای آن پی برد، که ارزش عظیم آن معیاری الهی و مقام والای این، دیدی ربوبی لازم دارد و نه تنها دست ما خاک‌نشینان از آن و این کوتاه است که افلاکیان نیز از راه یافتن به کنه آن عاجزند، چه که آنها از

مختصات انسان کامل است و ملکوتیان با آن مقام اسرارآمیز فاصله‌ها دارند «۱»

پاداش شهید

شهیدان راه خدا علاوه بر اینکه از همه پاداش‌هایی که مجاهدان و جانبازان دارند برخوردارند، از پاداش‌های ویژه نیز بهره‌مند می‌گردند که همه آنها در این تعبیر زیبا و عرفانی قرآن مجید نهفته است:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» «۲»

(۱) - صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۲۹.

(۲) - آل عمران (۳)، آیه ۱۶۹.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۵

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

گرچه زنده بودن همه انسان‌ها پس از این جهان (در عالم برزخ) امری قطعی است و متنعم بودن همه افراد نیکوکار در آن جهان نیز در محضر حضرت حق جل و علا صورت می‌گیرد، اما ذکر این دو ویژگی برای شهیدان نشان می‌دهد که حیات شهیدان و متنعم بودن آنان با دیگر بهشتیان متفاوت است و در مراتبی بس والاتر قرار دارد.

امام خمینی قدس سره در تبیین این حقیقت می‌فرماید:

این حیات و این روزی غیر از زندگی در بهشت و روزی در آن است. این لقاء الله و ضیافت الله می‌باشد، آیا این همان نیست که برای صاحبان نفس مطمئنه وارد است «فَمَاذُخْلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» که فرد بارز آن سید شهیدان علیه السلام است؟ اگر آن است چه مژده‌ای برای شهیدان در راه مرام امام حسین علیه السلام که همان سبیل الله است، از این بالاتر که در جنتی که آن بزرگوار شهید فی سبیل الله وارد می‌شود و در ضیافتی که آن حضرت حاضرند، به این شهیدان اجازه دخول دهند که آن غیر از ضیافت‌های بهشتی است و آنچه در وهم من و تو و شما نیاید، آن بود. «۱»

و در تعبیری حماسی و عرفانی می‌فرماید:

شهیدا شمع محفل دوستانند؛ شهیدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی وصولشان «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» اند و از نفوس مطمئنه‌ای هستند که مورد خطاب «فَمَاذُخْلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» پروردگارانند. این جا صحبت عشق است و عشق و قلم در ترسیمش بر خود می‌شکافد. «۲»

پاداش شهید از همان لحظه شهادت آغاز می‌شود و لطف و رحمت الهی او را فرامی‌گیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی به این پاداشها اشاره نموده، می‌فرماید:

(۱) - صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۲۳.

(۲) - صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۶

برای شهید هفت خصلت است:

۱- با نخستین قطره خون او (که به زمین می‌ریزد) همه گناهان او آمرزیده می‌شود.

- ۲- سرش در دامن دو همسرش که از حورالعین بهشتند، قرار می‌گیرد و آنان غبار از چهره‌اش می‌زدایند و به او آفرین می‌گویند و او نیز متقابلاً پاسخ می‌گوید.
- ۳- از لباس‌های بهشت می‌پوشد.
- ۴- مأموران بهشت با عطرهاى خوشبو از او استقبال می‌کنند و او هر یک را که بخواهد انتخاب می‌کند.
- ۵- منزل خود را در بهشت می‌بیند.
- ۶- به او گفته می‌شود در هر جای بهشت که می‌خواهی آزاد باش.
- ۷- به وجه خدا نظر می‌کند و این برای هر پیامبر و شهید مایه راحتی و آرامش است. (۱)

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۷

فصل هفتم نقش زنان در جهاد و دفاع

اشاره

همان‌گونه که در فصل‌های گذشته یادآور شدیم، دشمن‌شناسی و دارا بودن روحیه دشمن‌ستیزی از ویژگی‌های مؤمنان است و در این راه تفاوتی میان مردان و زنان با ایمان وجود ندارد. هر دو قشر در انجام وظیفه و دفاع از کیان اسلام و نظام اسلامی مسؤول بوده و باید توان خود را در راه انجام این مهم مصروف دارند؛ البته هر کدام از این دو قشر با توجه به شرایط و توانی که خداوند برای آنان قرار داده است، در برخی از امور مربوط به جهاد و دفاع، نقش برجسته‌تری را ایفا می‌کنند. در این فصل نقش زنان در جهاد و دفاع را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در مواردی به نمونه‌های تاریخی اشاره می‌کنیم. نقش زنان را در یک تقسیم کلی به دو قسم می‌توان تقسیم کرد:

الف- شرکت مستقیم

اشاره

حضور مستقیم در جبهه و درگیری رو در رو با دشمن، در جهاد ابتدایی بر زنان واجب نیست، اما در جهاد دفاعی آنان نیز همچون مردان موظف به دفاع از اسلام و حکومت اسلامی می‌باشند. دلیل این مطلب نیز آن است که دفاع در برابر تهاجم دشمن واجب عینی است که برعهده همه مکلفین اعم از زن و مرد قرار گرفته و تنها پس از این که عده‌ای در حد کفایت آن را انجام دادند از عهده دیگران ساقط می‌شود.

امام خمینی قدس سره در مورد وجوب دفاع بر همگان می‌فرماید:

اگر خدای نخواستہ زمانی یک هجومی به مملکت اسلامی بشود باید همه مردم، زن و مرد حرکت کنند. مسأله دفاع این‌طور نیست که تکلیف منحصر به مرد باشد یا

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۸

اختصاص به یک دسته‌ای داشته باشد. همه باید بروند از مملکت خود دفاع کنند. (۱)

حضور مستقیم زنان در صحنه‌های دفاع را در قالب عناوین ذیل می‌توان توضیح داد:

۱- رزم شجاعانه:

در برخی از موارد، با توجه به مقتضیات و شرایطی که به وجود می‌آید زنان نیز خود را ملزم به رزم مستقیم با دشمن می‌بینند و در این راه، چون مردان شجاع، بی‌باکانه به دشمن حمله‌ور شده و وظیفه خود در دفاع از کیان اسلام را به انجام می‌رسانند. نمونه‌هایی از این نوع در صدر اسلام و در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وقوع پیوسته است.

در نبرد احد، زنی بنام «نسیبه» به همراه شوهر و دو فرزند خود در جنگ شرکت داشت. در آغاز درگیری، او مشک آب را برداشته و به مجروحان آب می‌داد. در اوج درگیری عده‌ای از مسلمانان، پیامبر را تنها گذارده پا به فرار نهادند. در این هنگام، نسیبه برای حفاظت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله، با دشمن به نبرد پرداخت و دوازده زخم شمشیر و نیزه برداشت. «۲»

ام حارث نیز که از زنان شجاع انصار بود در جنگ حنین شرکت داشت و وقتی لشکریان حضرت صلی الله علیه و آله پا به فرار گذاشتند، او فرار نکرد و در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت و خود را سپر بالای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمود. «۳»

امّ ابان نمونه دیگری از زنان شجاع صدر اسلام بود که پس از شهادت همسرش در جنگ با رومیان، ابتدا همسر خویش را کفن کرد و سپس برای خونخواهی به مبارزه مسلحانه با کفار پرداخت. در این درگیری، علاوه بر هدف قرار دادن قاتل همسرش، تعداد دیگری از دشمن را نیز به هلاکت رساند. «۴»

۲- پرستاری از مجروحان:

از دیگر نقش‌های برجسته زنان در جنگ، پرستاری و مداوای مجروحین در جبهه می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زنان برای حضور در جبهه و

(۱)- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۱۷.

(۲)- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۱۲؛ المغازی، ج ۱، ص ۲۶۸.

(۳)- اعلام النساء، ج ۱، ص ۲۳۲.

(۴)- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۵۴.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۹

مداوای مجروحین اذن می‌داد و آنها نیز مشتاقانه در این کار شرکت می‌جستند. از جمله این زنان می‌توان از ام عطیه، معاذه غفاریه، لیالی غفاریه و ام سنان اسلمیه نام برد. «۱»

در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز، زنان فراوانی در قالب بسیج و غیر آن در این امر مشارکت داشته و تعدادی از آنها نیز به شرف شهادت رسیده و یا مجروح شده‌اند.

گفتنی است زنان در جنگ‌های صدر اسلام کارهایی برعهده داشته‌اند که با توجه به شرایط زمان ما، این امور بر عهده مردان قرار می‌گیرد. این گونه کارها عبارت بودند از:

آبرسانی به جبهه و آب دادن به رزمندگان، حمل مجروحین و شهدا به پشت جبهه، نگهداری تدارکات و رساندن مهمات به رزمندگان، آشپزی و طبخ غذا، تهیه دارو و تعمیر و ترمیم وسایل تدارکاتی رزمندگان.

اشاره

نقش زنان در جبهه و جنگ بیشتر از طریق غیر مستقیم می‌باشد. البته تأثیر این مشارکت به مراتب بیشتر از مشارکت آنان به طور مستقیم بوده و با توجه به توضیحاتی که خواهد آمد می‌توان گفت که حضور مردان در جبهه نیز مدیون همین مشارکت زنان است. امام خمینی درباره نقش پراهمیت زنان در انقلاب و به ویژه جبهه و جنگ می‌فرماید:

ما مفتخریم که بانوان و زنان، پیر و جوان، خرد و کلان، در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی، حاضر و همدوش مردان، یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنان که توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی، از واجبات مهم است شرکت و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها، بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهنانده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح

(۱) - الاصابه، ج ۴، ص ۸۴ و ۴۰۲؛ اعلام النساء، ج ۵، ص ۶۱؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۴۱۰.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۰

مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند. و آنان که توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شمع به لرزه می‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه علیها سلام الله، فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا «۱»!

اقسام حضور و نقش‌های زنان در پشت جبهه را می‌توان چنین ترسیم نمود.

۱- رزمنده پروری و تشویق شوهران و فرزندان به شرکت در جهاد

از نقش‌های بسیار سازنده زنان در امر جهاد، تشویق مردان به شرکت در جنگ‌هاست. با توجه به بُعد عاطفی قوی‌ای که در زنان وجود دارد، تأثیر کلام و تشویق آنان اثر فراوانی در تهییج و تحریک مردان به مقاومت و دفاع دارد. امام خمینی قدس سره در این مورد می‌فرماید:

زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند، بانوان در صدر اسلام با مردان در جنگ‌ها هم شرکت داشته‌اند. «۲»

تاریخ صدر اسلام نیز گواه آن است که در مواردی تشویق زنان باعث حرکت شوهرانشان به سوی میدان جهاد و دفاع بوده است. در حرکت تاریخی امام حسین علیه السلام نیز برخی از یاران آن حضرت به تشویق همسران خود به نهضت امام پیوسته و با آن حضرت تا پای جان همراهی کرده‌اند. به عنوان مثال وقتی نامه امام به زهیر بن قین رسید، وی در ابتدا تمایلی به پیوستن به سپاه امام نداشت. اما با شنیدن سخنان حماسی و مشوقانه

(۱) - وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره).

(۲) - صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۳.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۱

همسرش، عزم خویش را بر یاری امام علیه السلام جزم نمود و به سپاه آن حضرت پیوست. (۱) اصولاً وجود همفکری و همیاری زنان نه تنها باعث تشویق و حرکت بستگان درجه اول آنها می‌شود که سبب تشویق و حساسیت دیگر مردان نیز نسبت به امر دفاع می‌گردد. امام خمینی قدس سره در این باره می‌فرماید:

اگر چنانچه یک عده زن در محلی وارد بشوند که محل جنگ است علاوه بر این که خودشان جنگ می‌کنند مردها که یک احساسی دارند نسبت به زنها، حساسیت نسبت به زنها دارند، مردان قوه‌شان را دو چندان می‌کنند، این طور نیست که اگر اینها فرض کنید بروند دفاع کنند، خودشان دفاع کرده‌اند، دیگران را هم به دفاع وادار کرده‌اند. مرد حساس است نسبت به زن، مرد اگر صد نفر را ببیند که می‌کشند ممکن است خیلی ناراحت نشود؛ اما اگر یک زن را ببیند که بی‌احترامی می‌کنند حساسیت دارد ولو آنکه آن زن اجنبی باشد و هیچ کاری هم به او نداشته باشد. این یک حساسیتی است که مردها دارند.

بنابراین پیش قدم شدن شما در همه مسائل، من جمله مسائل دفاع، مسائل جهاد، مسائل کمک کردن به جبهه‌ها، مسائل وارد شدن در هر طریقه‌ای، اسباب این می‌شود که مردها هم بیشتر وارد بشوند و مردها هم قوی‌تر بشوند. (۲)

۲- ایجاد آرامش روانی برای رزمندگان نسبت به اداره زندگی و تربیت فرزندان

رزمندگان اسلام برای اینکه بتوانند با روحیه‌ای آرام و بدون دغدغه به جنگ و دفاع بپردازند و تمام فکر و قوای خود را بر آن متمرکز کنند، باید فکرشان از ناحیه خانه و فرزندان خود آسوده بوده، اطمینان داشته باشند که در غیاب آنان، زندگی‌شان به طور طبیعی جریان دارد و فرزندانشان با آرامش کامل به امور تعلیمی و تربیتی خود خواهند رسید. تأمین این خواسته بحق رزمندگان، در سایه زحمات و الطاف همسران آنان میسر

(۱) - رجال مامقانی، ج ۱، ص ۴۲۵؛ اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۱.

(۲) - صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۸۰.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۲

است؛ زیرا همسران رزمندگان در غیاب آنها از کیان خانواده حفاظت نموده و تمام توان خود را برای اداره صحیح زندگی خود و فرزندانشان به کار می‌برند.

این جنبه از تلاش زنان، از جمله نقش‌های بسیار مثبت و سازنده زنان در تحکیم موقعیت رزمندگان اسلام است که نقش برجسته زنان نسبت به مسأله دفاع را روشن می‌سازد.

۳- استقبال از شهادت جوانان

یکی از مسائل مهم در جهاد و دفاع، روحیه مقاومت و نحوه برخورد با مشکلات و مصائب جنگ است. ملتی که تحمل بالایی از خود نشان دهد قطعاً پیروز از میدان به در آمده شاهد موفقیت خود خواهد شد. و اگر ملتی تحمل مصائب و آثار خسارت بار جنگ را نداشته باشد روحیه خود را از دست می‌دهد، در نتیجه روحیه رزمندگان را نیز ضعیف و آنان را در اجرای مقاصد خود سست می‌کند. یکی از مسائلی که در این راستا باید مورد توجه قرار گیرد نحوه برخورد با تلفات جانی جنگ است. این مسأله نیز ارتباط تنگاتنگی با روحیه مقاومت و ایمان زنان یک جامعه دارد. زیرا اگر زنان از شهادت فرزندان و عزیزان خود استقبال کنند و با آغوش باز آن را پذیرا باشند، از ورود ضعف و سستی به اردوی مدافعان نظام جلوگیری خواهد شد و گرنه ممکن است دشمن از همین ناحیه، نقطه ضعف را شناسایی کرده و با القای وسوسه‌های شیطانی خود، اختلاف و شکست را در میان مدافعان نفوذ دهد.

خوشبختانه زنان مسلمانان با توجه به روحیه ایمانی و درس‌هایی که از قرآن و عملکرد پیشوایان دین گرفته‌اند، به استقبال از شهادت جوانان و عزیزانشان رفته و بدین وسیله نقش مهمی را در ایفای وظیفه خود در قبال جهاد و دفاع عملی ساخته‌اند. نمونه‌های فراوانی از این زنان مؤمن و ایثارگر در صدر اسلام و همچنین در ایران، از آغاز نهضت اسلامی تاکنون وجود داشته‌اند.

۴- پرستاری و امدادگری

در زمان‌های گذشته به دلیل نبود امکانات برای حمل سریع مجروحان، مداوای آنان غالباً در میدان رزم انجام می‌شد و به همین جهت زنانی نیز که برای کمک در این امر جهاد در قرآن، ص: ۱۲۳

داوطلب می‌شدند به جبهه اعزام شده و در همانجا به پرستاری و مداوای مجروحین اقدام می‌کردند. اما در زمان کنونی اقدامات ضروری و اولیه در جبهه انجام می‌شود و اکثر معالجات در بیمارستان‌ها و مناطق پشت جبهه صورت می‌گیرد. زنان در این مورد نیز نقش ممتازی را در ارائه خدمات پزشکی به مجروحان داشته و در حقیقت یکی از نقش‌های حساس خود برای امر دفاع و جهاد را ایفای کنند.

۵- کمک‌های مالی و تدارکاتی

در قرآن مجید و سخنان پیشوایان دین، از مؤمنان خواسته شده که در راه دفاع از اسلام و جامعه اسلامی علاوه بر جهاد با جان خویش، به جهاد مالی نیز اقدام کنند. این دستور نیز همه مؤمنان اعم از زن و مرد را در برمی‌گیرد. در صدر اسلام، و به هنگام اعزام سپاهیان به جبهه نبرد، زنان مسلمان به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شده و به اهدای زیورآلات خود و سایر وسائلی که رزمندگان اسلام بدان محتاج بودند، می‌پرداختند. (۱)

در طول جنگ تحمیلی نیز زنان کشورمان بطور مرتب به اهدای اموال و وسایل لازم جهت جبهه اقدام می‌کردند که این امر بارها مورد تقدیر و سپاس رهبر کبیر انقلاب قرار گرفت. به طوری که امام قدس سره درباره آنها فرمود: زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده همدوش مردان بلکه مقدم بر آنانند. زنان ایران هم مجاهدات انسانی عظیم کرده‌اند و هم مجاهدات مالی. (۲)

۶- فعالیت‌های تبلیغاتی

در زمان‌های گذشته و در صدر اسلام، یکی از عملکردهای زنان، تشویق و تهییج مردان به جنگ به وسیله ایراد خطابه، شعر، سرود و ... بود. این کار در میدان جنگ صورت می‌گرفت. برای نمونه می‌توان به عکرشه دختر اطرش، بکاره هلالیه و زرقاء دختر عدی کوفی اشاره کرد که در جنگ صفین با خواندن اشعار و خطابه به تشویق

(۱)- المغازی، ج ۳، ص ۹۹۲.

(۲)- سیمای زن در کلام امام خمینی، ص ۱۰۹، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۴

مردان مبادرت می‌کردند. (۱)

در زمان معاصر به دلیل گسترش وسایل ارتباط جمعی، به حضور مستقیم زنان در جبهه برای انجام این امر نیازی نمی‌باشد و در

حقیقت از اموری است که زنان می‌توانند در پشت جبهه نقش ایفا کنند. در طول جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نیز عده‌ای از زنان، با سرودن اشعار حماسی و دینی، و پخش آنها از رادیو و مطبوعات، به تهییج دلاور مردان جبهه و جنگ همت گماردند و با تبلیغات خویش، وظیفه خود در دفاع از اسلام و سرزمین اسلامی را به انجام رساندند.

(۱) - ر. ک. بلاغات النساء، ص ۵۰، ۵۳، ۱۰۳ و ۱۱۰.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۵

فصل هشتم وظایف مردم در پشت جبهه

اشاره

نظام اسلامی، نظامی مردمی است، از این رو همه مسلمانان خود را ملزم و موظف به حمایت از آن می‌دانند و در امور مهمی که پیش می‌آید با یکدلی و صمیمیت به میدان شتافته و از نظام الهی، حمایت می‌کنند. از جمله این حوادث، جنگ و جهاد است. در مواقعی که جنگی میان مسلمانان و دشمنان آنان پدید می‌آید، گروهی به‌طور مستقیم در میدان نبرد حضور می‌یابند. مسلمانان دیگری نیز که در پشت جبهه قرار دارند، بنابر تکلیف خود، به حمایت از رزمندگان خواهند پرداخت. اهم مواردی که در این راستا برعهده آنان قرار می‌گیرد موارد ذیل است.

الف- پشتیبانی معنوی و فرهنگی از رزمندگان

۱- تجلیل و تأیید رزمندگان و ایثارگران

یکی از وظایف اصلی مردم در پشت جبهه حمایت و تشویق رزمندگان و درخواست یاری و نصرت از خدا برای آنها می‌باشد. از این رو با انجام اموری چون دعا، نذر و پرداخت صدقه، سلامتی و پیروزی رزمندگان را از درگاه خداوند طلب می‌کنند. علاوه بر این امور باید جو جامعه را به گونه‌ای جهت داد که همه ارگان‌ها و نهادهای جامعه، توجه به رزمندگان و اهداف آنان را مد نظر قرار داده و از اموری که توجه جامعه را از امر مهم جهاد و رزمندگان غافل می‌کند، برحذر داشت. درک عظمت مقام و موقعیت رزمندگان و ارزش‌گذاری امور جامعه بر مبنای جهاد و نیز بسیج همگانی در جهت توجه داشتن به کسانی که به دفاع از مکتب، نظام و آب و خاک حکومت اسلامی پرداخته‌اند،

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۶

عزم مجاهدان را در سرکوبی دشمن راسخ‌تر و صبر و مقاومت آنان را افزون‌تر خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام در مقام تجلیل از رزمندگان فرمود:

«مَنْ قَالَ لِعَازٍ مَرْحَبًا وَ أَهْلًا حَيَّاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اسْتَقْبَلَهُ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّزْهِيْبِ وَ التَّسْلِيمِ» (۱)

کسی که به رزمنده‌ای آفرین و خوش آمد گوید، خداوند در روز قیامت به او تحیت خواهد گفت و فرشتگان، او را با خوش آمد و درود، استقبال خواهند کرد.

۲- تجلیل از شهدا، جانبازان و مجروحان

از دیگر امور لازم، گرامیداشت شهدای جهاد و کسانی است که در این راه متحمل نقص عضو و جراحت شده‌اند. تجلیل معنوی از

شهید و جانباز و مجروح سبب دمیده شدن روح امید در کسانی می‌شود که به جبهه رفته‌اند و یا عزم رفتن دارند. علاوه بر آن، توجه به شهیدان و وصایای آنان، فرهنگ جامعه را تضمین کرده و روح جهاد را در پیکر اجتماع باقی نگه می‌دارد. بزرگداشت خانواده‌های شهدا و جانبازان نیز از دیگر وظایف مؤمنانی است که در پشت جبهه به خدمت مشغولند.

۳- رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان

توجه به خانواده‌های رزمندگان و سعی در برآوردن نیازهای آنان موجب دلگرمی و آرامش خاطر مجاهدان شده، آنان با تمام توان، همتشان صرف جنگ با دشمن و آسودگی فکرشان از اشتغال به پشت جبهه می‌گردد. در روایات نیز به این مسأله توجه شده و سرکشی به خانواده‌های رزمندگان و رفع حوائج آنان از اقدام‌های ارزشمند شمرده شده است.

(۱) - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۵.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۷

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَدْ غَزَا، وَمَنْ خَلَّفَ غَازِيًا فِي أَهْلِهِ بِخَيْرٍ فَقَدْ غَزَا» (۱)

کسی که جنگجوی راه خدا را تجهیز کند، مثل این است که خود در جنگ شرکت کرده و همچنین است کسی که رسیدگی به امور خانواده رزمنده‌ای را در غیاب او به عهده گیرد.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«ثَلَاثَةٌ دَعَوْتُهُمْ مُسْتَجَابَةٌ؛ أَحَدُهُمُ الْغَازِيُّ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْظَرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَهُ» (۲)

دعای سه کس مستجاب می‌شود؛ یکی از آنان جنگجوی راه خداست. توجه داشته باشید که در غیاب او چگونه جانشینی هستید. در حدیثی نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسانی را که به جهاد نرفته و یا در رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان به نیکی رفتار نکرده‌اند مورد عذاب الهی دانسته است. (۳)

البته حمایت معنوی از رزمندگان با توجه به شرایط و مقاطع مختلف، به شکل‌های متفاوتی صورت می‌پذیرد، گاهی به صورت تظاهرات و اعلام پشتیبانی رسمی و دادن پیام‌های مناسب و حماسی است و گاهی با سرودن اشعار و راه انداختن تبلیغات در تأیید رزمندگان ... و از همه مهم‌تر، داشتن وحدت کلمه و اعلام حمایت کامل از رهبر.

ب- مقابله با توطئه‌های دشمن و ستون پنجم

اشاره

و وظیفه دیگر مسلمانانی که در پشت جبهه به فعالیت روزمره مشغولند آن است که اوضاع پشت جبهه را به گونه‌ای سامان دهند که رزمندگان در جبهه، مطمئن باشند که خطری از پشت سر آنها را تهدید نمی‌کند و همچنین اهدافی که به خاطر آن سلاح بر گرفته و در میدان نبرد جانبازی می‌کنند، در پشت جبهه به بازی گرفته نشده و مردم با

(۱) - الترغیب والترهیب، ج ۲، ص ۲۵۴.

(۲) - وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۳.

(۳) - ر. ک. سنن ابی داود، ج ۳، ص ۱۰.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۸

حفظ همبستگی و علاقه به آرمان و نبرد مقدسشان، توطئه‌ها و ترفندهای دشمن را نقش بر آب می‌کنند. در غیر این صورت، ذهن آنان از مسائل جنگ و دفاع به مسائل پشت جبهه منحرف شده و در رویارویی با متجاوزان کارآیی لازم را نخواهند داشت. در این قسمت از بحث به اهم مسائلی که برای مقابله با توطئه‌های دشمن در نفوذ به پشت جبهه ضروری است، اشاره می‌کنیم:

۱- پرهیز از تفرقه

همان‌گونه که اتحاد و هماهنگی رزمندگان سبب پیروزی در میدان نبرد خواهد شد، وحدت نیروهای مستقر در پشت جبهه نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی رزمندگان خواهد داشت؛ زیرا وحدت یک ملت سبب ایجاد رعب و هراس در دل دشمنانش شده، امید دشمن را در رخنه به صفوف آنان به یأس بدل خواهد کرد. به همین دلیل وظیفه مؤمنان آن است که از درگیری‌های داخلی و نزاع و کشمکش‌هایی که فرصت را برای دشمنان فراهم می‌آورد پرهیز نمایند و اگر اختلاف سلیقه‌ای نیز در بین آنان وجود دارد از راه گفتگو و برخورد مسالمت‌آمیز به تفاهم و توافق برسند تا بتوانند همچون یک واحدی در برابر دشمن قیام نموده و به تجهیز لشکر اسلام همت گمارند.

دشمن هر چند گاهی، با ایجاد شایعه و جعل نسبت‌های ناروا به مسؤولان، درصدد ایجاد تفرقه در میان صفوف به هم فشرده مؤمنان در جبهه و پشت جبهه برمی‌آید. در این مواقع با هشیاری باید به شناخت ریشه‌های شایعه‌افکن پرداخت و با انعکاس اخبار صحیح و واقعی به مردم، آنها را از واقعیات با خبر ساخت. صمیمیت و یکرنگی مسؤولین کشور و فرماندهان نظامی با مردم نیز سبب ایجاد رابطه بیشتر و در نتیجه وحدت عمومی در جامعه خواهد شد.

تبیین اهداف جنگ و انگیزه متجاوزان نیز از مسائل لازمی است که برای پدید آمدن روح وحدت در جامعه ضروری است زیرا با مشخص نشدن آن، عزم همگانی برای ادامه نبرد تا رسیدن به پیروزی نهایی و دفع شر متجاوزان حاصل نمی‌شود و گروه‌های مختلف در مقاطع گوناگون به گمان اینکه دیگر نیازی به ادامه جنگ نیست و دشمن از رسیدن به

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۹

مقصد خود مأیوس شده، از ادامه نبرد دست‌نگه می‌دارند. بدین جهت ضروری است که توجه کافی در مورد نیروهای رزمنده و ملت پشتیبانی‌کننده صورت گیرد.

تقویت معنویات و روحیات متعالی در فضای جامعه از عوامل مهم در ایجاد وحدت در جامعه است؛ زیرا رو آوردن به مسائل مادی و هوا و هوس‌ها، عامل اصلی پدید آمدن نزاع و کشمکش‌هاست. اما انتشار روحیه معنویت‌خواهی، سبب می‌شود که توجه به منافع شخصی کم‌رنگ شده و دل‌ها به هم نزدیک گردند.

هماهنگی و وحدت رویه مسؤولان و توجه به اقشار پایین جامعه نیز در ایجاد وحدت تأثیر بسزایی دارد، زیرا غالب مدافعان دین و ملت، از طبقات متوسط و پایین جامعه هستند و توجه به این اقشار، آنها را دلگرم ساخته و راه نفوذ دشمن را سد می‌کند.

۲- حفظ امنیت داخلی

رزمندگان زمانی در عملیات خود بر ضد دشمن موفق می‌شوند که با فکری آسوده به نقشه‌کشی بر علیه دشمن پرداخته و تضمین لازم را برای دریافت کمک و پشتیبانی از پشت جبهه داشته باشند و هر دوی این امور در گرو تضمین امنیت داخلی کشور است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام نبرد احزاب، توجه به امنیت داخلی شهر مدینه نیز داشت و به همین جهت قسمتی از نیروها

را برای حفاظت از شهر در مقابل توطئه منافقان و کسانی که ممکن بود امنیت شهر را بر هم زده و سبب آسیب‌پذیر شدن نیروهای رزمنده گردند، به کار گرفت.

هر چند وظیفه حفظ امنیت داخلی کشور، برعهده نیروهای نظامی و انتظامی مستقر در پشت جبهه‌ها و در داخل شهرهاست اما نباید نقش عموم مردم را در این مهم فراموش کرد. افراد جامعه وظیفه دارند با مراجعه به بسیج و تشکیل ارتش مردمی به حفاظت از شهر و منطقه خود پردازند. قطع دست افراد شرور و کسانی که با بر هم زدن امنیت اجتماعی سبب آلوده شدن جو سالم اجتماع می‌شوند از اهم وظایف مؤمنان است.

۳- مقابله با جنگ روانی دشمن

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۰

امروزه جنگ روانی یکی از عوامل عمده و حساس دستیابی به موفقیت در کلیه نبردها اعم از نظامی، اقتصادی، تبلیغاتی و سیاسی است. به‌طور کلی دشمن برای پیروزی خود، گذشته از عوامل گوناگون، از دو عامل بیشترین استفاده را می‌برد: یکی مجهز بودن به انواع وسایل رزم و دیگری به کارگیری فنونی که موجب شکست روحیه نیروهای طرف مقابل خود بشود که از آن به جنگ روانی تعبیر می‌کنیم؛ در مواردی تأثیر جنگ روانی اگر بیشتر از وسایل مجهز جنگی نباشد، از آنها نیز کمتر نیست. از این جهت یکی از وظایف مردم در پشت جبهه مقابله با جنگ روانی دشمن است. البته چون در این جنگ، دشمن از فنون و شیوه‌های مختلف بهره می‌گیرد، مردم نیز متناسب با ابزار و روش‌های به کار گرفته شده توسط دشمن باید واکنش نشان داده و مقابله نمایند. به‌عنوان مثال گاهی دشمن در قالب تبلیغات فراوان و راه انداختن سر و صدای زیاد در رسانه‌ها و مطبوعات، به بزرگ‌نمایی خود می‌پردازد تا بدین وسیله روحیه نیروهای مدافع و مردم پشتیبانی‌کننده را تضعیف کند. در این مورد ارائه آمار صحیح و واقعی از نیروهای دشمن و تبلیغات متقابل و ارائه نقاط ضعف دشمن می‌تواند از موفقیت دشمن در این زمینه بکاهد. شرکت مردم در مانورهایی که توسط فرماندهان اسلام برگزار می‌گردد از دیگر پاسخ‌هایی است که تیر رها شده از کمان نبرد روانی دشمن را به‌سوی خود آنها بازخواهد گرداند و دلهره و اضطراب را به اردوی دشمن منتقل خواهد کرد.

همچنین دشمن در پی کسب اسرار و خبرهای سری از درون نیروهای رزمنده اسلام و امکانات آنان است تا هم بتواند براحتی با آنان مقابله نماید و هم بتواند با افشای برخی از آنها، سبب ضربه روانی به آنان گردد. در این مورد نیز وظیفه مردم سنگین است؛ زیرا دشمن با وجود ستون پنجمی که دارد به جمع‌آوری این اخبار و اطلاعات می‌پردازد.

از این رو بر همه مردم است که در نقل اخبار و وقایع مواظبت نمایند تا آنچه که سری است و یا جنبه نظامی دارد و دشمن می‌تواند از آن سوء استفاده کند، به دست دشمن نرسد. مقابله با شایعات، دروغ‌افکنی‌ها، بزرگ‌نمایی‌ها و سایر مواردی که از سوی دشمن پخش می‌شود از دیگر وظایف عموم مردم در جنگ روانی است.

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۱

ج- پشتیبانی مالی و تدارکاتی از جبهه

تدارکات، اعم از اینکه قبل از حمله به دشمن، صورت گیرد یا به هنگام حمله، نقش بسزایی در تحقق و حفظ پیروزی دارد و یکی از ضروریات سازماندهی نیروهای رزمی به‌شمار می‌رود، چرا که تدارکاتِ بموقع و مناسب، مانع کاستی نیرو و قدرت رزمندگان می‌شود. برای مثال، سوخت رسانی صحیح و بموقع برای خود روها، آبرسانی، رساندن مواد غذایی برای پیکارگران، رساندن سلاح و مهمات برای گرم نگه داشتن جبهه‌ها و رفع دیگر نیازمندی‌ها از این مقوله است که چنانچه در وقت خود فراهم نشود، اداره جنگ

با مشکل مواجه خواهد شد و سبب تضعیف روحیه نیروها شده و از قدرت و توان رزمی شان می‌کاهد. به‌عنوان مثال، نیرویی که در حال پیشروی است، چنانچه از نظر سوخت، مهمات، مواد غذایی و ... به‌وسیله غنایم یا نیروهای پشتیبانی، تدارک نشوند، از ادامه پیشروی باز می‌مانند و حتی مجبور می‌شوند به عقب برگردند که در هر دو صورت زیان دیده و خساراتی را متحمل خواهند شد، بدون اینکه نتیجه‌ای به‌دست بیاورند.

امروزه، در کشورهای دارای اقتصاد صحیح و برنامه‌ریزی شده، بودجه مورد نیاز نیروهای نظامی از منابع ملی و مالیات تأمین می‌شود و در واقع، تأمین کننده آن خود مردم هستند، چنانکه امیر مؤمنان علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید:

«ثُمَّ لَا قِيَامَ لِلْجُنُودِ إِلَّا بِمَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْخَرَاجِ الَّذِي يَقُوُونَ بِهِ عَلَى جِهَادِ عَدُوِّهِمْ وَيَعْتَمِدُونَ عَلَيْهِ فِيمَا يُضِلُّهُمْ وَيَكُونُ مِنْ وِرَاءِ حَاجَتِهِمْ» (۱)

ولی بنیه سپاهیان بستگی به جیره‌ای دارد که خداوند از محل خراج و مالیات برای آنان تعیین کرده تا با دلگرمی بتوانند با دشمن به جهاد پردازند و زندگی خود و خانواده‌هایشان را تأمین و نیازمندیهایشان را فراهم سازند.

ممکن است این مقدار در زمان جنگ که هزینه‌های نظامی به‌شدت افزایش می‌یابد، کافی نباشد؛ در این صورت دولت‌ها طبق معمول، مالیات‌ها را افزایش می‌دهند و اگر حکومت مردمی و یا دینی باشد، مردم با میل و رغبت این افزایش را می‌پذیرند. راه

(۱) - نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۲.

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۲

دیگری که برای تأمین بودجه‌های جنگی وجود دارد، کمک‌های داوطلبانه مردمی است که علاوه بر اثرات مثبت مادی، اثر معنوی و عاطفی مطلوبی در جبهه‌ها دارد.

از دیدگاه وحی و احادیث معصومین علیهم السلام، در کنار وظیفه حضور در جبهه و جهاد با جان، وظیفه دیگری به‌عنوان جهاد مالی نیز مطرح است. قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید:

«وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۱)

در راه خدا با مال و جان‌تان جهاد کنید.

در سفارش‌های امیر مؤمنان علیه السلام نیز چنین آمده است:

«اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسَّبِيلِ اللَّهِ» (۲)

خدا را! خدا را! (در نظر بگیرید، پیرامون) جهاد با اموال و جانهایتان و زبان‌تان در راه خدا.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پاداش کسی که برای خدا، مجاهد در راه خدا را تجهیز کند و وسایل لازم را در اختیار او بگذارد، مانند پاداش همان مجاهدی است که در راه خداوند جهاد می‌کند. (۳) پشتیبانی و همکاری مردم همچنان که در تجهیز و تقویت بنیه نظامی - دفاعی رزمندگان مؤثر است، از نظر معنوی نیز بسیار ارزشمند می‌باشد، زیرا وقتی که رزمندگان اسلام کمک‌های مردمی را دریافت می‌کنند، یک نوع ارتباط عاطفی بین آنها و مردم برقرار می‌شود و درمی‌یابند که در نبرد مقدس خود تنها نیستند، بلکه از پشتیبانی ملتی فداکار برخوردارند.

نکته دیگر این که، چون رزمندگان علاقه ملت را نسبت به خودشان درک کرده و متوجه شدند که حتی ضعیف‌ترین افراد کشور با ایثار و از خودگذشتگی به آنها کمک

(۱) - توبه (۹)، آیه ۴۱.

(۲) - میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۲۹.

(۳) - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۲.

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۳

می‌کنند، در استفاده از وسایلی که در اختیارشان است صرفه‌جویی خواهند کرد و در حفظ و نگهداری ابزار و مهمات و غیره کوشش خواهند نمود؛ زیرا می‌دانند همه آن امکانات چه از طریق دولت تأمین شود و چه از طریق کمک‌های مردمی، متعلق به امتی فداکار است که از جان و دل پشتیبان رزمندگان خود هستند.

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۵

فهرست منابع

قرآن مجید

نهج البلاغه، صبحی صالح.

ایمان الشیعه، محسن امین، دارالتعارف للمطبوعات.

بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت.

تاریخ پیامبر اسلام، عبدالحمید آیتی، دانشگاه تهران.

تفسیر عیاشی، مسعود بن عیاش قندی، انتشارات علمیه اسلامیة.

تفسیر کنز الدقایق، میرزا محمد مشهدی قمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

جواهر الکلام، شیخ محمدحسن نجفی، دار احیاء التراث العربی.

جهاد، آیت‌الله حسین نوری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جهاد، شهید مرتضی مطهری، صدرا.

دادگستر جهان، ابراهیم امینی، دارالفکر قم.

در مکتب جمعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سنن ترمذی، ترمذی، دارالاتحاد العربی.

سنن ابی داود، ابی داود، بیروت.

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۶

السیره النبویه، ابن هشام، بیروت.

الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلى الله عليه و آله، جعفر مرتضى عاملی، دفتر انتشارات اسلامی.

صحیفه نور، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.

عبرتهای عاشورا، مقام معظم رهبری.

الكافی، شیخ کلینی، دارالتعارف بیروت.

مجمع البيان، شیخ طبرسی، دار احیاء التراث العربی.

مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.

مغازی، واقدی، بیروت.

المغنی، ابن قدامه، دارالکتب العربی.

المفردات، راغب اصفهانی، دارالمعرفه بیروت.
 المهدی، آیت‌الله صدر، بیروت.
 المهدی الموعود المنتظر، علامه عسکری، مؤسسه امام المهدی.
 المیزان، علامه طباطبائی قدس سره، اعلمی بیروت.
 میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دفتر تبلیغات اسلامی.
 المبسوط، سرخسی، دارالمعرفه.
 وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، دار احیاء التراث العربی.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی)
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
 بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتعم فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در
 دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه
 الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن
 خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره
 الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف
 مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه
 مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و
 رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به
 محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن
 منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در
 نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی
 ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

- الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

